

تظاهرات و اعتراضات ضد حکومتی در سراسر ایران ادامه دارد



● حرکت اعتراضی دانشجویان که از کوی دانشگاه شروع شد با پشتیبانی بخشی از جوانان

به خیابان‌ها کشیده شده است

● شعار جوانان در تبریز: نه شاه می‌خوایم نه رهبر - نه خاتمی نه اکبر

● شعار مردم رشت به دنبال یک درگیری خونین: عزا عزاست امروز - پول نفت ما زیر عباس است امروز

اعلامیه‌های هیئت سیاسی - اجرایی
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به حمایت از اعتراضات دانشجویی برخیزیم!

کمیته‌های حمایت

از جنبش دانشجویی را تشکیل دهیم!

دستگیری اعضا سازمان مجاهدین در فرانسه

نقض حق بنابندگی سیاسی است

در صفحه ۲

فشار اتحادیه اروپا

برای امضا پروتکل الحاقی

هفت ماده‌ای گزارش مورخ ششم ژوئن مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد اجرای تضمین‌های مندرج در پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای از سوی ایران را با نگرانی تعلق کرده‌اند.

وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا از حکومت ایران خواستند پروتکل الحاقی به پیمان منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای را امضا کند.

وزیران خارجه کشورهای اروپایی، که روز دوشنبه، ۱۶ ژوئن، در اجلاس در لوکزامبورگ شرکت داشتند، در عین حال حق ایران برای ادامه برنامه‌های هسته‌ای با مقاصد صلح‌آمیز را مورد شناسایی قرار دادند.

شرکت‌کنندگان در این اجلاس با صدور پیش‌نویس یک بیانیه

به تجمع زدند. شعارهای صنفی تظاهرکنندگان به سرعت به شعارهای سیاسی بدل شد. و پس بدست کوی امیرآباد راه‌پیمایی کردند. در این حال عده زیادی از مردم به آنها پیوستند. و حرکت ماشینی به سمت امیرآباد خیابان را بند آورده بود.

پس از اعتراض دانشجویان به این طرح، دانشجویان اعلام کردند که در صورت عدم توقف طرح پذیرش دانشجوی نوبت دوم دانشجویان در امتحانات ترم شرکت نخواهند کرد.

شکل اعتراضات از روز سه شنبه ۲۰ خرداد عوض شد. ابتدا تعدادی از دانشجویان معترض به خصوصی‌سازی دانشگاهها در مقابل کوی دانشگاه تهران دست

دانشگاهها می‌دانند. در جلسه پرسش و پاسخی که روز ۱۹ خرداد در دانشگاه صنعتی امیرکبیر با موضوع طرح پذیرش دانشجوی نوبت دوم که با حضور دکتر توفیقی معاون آموزشی وزارت علوم، اعضای هیات رئیسه دانشگاه برگزار شد، به اعتراض دانشجویان و تجمع آنان در برابر سالن همایش منجر شد.

ادامه در صفحه ۳

نارامی و تظاهرات در تهران از زمانی اعتراضات شروع می‌شود که طرح پذیرش دانشجویان نوبت دوم مطرح می‌شود و این طرح مورد انتقاد دانشجویان قرار می‌گیرد. بر اساس این طرح دانشجویانی بدون شرکت در کنکور با پرداخت شهریه در دانشگاه ثبت نام می‌کنند و بخشی از ظرفیت

نارامی و تظاهرات در تهران

نامی باشد. مسئولین این طرح را در جهت استفاده از ظرفیت دانشگاهها و خوکفشدن آن از نظر مالی و دانشجویان آن را در جهت محدود کردن آن از نظر ظرفیت و اختصاص آن ظرفیت به اقشار مرفه و ایجاد مشکلات بیشتر برای ورود جوانان با استعداد و وابسته به خانواده‌های کم درآمد و خصوصی‌شدن

اعلامیه هیئت سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به عملیات خودسوزی فوراً پایان دهید

بر اساس گزارش‌های منتشره، تاکنون ۶ نفر از هواداران سازمان مجاهدین خلق در لندن و پاریس در اعتراض به دستگیری گروهی از اعضا و رهبران مجاهدین خلق دست به خودسوزی زده‌اند. یک تن از آنان به نام مرضیه باباخانی بر اثر جراحات وارده جان خود را

از دست داده است. خودسوزی شیوه‌ای غیر انسانی در مبارزه سیاسی و نشانه خوارداشتن حیات انسانی و بی‌بهاشردن زندگی انسان‌ها است. خودسوزی نمود رواداشتن شدیدترین شکل اعمال خشونت هیئت سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۲۹ خرداد ۱۳۸۲

بر اساس گزارش‌های منتشره، تاکنون ۶ نفر از هواداران سازمان مجاهدین خلق در لندن و پاریس در اعتراض به دستگیری گروهی از اعضا و رهبران مجاهدین خلق دست به خودسوزی زده‌اند. یک تن از آنان به نام مرضیه باباخانی بر اثر جراحات وارده جان خود را



برای اعتراضی به حمله پلیس فرانسه تاکنون در پاریس و لندن ۷ تن از هواداران مجاهدین خود را به آتش کشیده‌اند

آغاز پایان حکومت اسلامی؟

ده روز پایانی خردادماه، ایام خیزش دوباره جنبش دانشجویی و گسترده‌شدن دامنه این خیزش به متن جامعه ایران بود. در این روزها، خیابانهای تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و چندین شهر دیگر کشور ما شاهد اعتراض گسترده مردم ایران به استبداد فقهاتی بود. حکومت جمهوری اسلامی با آنکه به طور مکرر از زبان بالاترین مقام خود و نیز بسیاری از مقامات دیگر، مردم را تهدید به کاربرد مشت آهنین کرد، نتوانست مانع تکرار گردهمایی‌های اعتراضی دانشجویان و اقشار دیگر مردم در روزها و شبهای گرم خردادماه شود. لشکرکشی هزاران نفره نیروهای انتظامی و محاصره دانشگاهها توسط این نیروها، حملات وحشیانه لباس شخصی‌ها که بخشی از نیروی سرکوب حکومت را تشکیل می‌دهند و دستگیری صدها نفر از مردم، نتوانسته است به تظاهرات ضدحکومتی خاتمه دهد.

آنچه برآمد تازه جنبش دانشجویی نامیده شده است. از محیطهای دانشگاهی بسیار فراتر می‌رود. آمار دستگیرشدگان تظاهرات اخیر در تهران و شهرستانها حاکی از آن است که تنها اقلیتی از آنها دانشجوییند. جنبش دانشجویی، یک عامل محرک بسیار نیرومند برای اعتراضات جاری است. اما دانشجویان دیگر تنها نیستند. روز ۲۰ خرداد، تنها چند ساعت کافی بود تا هزاران تن از مردم تهران به حمایت از دانشجویانی برخیزند که با آغاز از خواست صنفی مقابله با حراج دانشگاهها، ندای آزاد یخواهانه خود را بلند کردند و حرکت صنفی خود را به یک خیزش سیاسی رویانندند. ظرف چند ساعت، خیابانهای منطقه امیرآباد تهران مملو از مردمی شد که بر خلاف ۱۸ تیر ۱۳۷۸، چهره اعتراضات را از یک حرکت صرفاً دانشجویی به یک جنبش فراگیر در سطح جامعه تغییر دادند. تفاوت چشمگیر دیگر میان خیزش خرداد ۸۲ و قیام تیر ۷۸، این است که این بار اعتراضات علیه کلیت نظام اسلامی جهت گرفته است و نه علیه یک جناح و به سود جناح دیگر. اگر در سال ۷۸، دانشجویان هنوز می‌توانستند امیدوار باشند که حرکتشان در عقبراندن محافظه کاران از مواضعشان در حکومت موثر باشد، اگر در سال ۷۸ هنوز مجلس در دست محافظه کاران بود و اصلاح طلبان می‌توانستند حمایت میلیونها تن از ایرانیان را برای تغییر این وضع به دست آورند، امروز دیگر اکثریت ایرانیان، همانگونه که در انتخابات نهم اسفند ۸۱ نشان دادند، به هیچ یک از جناح‌های حاکم اعتماد ندارند و می‌خواهند طرحی نو دراندازند.

ادامه در صفحه ۳

در این شماره

جنبش دانشجویی اخیر؛ کداعین بی‌آمدها؟

بیزاد کریمی

در صفحه ۷

وضعیت کنونی، امیدها و نگرانی‌ها

ماشاءالله سلیمی

در صفحه ۷

آلترناتیو دمکراتیک، نیاز جامعه

منوچهر مقصودنیا

در صفحه ۸

سخنی با فعالین جنبش دانشجویی

دانش یاقربور

در صفحه ۸

زمان تغییر و تدبیر

احمد فرهادی

در صفحه ۹

اعلامیه‌های هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به حمایت از اعتراضات دانشجویی برخیزیم!

در آستانه سالگرد ۱۸ تیر، که پیشینی می‌شود حرکات دانشجویی و ضد حکومتی ابعاد وسیعی بیاید، یک اعتراض صحنی دانشجویی به سرعت رنگ و سیمای سیاسی به خود گرفت و به شعاردهی و تظاهرات علیه حکومت جمهوری اسلامی، علیه استبداد دینی و برای آزادی زندانیان سیاسی فرا رویتید. تجمع دانشجویان در برابر کوی دانشگاه تهران در اعتراض به خصوصی‌سازی دانشگاه‌های دولتی و شهریه‌های شدن دانشگاه‌ها در سه‌شنبه شب، گسترش یافت و به تظاهراتی منجر شد که در دو روز گذشته ادامه داشته و در آن انجام رفراندوم و استقرار یک نظام دموکراتیک خواسته شد و علیه رهبران نظام شعار داده شد. پیوستن فوری جمع قابل توجهی از مردم به دانشجویان علیرغم تلاش‌های فوق‌العاده نیروهای انتظامی و امنیتی برای ممانعت از گسترش این حرکت اعتراضی، التهاب شرایط و آمادگی برای پیوستن به اعتراضات توسط مردمی که آزادی از چنگال استبداد را می‌طلبند را نمایش می‌دهد.

به روال معمول، سران جمهوری اسلامی حرکات مردم آزادیخواه را به عوامل بیگانه و مراکز قدرت طلب نیست داده و علی‌خامنه‌ای تهدید به سرکوب کرد و گفت: اگر ملت ایران بخواهد مانند ۲۳ تیر ۱۳۷۸ عمل خواهد کرد، بنا بر اعلام وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی تعداد ۸۰ تن از دانشجویان دستگیر شده‌اند.

ما از حرکات اعتراضی دانشجویان و مردمی که به حمایت از آنان برخاستند پشتیبانی می‌کنیم، خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان هستیم و به سهم خود در آستانه ۱۸ تیر، سالگرد جنبش دانشجویی، فرامی‌خوانیم با کوشش در راستای تقویت و گسترش اشکال گوناگون اعتراضات، این حرکات را عرصه بیان خواسته‌های آزادیخواهانه مردم کشور خود سازیم.

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۲۲ خرداد ۱۳۸۲

کمیته‌های حمایت از جنبش دانشجویی را تشکیل دهیم!

مردم ایران! آزادخواهان! نیروهای دمکرات! فرزندان دلاور مردم ایران اینک برای ششمین روز متوالی، به اعتراض خود علیه استبداد و برای آزادی و دموکراسی ادامه می‌دهند. علیرغم تهدیدهای علی‌خامنه‌ای و ددمنشی‌های اعوان و انصار او که گزارشها حاکی است نخستین قربانیان را از میان مردم گرفته است، دانشجویان و مردم تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، اراک و ... نهراسیدند و در میدان ماندند. وظیفه عاجل و تأخیرناپذیر همه ماست که هر آنچه در توان داریم به کار گیریم تا این فداکاری‌ها بی‌ثمر نماند. همه می‌دانیم برای آنکه چنین شود، باید شمار بیشتری از مردم، به این حرکت بپیوندند. و نیز باید کمیته‌های حمایت از جنبش دانشجویی و تظاهرات دانشجویان ضدحکومتی، تشکیل شود.

ما همه فدائیان خلق را فرا می‌خوانیم بدین امر با همه قوا یاری رسانند. باید توجه افکار عمومی جهان به سرنوشت مردمی جلب شود که با دست خالی در برابر مشت آهنین حکومتی سرکوبگر سینه سپر کرده است. باید با افزودن بر شمار معترضین، بر دستان سرکوبگران دستبند زد و خاموش کردن صدای مردم را غیرممکن کرد. آینده از آن مردم ایران است.

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۲۵ خرداد ۱۳۸۲

دستگیری اعضا سازمان مجاهدین در فرانسه نقض حق پناهندگی سیاسی است

پلیس فرانسه روز سه‌شنبه ۲۷ خرداد برابر با ۱۷ ژوئن در یک عملیات ضربتی کم‌سابقه و از پیش تدارک‌شده بیش از ۱۶۰ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران را بازداشت کرده است.

بر اساس گزارش‌های رسمی در جریان یورش پلیس به دفاتر و محل سکونت اعضای مجاهدین خلق ایران در پاریس و حومه آن سریم رجوی خسر مسعود رجوی و صالح رجوی برادر رهبر مجاهدین خلق نیز دستگیر شده‌اند.

هم‌زمانی یورش پلیس فرانسه علیه مجاهدین با سفر هیئت ویژه پارلمانی جمهوری اسلامی به اروپا و رفتاری که دولت آمریکا بعد از تهاجم به عراق در قبال سازمان مجاهدین اتخاذ کرده است، این ارزیابی را قوت می‌بخشد که دستگیری ناگهانی مجاهدین در پاریس بازتاب کث و قوس مناسبات جمهوری اسلامی، آمریکا و اتحادیه اروپا و تحولات ایران باشد، با توجه به آنکه بیش از سه ماه از بازگشت مریم رجوی و سایر اعضا مجاهدین به خاک فرانسه و تأیید مجدد پناهندگی آنان نگذشته است.

مجاهدین به دولت فرانسه پناه آورده‌اند. جان آنان در ایران و در عراق در خطر است. پلیس فرانسه با یورش به محل زندگی مجاهدین و دستگیری آنان حق پناهندگی و حقوق بشر را نقض کرده است. در منشور حقوق بشر برخورداری از حق زندگی، آزادی بیان و عقیده و ... برای همه انسانها به رسمیت شناخته شده و دولت فرانسه مطابق قوانین بین‌المللی موظف است این حقوق را تأمین و تضمین کند و به بازداشت مجاهدین و محرومیت آنان از حق پناهندگی و حقوق بشر پایان دهد.

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۲۸ خرداد ۱۳۸۲

گزارش تظاهرات در بروکسل



تظاهرات در بروکسل پایتخت بلژیک، برای همبستگی با مبارزات دموکراتیک دانشجویان و محکوم کردن نقض حقوق بشر در ایران و نیز برای دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی در بلژیک و بویژه از ۱۶ ایرانی که در دو هفته قبل در بروکسل، اعتصاب غذا کرده‌اند، برگزار شد. در این تظاهرات ۵۰۰ ایرانی و بلژیکی شرکت داشتند. در این تجمع تظاهرکنندگان شعارهایی برای همبستگی و دفاع از مبارزات دانشجویان سر دادند. یکی از اهداف این راهپیمایی این بود که تظاهرکنندگان با اعتراضات خود نشان دهند که ایران برای ایرانیان کشوری امن نیست و در این عرصه تظاهرکنندگان و سازمان‌دهندگان راهپیمایی بسیار خوب عمل کردند و اغلب وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون، رادیو، مطبوعات بلژیکی) به تهیه گزارش و خبر از خواسته‌ها و اعتراضات ایرانیان پرداختند. قابل توجه است که ملاقات‌هایی با نمایندگان مجلس و سنا و احزاب بلژیکی توسط «کمیته همبستگی با ۱۶ متقاضی پناهندگی» صورت گرفت. در این ملاقات‌ها از وضعیت حقوق بشر در ایران و مبارزات دموکراتیک دانشجویان و نیز حقوق بر حق پناهندگان ایرانی صحبت و دفاع شد. نمایندگان مجلس سنا از جمله خانم «آن ماری لیزن» از حزب سوسیالیست از مبارزات مردم ایران حمایت کرد و نیز قول پشتیبانی از خواسته‌های پناهندگان در بلژیک را داد.

در این تظاهرات اعلامیه‌هایی برای دفاع از حقوق بشر در ایران و مبارزات دانشجویان برای دموکراسی و آزادی و نیز بر علیه حکومت اسلامی ایران بصورت جداگانه توسط کمیته همبستگی با اعتصابیون، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - بلژیک و نیز جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دموکراسی در ایران - بلژیک انتشار و در میان ایرانیان پخش شد.

این راهپیمایی بعد از سه ساعت با تجمع ایرانیان در محل کلیسایی که متقاضیان پناهندگی ایرانی در آن اعتصاب غذا کرده‌اند، به پایان رسید. تاکنون ده‌ها حزب، سازمان و شخصیت بلژیکی و ایرانی از خواسته‌های تظاهرکنندگان و پناهندگان اعتصابی حمایت کردند و کمیته همبستگی از همه این تشکلهای بابت شرکتشان در راهپیمایی تشکر کرد. در پایان راهپیمایی تظاهرکنندگان برای همبستگی با پناهندگان اعتصاب‌کننده به داخل کلیسا رفتند.

در طول تظاهرات اعلامیه‌ای از طرف جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دموکراسی در ایران - بلژیک پخش شد که در آن از ایرانیان مقیم بلژیک درخواست شده که برای پشتیبانی از جنبش دانشجویی و مبارزات آزادیخواهانه و دموکراتیک مردم ستمدیده میهنمان در تظاهرات روز دوشنبه ۲۳ ژوئن ۲۰۰۳ در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در بروکسل، شرکت کنند. گزارش از جعفر ستوبادی پناهندگان در بلژیک را داد.

اطلاعیه کمیسیون جوانان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در رابطه با حوادث اخیر دانشجویی با حمایت گسترده از مبارزات دانشجویی، تهاجم ماشین سرکوب رژیم را درهم شکنیم

در ششمین روز از اعتراضات دانشجویی که توانست در مدت زمان کوتاهی به اعتراض فراگیر سیاسی علیه سیستم فقه‌حاکم مبدل شود، سران رژیم و شخص‌خامنه‌ای فرمان سرکوب را صادر کردند. پس از فرمان‌خامنه‌ای در ستوه مختلف شهر تهران شکلی از حکومت نظامی برقرار شده و نیروهای سرکوبگر وزارت اطلاعات، لباس شخصی‌ها و دیگر عوامل رهبری و نیروی انتظامی صدها تن از دانشجویان و تظاهرکنندگان را دستگیر کردند.

دستگیرشدگان توسط اتوبوسهائی که در مسیر بزرگراه چمران از قبل آماده شده بودند به بازداشتگاهها و زندانهای بی‌نام و نشان منتقل شدند.

نیروهای ترقیخواه مدافع حقوق بشر داخل و خارج کشور دانشجویان معترض فرزندان غیور میهن هستند که از استبداد و ستم نظام فقه‌حاکم جمهوری اسلامی به ستوه آمده‌اند. خواست آنها خواست همگانی و دیرینه مردم برای نیل به آزادی و دموکراسی است. با تشکیل کانونهای دفاع از حقوق دانشجویان و با اتحادی فراگیر به مقابله با اقدام سرکوبگرانه رژیم به پاخواسته و آبی از حمایت و تلاش برای آزادی دستگیرشدگان اخیر درنگ نکنید.

پایدار و پرطنین باد جنبش دانشجویی

کمیسیون جوانان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۲۶ خرداد ۱۳۸۲

نامه به وزرای کشور و خارجه فرانسه

وزیر محترم خارجه فرانسه
وزیر محترم کشور فرانسه
اخبار مربوط به دستگیری حدود ۱۶۰ نفر از اعضای مجاهدین خلق ایران که در فرانسه اقامت دارند موجب نگرانی اپوزیسیون ایران گردیده است. بسدببب است هر دولت دموکراتیک حق دارد در کشور خود وضعیت امنیتی نیروهای سیاسی خارجی مقیم کشورش را در چهارچوب کنوانسیون ژنو و دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه مورد کنترل قرار دهد. اما بنظر ما شدت عمل و روش برخورد نیروهای امنیتی فرانسه نسبت به مجاهدین قبل از اینکه به روند دموکراسی در ایران کمک کند، بیشتر مورد سوءاستفاده جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. ما ضمن تقدیر از سیاست دولت شما برای حل مسالمت‌آمیز مناقشات و معضلات بین‌المللی، توقع داریم حقوق نیروهای سیاسی اپوزیسیون ایرانی، از جمله مجاهدین خلق ایران را برای مبارزه عادلانه مردم ایران در راه برقراری دموکراسی در ایران محترم بشمارید.

با وجود اختلاف نظرات عمیق ما با مجاهدین، معتقدیم پس از سقوط رژیم صدام حسین و چشم‌انداز دگرگونی ژئوپولیتیک در خاورمیانه، شرایطی بوجود می‌آید که رهبری مجاهدین را بر آن می‌دارد تا از سیاستهای گذشته و روشهای مسلحانه

با احترام فراوان احمد فرهادی
مسئول روابط بین‌المللی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

نامه به پارلمان اروپا

به روسای پارلمان و کمیسیون اروپا (آقای پ. کوکس و رومونو رودی) با احترام به عرضتان می‌رسانیم که بیش از ده روز است که دانشجویان و مردم ایران در اعتراض به سیاست‌های سرکوب‌گرانه رژیم اسلامی ایران دست به اعتراضات وسیع در شهرهای بزرگ کشورمان زده‌اند. اعتراضات دانشجویان و دیگر اقشار مردم تاکنون به صورت مسالمت‌آمیز و با برپایی تظاهرات آرام صورت گرفته است. تمامی این اعتراضات آرام به وسیله ماموران امنیتی و لباس شخصی‌ها و دیگر ارگان‌های امنیتی و انتظامی حکومت به صورت وحشیانه‌ای مورد حمله و سرکوب قرار گرفته و طبق گزارشاتی که توسط خبرگزاری‌ها انتشار یافته، تاکنون دو نفر کشته و بیش از ۶۰۰ نفر دستگیر و تعداد زیادی ناپدید شده‌اند.

سران حکومت اسلامی ایران با «عامل خارجی» خواندن و به راه‌انداختن کارزار شدید روانی - تبلیغی بر علیه رهبران و سازمان‌دهندگان این اعتراضات، تعدادی از دستگیرشدگان را به زندان‌ها و سیاه‌چال‌های مخفی برای شکنجه و سپس انجام شواهی تلویزیونی و نشان دادن چهره شکنجه‌شده و درهم‌شکسته آنان، فرستاده‌اند. تاکنون از سرنوشت این مبارزین راه آزادی، اطلاعی در دست نیست. رهبر حکومت اسلامی ایران آیت‌الله علی‌خامنه‌ای، دستور سرکوب خشن دانشجویان و مردم را تحت عنوان «عامل بیگانه» و «فاسد» را صادر کرده است و نیز رئیس جمهور آقای خستامی، معترضین را «اغتشاش‌گر» نامیده است. ولی

۱ - رژیم جمهوری اسلامی ایران به خاطر نقض خشن حقوق بشر در ایران و سرکوب تظاهرکنندگان حوادث اخیر، محکوم کنید.

۲ - خواهان آزادی بدون قید و شرط همگی دستگیرشدگان حوادث اخیر شوید.

۳ - هیئت ویژه‌ای را از سوی پارلمان و کمیسیون اروپا برای تهیه گزارش در مورد وضعیت دستگیرشدگان و ناپدیدشدگان حوادث اخیر بفرستید.

۴ - پارلمان و کمیسیون اروپا هرگونه رابطه اقتصادی، سیاسی و تجاری با رژیم جمهوری

شکوهند دانشجویان حمایت نمایند و یکبار برای همیشه حساب کار خود را با رژیم جمهوری اسلامی یکسره نمایند. در همین حال از مجامع و محافل جهانی انتظار داریم که پیگیرانه‌تر، از خواسته‌های مردم ایران در دستیابی به آزادی و دموکراسی حمایت کنند و اجازه ندهند که جمهوری اسلامی ایران به این بهانه که این یک مسأله داخلی است، حرکت آرام و

بیانیه دفتر سیاسی

حزب دمکرات...

ادامه از صفحه...

دانشگاههای کردستان از سوی دانشجویان براه خواهد افتاد، شرکت جویند.

حزب دمکرات کردستان ایران از همه ایرانیان می‌خواهد دست در دست هم و همه با هم از خیزش

اطلاعیه هیئت رئیسه

شورای مرکزی

سازمان فدائیان

خلق ایران (اکثریت)

در تدارک

کنگره

فوق‌العاده!

بنا به پیشنهادات رسیده از سوی تعدادی از رفقای شوروی و تصمیم شورای مرکزی کنگره فوق‌العاده سازمان، جهت پاسخگویی به مهمترین مسایل سیاسی و همچنین بررسی و گزینش مناسبترین روش‌های مدیریت سازمان، قراخواننده می‌شود. موارد زیر برای دستور کار کنگره در نظر گرفته شده است.

الف - مسایل سیاسی شامل:

- ۱ - تدقیق و تصریح خط‌نشی سیاسی سازمان پیرامون اوضاع سیاسی کشور
- ۲ - تحولات منطقه، مناسبات ایران و آمریکا، سیاست ما
- ۳ - تدقیق مضمون و برنامه اتحادهای سیاسی

ب - مسایل مدیریتی - پرسلی:

- ۱ - تصویب طرح مدیریت سازمان
- ۲ - تصویب موارد ضروری اساسنامه‌ای
- ۳ - انتخاب ارگان‌های رهبری سازمان

ج - سراسری و تصویب قراوهای

- ۱ - ارائه‌شده به کنگره
- شورای مرکزی در پنجمین نشست خود دو کمیسیون بنا وظایف زیر برگزید.
- کمیسیون سیاسی وظیفه تهیه سند سیاسی حول موضوعات سیاسی در دستور کنگره را به عهده دارد.
- کمیسیون مدیریتی و پرسلی وظیفه تهیه طرح‌های مدیریتی و تجهیز کنگره برای انتخاب مناسبترین شیوه و همچنین انتخاب ارگان‌های رهبری از بین داوطلبین را به عهده دارد.

هیئت رئیسه شورای مرکزی سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۱۲۷ دیهشت ۱۳۸۲
مطابق با ۱۷ و ۲۰۰۳

اسلامی را مشروط به رعایت کنوانسیون حقوق بشر در ایران کنید.

از این که حوصله به خرج دادید از شما صمیمانه تشکر می‌کنیم.

دوشنبه ۲۳ ژوئن ۲۰۰۳

۱ - سازمان فدائیان خلق

ایران (اکثریت) - بلژیک

۲ - حزب توده ایران (بلژیک)

مسالمت‌آمیز مردم ایران را آغشته به خون نماید.

پیروزیاد خیزش شکوهند دانشجویان فرزندان پشرو مردم ایران

پیروزی از آن جنبش آزادی و دموکراسی‌خواهی در سراسر ایران

مرگ بر دیکتاتوری و واپسگرایی
دقتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران ۱۳۸۱/۳/۲۷

آغاز پایان حکومت اسلامی؟

ادامه از صفحه اول

هوشیاری و پرهیز معترضین از افتادن به دامهایی که اعوان و انصار ولایت پهن کرده‌اند، از دیگر موارد تمایز جنبش کنونی از حرکات اعتراضی چهار سال پیش است. اعتراضات کنونی علیرغم شمشیربودن و بازتاب گسترده آن در سطح بین‌المللی، به‌گونه‌ای است که اگر حکومت بخواهد آن را به شدت سرکوب کند، باید بهایی بسیار سنگین بپردازد. در ۲۳ تیر ۷۸، دستگاه ولایت توانست با به راه‌انداختن راهپیمایی فرمایشی علیه آنچه «آشوب» می‌نامیدش، کنترل اوضاع را دوباره به دست گیرد. امسال اما تاکنون آن‌ها که به عنوان آشوبگر شناخته شده‌اند، لباس شخصی‌ها و چاقوآوران گوش به فرمان خامنه‌ای‌اند. حکومت ناکزیر شده است برای حفظ ظاهر هم که شده است، شماری از اعضای گروه‌های فشار را دستگیر کند.

شرایط بین‌المللی نیز برای جنبش کنونی در ایران مساعدتر است. تا به حال رئیس‌جمهور آمریکا دو بار شخصاً از تظاهرات مردم ایران برای دموکراسی اعلام حمایت کرده است. بر این اعلام موضع صریح، باید موارد متعدد پشتیبانی مقامات آمریکایی از نهضت دموکراتیک در ایران را افزود. حتی وزیر و سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، نهادهای که در گذشته نزدیک از مذاکره و معامله با جمهوری اسلامی جانبداری می‌کرد، اکنون به روشنی از تظاهرات مردم ایران حمایت کرده‌اند. وزیر خارجه آلمان، تظاهرات اخیر را نشانه زنده‌بودن جامعه مدنی در ایران دانسته و اظهار امیدواری کرده است که این تظاهرات، آغازگر گشایش دموکراتیک در ایران باشد.

در کنار این شرایط مساعد، عواملی نیز وجود دارند که می‌توانستند برای پیشبرد خواسته‌های آزادخواهان مردم ایران در موقعیت مساعدتری از آنچه هست باشند. هنوز ائتلافی گسترده از نیروهای دمکرات ایرانی برای ارائه آلترناتیو و نظام جایگزین مورد نظر خود شکل نگرفته است. روند تشکیل این جایگزین، در مراحل آغازین است. هنوز برخی نیروها به ضرورت اتحاد همه‌گرایش‌هایی که آلترناتیو واحدی را در برابر جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌کنند، و سمت‌گیری اینکه جزئی از یک نیروی جایگزین باشند را نپذیرفته‌اند. از سوی دیگر بسیاری از نیروهای سیاسی دمکرات نیز هنوز میان ائتلاف و وحدت حزبی در عمل تفاوتی قائل نیستند و برنامه حداقل ائتلافی را با برنامه حداکثر خود اشتباه می‌گیرند. هنوز بسیاری از دمکرات‌ها، حاضر نیستند فرمول‌بندی‌هایی را در پلاتفرم مشترک بپذیرند که حاوی اندک فاصله‌ای از ادبیات حزبی خودشان باشد. در یک کلام، عدم آمادگی آلترناتیو دمکراتیک، مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند علیرغم همه فداکاری‌ها، ایستادگی‌ها و دلاوری‌های مردم، آینده برآمد نوین جنبش دموکراتیک در ایران را زیر سؤال برد.

و این، مهم‌ترین نقطه امید برای حاکمان جمهوری اسلامی است. آنان می‌دانند که دیگر در جهان قرن بیست و یکم، سرکوب خوین و گسترده جنبشی مردمی برای دستیابی به دموکراسی ممکن نیست. تیرهایی که نظام جمهوری اسلامی در عرصه امیدوارکردن مردم به اصلاح نظام از درون رها کرد نیز به سنگ خورده است. پس بزرگترین امید سران حکومت این است که فقدان جایگزین پذیرفتنی از سوی مردم، آنان را مایوس و سرخورده کند.

تجربه بسیاری از حکومت‌های دیکتاتوری نشان داده است که این حکومت‌ها می‌توانند سالها با تکیه بر تنها اقلیتی کوچک از جامعه به حیات خود ادامه دهند، به شرطی که اکثریت، چشم‌انداز روشنی به عنوان ثمره به میدان آمدن و مقاومت در برابر خودسری و خودکامگی، پیش روی خود نبیند. از این رو، مهم‌ترین انتظاری که جنبش مردمی از نیروهای سیاسی دمکرات ایرانی دارد این است که با شتابی چندین برابر آنچه تاکنون بوده است، به سوی ترسیم چشم‌انداز برای آینده پس از جمهوری اسلامی گام بردارند. تنها در این صورت است که می‌توان امیدوار بود به میدان آمدن هزاران تن از مردم علیرغم تهدیدهای خامنه‌ای و سایرین، آغاز پایان حکومت اسلامی باشد.

دستگیری مجاهدین در فرانسه را محکوم می‌کنیم

فشار اتحادیه اروپا برای امضا پروتکل الحاقی

ادامه از صفحه اول

خوب می‌دانند این گونه اقدامات از اقدامات قانونی تأثیر کستری دارد، برای تحت‌الشعاع قراردادن چیزهای دیگر دست به این گونه شیوه‌های افراطی می‌زنند. مثلاً برای آنکه عملکرد خود رهبری مجاهدین از سوی مسوولانشان زیر سؤال نرود.

ادعای دولت فرانسه مبنی بر اینکه مجاهدین خطری برای امنیت این کشور محسوب می‌شوند، بوج است. اگر هم از مجاهدین تخلفی سر زده باشد، این تخلف ربطی به خطری محوم برای امنیت فرانسه ندارد. سابقه چندین ساله فعالیت مجاهدین در کشورهای اروپایی شده است. وظیفه همه نیروهای آزادیخواه است که این گونه تلاش‌های حکومت اسلامی را به شدت محکوم کنند.

ما از حقوق انسانی مجاهدین که از سوی دولت فرانسه پایمال شده است دفاع می‌کنیم. ما اعلام می‌کنیم در شرایطی که حکومت اسلامی ایران فشار جنبش اعتراضی مردم و دانشجویان ایران به تنگی نفس دچار شده است، اقدام پاریس چه با توافق چه بدون توافق قبلی با تهران صورت گرفته باشد، به منزله رساندن اکسیژن به رژیم است.

ایرانیان دمکرات باید از افکار عمومی فرانسه بخواهند برای عطف کردن این نیت به دولت خود فشار وارد آورد. قربانی اصلی هر معامله امنیتی کشورهای غربی با تهران، مردم ایران و جنبش آزادیخواهان آنان است.

سازماندهی عملیات خودمختاری از سوی مجاهدین در اعتراض به دستگیری‌ها، اقدامی افراطی، غیرانسانی و به کلی توجیه‌ناپذیر است. هر کس که از قبل در جریان قصد فری دیگری برای خودسوزی قرار داشته باشد و هرآنچه در توان دارد برای جلوگیری از چنین اقدامی صورت ندهد، مرتکب جرمی حقوقی و لغزش اخلاقی سنگینی شده است. در فرانسه نیز مانند سایر کشورهای اروپایی، امکان‌ات اقدامات قانونی علیه یورش‌های اخیر وجود دارد. از این رو به نظر می‌رسد سازماندهان خودسوزی‌ها، که

هفته گذشته بیش از هزار مأمور پلیس فرانسوی در عملیات گسترده‌ای علیه مجاهدین خلق ایران، متجاوز از ۱۶۰ تن از اعضای این سازمان را دستگیر کردند. اکثر این افراد طی روزهای بعد آزاد شدند، اما در میان کسانی که تا هنگام نوشتن این سطور، هنوز در بازداشت به سر می‌برند، نام مریم رجوی به چشم می‌خورد. تا هنگام اعلام خبر دستگیری مریم رجوی، ورود مجدد او به فرانسه امری پنهان بود. هنوز هم بسیاری از زمینه‌ها و واقعیات مربوط به یورش به مجاهدین، در پس پرده ابهام است. آنچه در این باره می‌دانیم، از آنچه نسیم بسیار کمتر است و داوری در باره این واقعه در چنین شرایطی دشوار است. با این حال، برخی فاکتورها و جوانب واقعه قابل تشخیص است:

مجاهدین با اطلاع‌رسانی به مردم میانه‌ای ندارند و چه هنگام استقرار در عراق صدام حسین، چه در زمان جنگ عراق و چه پس از آن، نیازی ندیدند مردم را در جریان برخی امور بنیادین مربوط به فعالیت سیاسی خود بگذارند. از جمله در این باره که پس از پایان دوره استقرار ارتش کلاسیک خود در عراق، قصد دارند مبارزه خود را چگونه ادامه دهند. آنها با انتقال مخفیانه بخشی از رهبری خود به اروپا، نشان دادند که در صدد برخی از شیوه‌های مبارزه در عراق و به اروپا نیز منتقل کنند.

مجاهدین هنوز کشف نش تا هشت میلیون دلار پول نقد از مقرهای خود در فرانسه را که مقامات فرانسوی مدعی آنند، تکذیب نکرده‌اند. هر کس که مدتی در اروپا زندگی کرده باشد، می‌داند نگهداری چنین مقدار هنگفتی پول نقد همواره به معنی درگیربودن در اقدامات غیرقانونی است. چمدان پر از پول را در کشورهای اروپایی کسی نگهداری می‌کند که چیزی برای پنهان کردن دارد. منابع مالی قانونی و فاقد اشکال، نیازی به پنهانکاری از طریق نگهداری به صورت وجه نقد

برآوردن خواسته‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تأکید کرده است که «پیشرفت در این اقدامات قهری به عمل آید. این بی‌ثباتی اضافه می‌کند چنین اقداماتی می‌تواند شامل تعیین مجازات‌ها، بازرسی محمولات در ورود و خروج به کشور مورد نظر و کاربرد نیروی نظامی می‌باشد.

این مسئله در زمانی اتخاذ می‌شود که فشارها بر علیه جمهوری اسلامی فزونی گرفته و به نظر می‌رسد چنین بیانیه‌ای در درجه اول متوجه این کشور است. ایران هنوز به درخواست اتحادیه اروپا مبنی بر بازرسی نیروگاه‌های خود بدون اطلاع قبلی پاسخ مشخص ن داده است. دولتمردان جمهوری اسلامی چنانچه فرایند امور را به شکلی به پیش ببرند که نتوانند اتحادیه اروپا را در کنار خود نگه دارند، به نظر می‌رسد وضعیت آنها از عراق بدتر خواهد بود که آن کشور توانست قبل از شروع جنگ حداقل سه کشور مهم اروپایی (روسیه، آلمان، فرانسه) را در رویکرهای دیپلماتیک با آمریکا، در کنار خود نگه دارد.

وزیر دفاع آمریکا: شک نداریم ایران سلاح اتمی دارد

دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا به خبرنگاران گفت: «دیگر شک من به یقین تبدیل شده که ایران در صدد ساخت مرسوی هرگونه اظهارنظر رسمی در مورد این خبر را به آینده موکول کرد.

منابع دیپلماتیک فاش کرده‌اند که وزرای خارجه اروپا قصد دارند با صدور بیانیه‌ای رسمی از جمهوری اسلامی ایران بخواهند که هر چه سریع‌تر و بدون هیچ گونه قید و شرطی با امضای پروتکل الحاقی موافقت کنند و گزارش کاملی از فعالیت‌های هسته‌ای خود ارائه کنند و در غیر این صورت، مذاکرات تجاری این اتحادیه با تهران که از سال پیش آغاز شده بود به حالت تعلیق در خواهد آمد.

اتحادیه اروپا عملیات نظامی بر علیه کشورهای سازنده سلاح کشتار جمعی را تأیید کرد

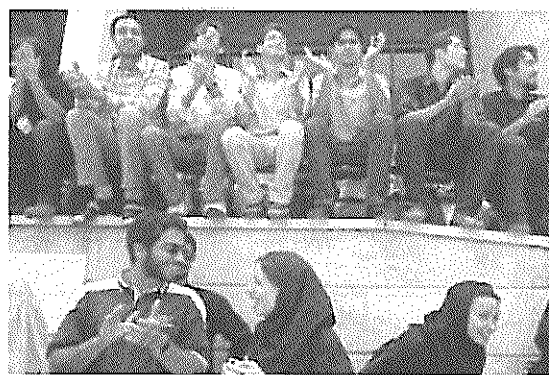
در یک چرخش آشکار که به دیدگاه‌های آمریکا بسیار نزدیک شده است، اتحادیه اروپا اعلام کرد از کاربرد نیروی نظامی در زمانی که تلاش‌های دیپلماتیک برای مواجهه با خطرات گسترش سلاح‌های کشتار جمعی به نتیجه نرسد، حمایت خواهد کرد. در این میان وزرای خارجه اتحادیه اروپا در جلسه خود در لوکزامبورگ تصمیم گرفتند یک استراتژی مشخص در باره گسترش سلاح‌های اتمی، میکروبی و شیمیایی اتخاذ کنند. این استراتژی برای اولین بار کاربرد نیروی نظامی بر علیه کشورها یا گروه‌های تروریستی که این نوع اسلحه را داشته باشند، تجویز می‌نماید.

وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای که در پایان نشست خود صادر کرده‌اند، گفته‌اند زمانی که گفتگوهای مسالمت‌آمیز و فشارهای سیاسی

مأموران امنیتی و انتظامی با معترضان گفت: «قبلا هم دولت و هم شورای امنیت کشور نحوه تأمین امنیت اجتماعات را مشخص کرده‌اند. بنابراین دستگاه‌های مسئول باید با تجمعات غیر قانونی، به هم زدن اجتماعات یا عناصر دیگری که نظم را به هم می‌زنند، برخورد کنند.»

دو روز پس از تظاهرات دانشجویان خامنه‌ای طی پیام تهدیدآمیزی گفت نباید اجازه داد فضا غبار آلود شود و عده‌ای فضای جامعه و دانشگاه را به نامی آلوده کنند. اگر ملت ایران بخواهد در مقابله با اغتشاش‌گران وارد عمل شود مانند تیر ۱۳۷۸ عمل خواهد کرد. پس از آن ریچارد باوچر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در نخستین واکنش رسمی دولت این کشور نسبت به تظاهرات چند شب گذشته تهران گفت: «ما از مردم ایران برای جلب توجه به سوی سیاست‌های مخرب حکومت این کشور که این گونه با مردم خود بدرفتاری می‌کند، تقدیر می‌کنیم.»

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ادامه داد که ایرانیان، مانند همه مردم، حق دارند سرنوشت خودشان را تعیین کنند. وی تأکید ادامه در صفحه ۸



فریاد اعتراض ما خلاف انقلاب ۱۳۵۷ کبر نیست، دست می‌زنیم، سوت می‌کنیم فریاد شادی سر می‌هم

شده‌اند. وی تعداد اعضای این ستاد را ۱۹ نفر عنوان کرد اما توضیحی در باره چگونگی فعالیت آنها در ایجاد اغتشاش و اینکه بازداشت‌شدگان چه گرایش‌های سیاسی داشته‌اند، نداد.

وزیر اطلاعات گفت: «این افراد (بازداشت‌شدگان) به تحریک افراط‌گراها و تندروهای داخلی و تحریک عناصر خارجی، شعارهای غیرقانونی می‌دادند». عبدالواحد موسوی لاری، وزیر کشور نیز روز بعد در جمع خبرنگاران، ضمن حمایت از برخورد

نرسید ما همه با هم هستیم / زندانی سیاسی آزاد باید گردد / خاتمی خانی، استغنا، استغنا / درد ما درد شماست مردم به ما کمک کنید / مردم چرا نشستن ایران شده فلسطین / ای مردم آزاده حساسیت، حمایت / فراندوم رفراندوم راه نجات مردم

واکنش‌ها

در این شب خیابان امیرآباد و خیابانهای اطراف آن مورد محاصره نیروهای انتظامی قرار گرفت و سردار طلایی فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ در محل حضور یافت و هدایت عملیات را بعد گرفت. سردار صدوقی معاون مبارزه با مفاسد اجتماعی ناجا از دانشجویان خواست که صف خود را از عوامل دیگر جدا کنند. در این زمان تعدادی لباس شخصی موسوم به انصار در پایین خیابان امیرآباد تجمع کرده و شعارهایی مانند حیدر حیدر و یا حسین سر دادند. تظاهرات تا چهار صبح ادامه داشت. تعداد دستگیرشدگان این تظاهرات

تظاهرات و اعتراضات ضد حکومتی

در سراسر ایران ادامه دارد

ادامه از صفحه اول
خبرگزاری ایسنا گزارش می‌دهد: ساعت ۲۳/۱۵ راهپیمایان به رغم درخواست خودجوش دانشجویان از درب اصلی خوابگاه کوی به سمت پایین خیابان امیرآباد حرکت کردند. عده‌ای از دانشجویان که در ابتدای صف راهپیمایان قرار داشتند با فریادهای «تسلیت و تسلیت» خواستار تشکیل سیر انسانی از سوی دانشجویان و هدایت دانشجویان به درون خوابگاه شدند. تلاش دانشجویان هدایت‌کننده برنامه بی‌نتیجه ماند و راهپیمایان با سر دادن شعارهای سیاسی در خیابان کارگر به تظاهرات می‌پردازند. ساعت ۲۰/۲۰ با مبادا روز چهارشنبه ۲۱ خرداد: تظاهرات دانشجویان با سر دادن شعارهای سیاسی نسبت به عملکرد مسئولین نظام انتقاد کردند. بعضی از شعارهای قابل انتشار تظاهرکنندگان عبارت بودند از: فلسطین را رها کن فکری به حال ما کن / نرسید

تسلیت
با تأثر عمیق مطلع شدیم عاشیق عبدالعلی نوری از عشاقان بنام آذربایجان در اول خردادماه سال جاری بر اثر سکنه قلبی درگذشت. سزیه کار فقدان عاشیق عبدالعلی را به خانواده وی، به مردم آذربایجان و دوستداران موسیقی تسلیت می‌گوید

صحبتهای تکان دهنده دوزن

در همایش حقوق زنان و کودکان در خوزستان

منبع: زنان ایران

در حاشیه همایش حقوق زنان و کودکان که شنبه گذشته در شهر اهواز برگزار شد، دو زن جوان از زندگی خود برای حاضرین که بسیاری از آنها از مسئولان استانی و کشوری بودند گفتند. هنگام صحبت آنها، صحنه کاملاً تارکین شده بود و طوری صورت و اندام آنها را پوشانده بودند که شناسایی نشوند. هر دو این زنان ممکن است در صورت شناسایی توسط بستگان خود کشته شوند. آنچه می خوانید، بخشی از حرفهای این دو زن خوزستانی است که توسط دفتر امور بانوان استانداری خوزستان پیاده و تنظیم و ویرایش شده و متأسفانه لحن اصلی آن تا حدودی از دست رفته است.

با او ازدواج کن و بعد خودت را بکش!

من لیلا هستم، ۲۰ ساله. پدرم دارای دو همسر بود و از مادر من چهار فرزند داشت که من بچه بزرگ هستم. پدرم کشاورز بود و حدود یک سال و نیم پیش فوت شد.

من سه سال پیش با دوستانم زیاد بیرون می رفتم و خانوادام بسیار ناراضی بودند. در آن موقع پدرم سکنه ناقص کرده بود و با مادرم تصمیم گرفتند برای جلوگیری از کارهای من مرا به خانه عمویم که سه پسر مجرد داشت بفرستند. ۶ ماه آنجا بودم که یک شب پسر عموی بزرگم که متاهل است گفت: تو باید با برادر کوچکم سعید ازدواج کنی. گفتیم: من او را دوست ندارم و خودم را می کشم. گفت: با او ازدواج کن و بعد خودت را بکش. تا اینکه در نیمه های یک شب که در خواب بودم با شنیدن صدای قفل در از خواب بیدار شدم و دیدم زن عمویم و بچه های از اتاق بیرون رفته اند. به سعید گفتم: چه خبر شده که به پشت سرم زد و من بیخوش شدم. وقتی به هوش آمدم متوجه شدم دستها و دهانم را بسته و در حال فرار کردم و قصد داشتم روز بعد بدون اینکه مرا عقد کنند برایم جشن عروسی گرفتند.

دو ماه به همین ترتیب گذشت و من باردار شدم بدون اینکه عقد کرده باشم. تا اینکه یک روز بعد از ظهر ساعت ۴ با برداشتن ۱۰۰ هزار تومان از سعید از خانه فرار کردم و قصد داشتم به منزل خودمان بروم که مادرم را ببینم و بعد به آبادان بروم. اما پسر عمویم مرا دید و من با ماشین درستی رفتم ترمینال آبادان. یک شب در آبادان بودم و فردای آن روز به شهرستان شیراز رفتم و در راه شیراز با پسری به نام حمید آشنا شدم. او دانشجوی بود. مرا به منزل خانه جدید برد و گفت که من نامزد او هستم. برایم شناسنامه جعلی درست کرد و اسم خودش را در شناسنامه من زد و پس از مدتی مرا به قم نزد خانواده اش برد و گفت من زن او هستم و عراقی می باشم. ۷ ماه نزد او بودم تا فرزندم سعید به دنیا آمد.

پس از دو ماه خانواده عمویم رد پای مرا پیدا کردند و با پلیس ۱۱۰ به منزل ما ریختند و ما را گرفتند و من با پدجم مدت یک سال و چهار ماه در زندان بودیم سپس مرا به یکی از مراکز دولتی و بچهدارم را به یک مرکز دیگر فرستادند. به گزارش خبرنگار سایت زنان ایران، دادگاه هم اکنون حکم داده که فرزند ۱/۵ ساله لیلا باید به پدرش تحویل داده شود. وی از ترس کشته شدن نمی تواند از مرکزی که در آنجا زندگی می کند بیرون بیاید.

پرو خودت را بفروش و برای من پول بیاور!

من آمنه هستم، ۱۵ ساله. شغل پدرم کارگری است و سه برادر کوچکتر از خودم دارم. یک روز من مدرسه بودم و پدرم سر کار بود. دایی و شوهر خاله ام به منزل ما آمدند و بودند و مادرم را به جرم رابطه با مردی کشتند. من که آمدم جسد مادرم را دیدم. چون دایی و شوهر خاله ام فرار کردند پدرم را یک سال زندانی کردند.

در این مدت ما پیش عمه ام بودیم تا پدرم آزاد شد و ما را نزد خود برد و مدام به من می گفت برو خودت را بفروش و برای من پول بیاور. تا اینکه دو سال و نیم پیش یک شب که پدرم مرا خیلی کتک زده بود، ساعت ۳ بعد از نیمه شب فرار کردم و به آبادان رفتم. به منزل زنی که از قبل دوست مادرم بود.

بعد از سه هفته آن زن هر روز برای من مرد می آورد و از آنها پول می گرفت و من هم به خاطر جا، لباس و غذا ناچار بودم چیزی نگویم. بعد از یک سال و هفت ماه خسته شدم. با آن زن دعوا کردم و از منزلش بیرون آمدم. در خیابان با پسری آشنا شدم و برای او داستان زندگی خود را گفتم. در همان وقت پلیس ۱۱۰ ما را گرفت و به دادگاه برد. ۲۰ ضربه شلاق به من و ۵۰ ضربه شلاق به آن پسر زدن و مرا تحویل یک مرکز دولتی دادند.

چند سؤال از خاتمی و یک پیشنهاد

خاتمی رئیس جمهور بعد از یک هفته در باره خیزش دانشجویان، مردم کشورمان، ضمن حمله به آمریکا در مورد دخالت هایش در امور داخلی ایران افزود: «اگر توان مخالفان جمهوری اسلامی ایران است که مثلاً هزار نفر را با سوء استفاده از حرکت دانشجویان به خیابانها بکشانند، ما افتخار می کنیم که خیلی قدرتمند هستیم».

وی در این مصاحبه از گفتگوی تلفنی خویش با پوتین رئیس جمهور روسیه پرده برداشت و جوابی را که به پوتین در قبال سؤال وی راجع به وضع کشور بود، مجدداً به شرح زیر نقل کرد: «به وی گفتم هم این که محکم و آرام با شما سخن می گویم دلیل آن است که در ایران خبری نیست».

آقای خاتمی واقعا هزار نفر به خیابانها آمده بودند؟ در تهران، شیراز، اصفهان، قم، مشهد، یزد، تبریز، کرمانشاه، فقط هزار نفر مجموعاً در خیابان بودند؟

اگر چنین بود بنابراین چه لزومی به بسیج آن همه نیروی انتظامی و چماقداران انصار حزب الله بود. شما نمی توانستید فریاد چند ده نفر را در هر کدام از شهرهای کشور تحمل کنید و این همه زحمت به خود ندهید؟

یک هفته فریاد دانشجویان و مردم علیه حکومت شما را «خبر ندانیم» «لا بد باید مسابقه قرائت قرآن» را خبر بدانیم؟

و اما سؤال و پیشنهاد اساسی: آقای خاتمی اگر، نیروی انتظامی تحت فرمان رهبر، اعم از بسیجی، پاسداران و ارادل و

به دنبال تجمع در برابر مجلس، از سوی نمایندگان دانشجویان اعلام شد

چهار شرط چهل و هشت ساعت مهلت

آزادی بی قید و شرط تمامی دانشجویان، توقف احضارها و بودن ها، اعلام موضع رسمی مجلس در تقیح بازداشتها و برگزاری مراسم ۱۸ تیر شروط چهارگانه دانشجویان است به گزارش منابع خبری دانشجویان شورای تهران از ساعت ۸ صبح در مقابل مجلس تجمع کردند. از هر دانشکده دانشگاه تهران چند نفر به نمایندگی از دانشجویان در این تجمع حضور یافتند. بر پایه آخرین گزارشها، به دنبال ملاقاتها با اعضای هیات رئیسه مجلس و رایزنیهایی که در جریان این تجمع صورت گرفت، نمایندگان دانشجویان ۴ خواسته خود را اعلام کرده و برای برآورده شدن آنها ۴۸ ساعت مهلت دادند. این چهار شرط به صورت زیر اعلام شد:

۱- آزادی بی قید و شرط تمامی دانشجویان دستگیر شده اعضای انجمنهای اسلامی و دفتر تحکیم وحدت

۲- توقف روند کنونی احضار و ربودن دانشجویان

۳- اعلام موضع رسمی رئیس و نمایندگان مجلس در تقیح بازداشتها و وحشیانه اخیر

۴- انجام هماهنگی های لازم جهت برگزاری مراسم ۱۸ تیر از سوی دفتر تحکیم وحدت

ملاحسنی: قضات خانمهایی را که دامن بالای زانو می پوشند

در خیابان شلاق بزنند

اظهارات جدید حسنی، امام جمعه ارومیه: اگر به آن خانمهایی که ساتنوی بالای زانو می پوشند ۱۵ ضربه شلاق در خیابان بزنند دیگر نه از این مانتوها خبری خواهد بود و نه از آن پسران هبیبی که خود را شکل زنها در می آورند.

حسنی امام جمعه ارومیه گفت: فتنه اغتشاشات اخیر کشور در مجلس روشن شده است. ما پخویی می دانیم این اغتشاشات از نامه آن نمایندگان مجلس سرچشمه می گیرد که از آمریکا پیروی می کنند. وقتی به آنها گفته می شود چرا این نامه را نوشتید می گویند ما وکیل این ملت هستیم، ولی غافل از اینکه ملت این نماینده ها را طرد کرده و می گویند ما غلط کردیم به شما رای دادیم. شما می خواهید در این

بجوبحه حساس و بحرانی به رهبر معظم انقلاب جام زهر بنوشانید. ملت شما را قبول ندارد و آن یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان پولی که هر ماه از بیت المال می گیرید، همش حرام است. ای نماینده بی عرضه، هفته پیش من به لب مرز در پیرانشهر رفته بودم که اگر آمریکایی ها وارد کشور ما شده باشند، مغزانش را داغان کنم. حالا تو می خواهی در مجلس به رخم نظر رهبر آن آمریکا حمایت کنی. ما این اغتشاشگران را

سراجم محمد خاتمی بعد از یک هفته سکوت در مورد حوادث کشور، در این مورد صحبت کرد. خاتمی، در حاشیه امضای سند همکاری سه جانبه ایران، تاجیکستان و افغانستان در جمع خبرنگاران در مورد تظاهرات دانشجویان گفت: اگر ما دموکراسی و مردم سالاری را پذیرفته ایم؛ این اعتراضات را نیز باید قبول کنیم. آنچه که رژیم ها و جوامع مردم سالار را از غیرمردم سالار جدا می کند؛ همین اعتراضات است که با ساز و کارهایی دموکراتیک صورت می گیرد.

خاتمی با تاکید بر اینکه برخورد با این اعتراضات باید قانونی باشد، اظهار داشت: ما حق اعتراض را به رسمیت می شناسیم و بنا نداریم با مخالفین خود با قهر و خشونت برخورد

آیا در آن صورت باز شما خواهید توانست با همکار روسی تان آرام و محکم صحبت کنید؟ آیا این آرامش را به شما چیز نیروهای سرکوب رژیم و بسویزه قداره بندگان انصار حزب الله نداده بود و شما به خوبی از ددمنشی آنها واقف بودید و در مقابل از عدم سازماندهی و بی دفاع بودن دانشجویان و مردم اطلاع دقیق داشتید؟

اگر به خود اطمینان دارید این گوی و این میدان. پیشنهاد ما را بپذیرید. نکته آخر: قدرت هیچ دیکتاتوری در جهان ولو، قویترین آنها در برابر مردم آبدی نبوده است و حکومت شما نیز از این قاعده مستثنی نیست. **عاشق الله سلیمی**

نماینده تهران در مجلس گفت: حدود ساعت ۲/۳۰ باامداد روز شنبه ۸۲/۳/۲۴ خوابگاه دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی واقع در کوی نصر مورد حمله بیرحمانه و وحشیانه عده کثیری از لباس شخصی ها و خوارج قرار گرفت که یادآور حادثه تلخ و ننگین کوی دانشگاه تهران در سال ۷۸ است.

در بازدید تعدادی از همکاران محترم به همراه ریاست محترم دانشگاه علامه طباطبایی شاهد حجم تخریبها و خسارت اعمال شده بودیم. بیش از ۹۰ درصد دربهای خوابگاه با کلتگ، میله های آهنی و چوبی تخریب شد. قفسه کتابها، تلفن ها، میز و لوازم شخصی دانشجویان تخریب و در بعضی موارد پول و اشیاء قیمتی دانشجویان به یغما برده شد. در جای جای دیوارها، کیف راهروها، پنله ها، پشت بام، زمین ورزش و محوطه خوابگاه آثار خونهای ریخته شده مشهود بود.

در حین گفتگو با دانشجویان مظلوم مضروب شاهد چشمهای ورم کرده و خونبار، سرهای متورم و شکسته، سر و دستهای شکسته بودیم و از همه تلختر اینکه حتی نمایانان از حمله مغول وار این قوم مزدور و قداره بند در امان نماندند. دانشجویان نقل می کردند آنان با شعارهای «یا زهرا»، «یا حسین» حمله می کردند و مرتب تکرار می کردند به موقعیت کربلا باز گردید و وقتی دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار می دادند خواستار ذکر صلوات برای قامت رعنائی رهبر می شدند و سپس با فحشهای زشت غیر قابل ذکر

سخنگوی دفتر نمایندگی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) اعلام کرد: سالانه حدود ۱۸ هزار تن از زنان افغانستان به علت اختلالات خونریزی دوران بارداری و پس از زایمان در این کشور جان خود را از دست می دهند.

به گزارش ایرنا «چلبو هیون» روز پنجشنبه در یک نشست خبری در کابل گفت: تحقیقات و آزمایشهای به عمل آمده از سوی سازمان بهداشت جهانی و وزارت صحت عامه (بهداشت عمومی) افغانستان نشان می دهد که حدود ۴۰ درصد اختلالات خونریزی در زنان این کشور مربوط به دوران بارداری و پس از

زایمان است. وی همچنین در این نشست خبری در باره تعداد مبتلایان به بیماری ایدز در افغانستان گفت: تحقیقات و آزمایشهای به عمل آمده از سوی سازمان بهداشت جهانی بهداشت و وزارت صحت عامه نشان می دهد که تاکنون هفت نفر از مبتلایان به این بیماری در این کشور شناسایی شده اند.

هیون افزود غیر از این تعداد تاکنون گزارش دیگری در این زمینه دریافت نشده است. وی گفت: گرچه آمار دقیقی در زمینه شیوع این بیماری در افغانستان وجود ندارد، اما تحقیقات پزشکی انجام شده نشان می دهد که شیوع ایدز در افغانستان در سطح بسیار پائینی قرار دارد.

خاتمی: در ایران خبری نیست

کنیم. وی در خصوص هیاهوی رسانه های خارجی در باره وقایع اخیر کشور گفت: در ایران خبری نیست. آنچه در ایران اتفاق افتاده، صدها برابر کمتر از آن چیزی است که هر روزه در آمریکا رخ می دهد. چرا زمانی که پلیس آمریکا با مردمش رفتار خشونت آمیز می کند این رسانه ها آن را عین دموکراسی می دانند؛ اما در ایران به گونه دیگر آن را تفسیر می کنند. خاتمی ادامه داد: رسانه های خارجی در خصوص اعتراضات و تقاضاهای صنفی بزرگ نمایی می کنند. وی تاکید کرد: به هیچ یگانهای اجازه دخالت در سر نوشت خود را نمی دهیم اگر توان مخالفان جمع کردن تنها حدود هزار نفر است، این تعداد اندک نشان می دهد که کشور ما تا چه حد قدرتمند است.

حقیقت جو:

حمله به خوابگاه علامه یاد آور حادثه تلخ و ننگین ۱۸ تیر است

دانشجویان را مورد تحقیر قرار می دادند. چه کسی باید پاسخگوی عوارض روحی و جسمی وارده به این دانشجویان باشد؟ لباس شخصی هایی که همواره در پناه ارباب قدرت در سالهای گذشته بیشترین خشونت را علیه آحاد ملت در کوچه و بازار اعمال نمودند. آن وقت که در سینما به یک زن باردار حمله کردند و در کوچه و خیابانها زنان را مورد تعرض قرار دادند و کتاغرف و شیشه را آتش زدند و به دفاتر روزنامه ها حمله کردند و... همه سکوت اختیار کردند و به اصطلاح صدعی العموم کمترین واکنشی از خود نشان نداد و آن وقت که ماجرای فجیع کوی دانشگاه فقط به یک ریش تراش ختم شد و فرمانده عملیات تیره شد در حالی که احمد باطبی صرفاً به دلیل نمایش یک پیراهن خونین به اقدام علیه امنیت ملی محکوم به اعدام شد سپس بعد از مذاکرات مکرر به حبس بالای ده سال تقلیل پیدا نمود و در حال حاضر که واقعه های مشابه واقعه کوی رخ داده است دانشجویان زندانی کوی خنوز بعد از گذشت ۴ سال در زندان به سر می برند.

وی با طرح این سؤال که آیا قوه قضائیه که عملکرد متناقض اش آشکار و هویداست به دلیل عدم رسیدگی عدالت طلبانه به موضوعات گذشته مسئولیت تکرار این فاجعه را به عهده می گیرد و عذر خویش را به درگاه ملت می برد؟ وی در خاتمه از هیات رئیسه مجلس خواست تا مجلس یک جلسه غیر علنی، با حضور مسئولین مربوطه جهت بررسی وقایع اخیر، برگزار کند.

سالانه ۱۸ هزار زن افغان بر اثر اختلالات خونریزی

در افغانستان جان می سپارند

سختی دفتر نمایندگی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) اعلام کرد: سالانه حدود ۱۸ هزار تن از زنان افغانستان به علت اختلالات خونریزی دوران بارداری و پس از زایمان در این کشور جان خود را از دست می دهند.

به گزارش ایرنا «چلبو هیون» روز پنجشنبه در یک نشست خبری در کابل گفت: تحقیقات و آزمایشهای به عمل آمده از سوی سازمان بهداشت جهانی و وزارت صحت عامه (بهداشت عمومی) افغانستان نشان می دهد که حدود ۴۰ درصد اختلالات خونریزی در زنان این کشور مربوط به دوران بارداری و پس از

از آن روزهای حماسه و شور

ادامه از صفحه ۶

گرفته شد. صدها نفر زخمی گردیدند. جمع زیادی حدود سیصد الی چهار صد نفر از بازداشت شدگان را در تالار شهرداری اهواز گنجانده بودند. روز سوم مأمورین سپاه از درب ورودی تالار، جمعیت را به رگبار بستند که ۳ نفر از فعالین پیشگام به اسامی علی بدری، ناصر (حاجی) بهرامی و کورش پیروزی درجا جان سپردند. ۲ تن را نیز از میان جمعیت بیرون کشید و با خود بردند و ۲ روز بعد تیربارانشان کردند. یکی از آن ها زندیاد دکتر نریمسا بود.

جانیات فجیعی در دانشگاه اهواز و بعد در سطح شهر به وقوع پیوست. جنتی امام جمعه شهر، نماز جماعتی را در استاد یوم تختی که در نزدیکی دانشگاه واقع است سازمان داد و آن ها را برای حمله به دانشگاه تحریک نمود. در آن جا شایع کرده بودند که پاسداری توسط دانشجویان به قتل رسیده است. اوپاش حزب الله و امت تحریک شد و وحشیانه به دانشجویان حمله کرده و چند نفر را که تعدادشان تا به امروز نیز مشخص نشده است کشتند. گفته می شد جسد یک دختر دانشجو بعدها از کارون

گزارش یک ناظر از هفته نخست اعتراضات دانشجویی و جوانان از تهران

ماجرا چگونه آغاز شد

در کوی دانشگاه حدود ۲ هزار نفر زندگی می‌کنند که بالطبع همه آنها از شهرستانهای ایران و غالباً غیر مرفه هستند چون آنهایی که دارای توان مالی بیشتر هستند در آپارتمانهای خصوصی انفرادی یا گروهی اقامت دارند. کیفیت غذای دانشجویان بسیار پایین است و علاوه بر مواد زائد در آن از کافور فراوان استفاده می‌شود که مورد اعتراض دانشجویان بود.

در شب سه شنبه تعدادی حدود ۵۰ دانشجو در اعتراض به کیفیت غذا دست به تظاهرات در محوطه کوی زدند، مردمی که از بیرون صدای دانشجویان را می‌شنودند به سمت کوی کشیده می‌شوند و به فاصله کمتر از یک ساعت هم مردم و هم لباس شخصی‌ها با موتور و بی‌موتور به سمت کوی حرکت کرده و نیروهای انتظامی و گارددهای ویژه هم منطقه را قرق کردند، تمامی خیابانهای منتهی به کوی دانشگاه بسته شده بودند.

پس از آن شعارها بیشتر از جانب مردمی بود که به حمایت آمده بودند. تعدادی از دانشجویان که انتظار چنین گستردگی را نداشتند قصد عقب‌نشینی و ترک صحنه را داشتند ولی گویا چرخه حوادث از دست آنها خارج شده بود.

سردار طلایی با اعلام اینکه ما با برای شش دانشجویان احترام قائل هستیم و اینکه نباید فریب کانالهای تلویزیونی خارج از کشور را خورد سعی در کنترل فضا داشت. سنگپرازی‌ها در خارج از کوی و بین لباس شخصیها آغاز شد.

در مناطق دیگر شهر برخلاف اعلام خبر شبکه‌های ایرانی خارج که با هیجان گزارش از تظاهرات چند هزار نفری جوانان در میدان کاج سعادت‌آباد داده بودند، در آن میدان به جز ۴-۵ نفر رهگذر و تردد کاملاً عادی هیچ خبری نبود.

در شب اول حضور افرادی که ظاهر مرفه داشتند و ماشینهای مدل‌بالایی که با بوق زدن حمایت خود را از حرکت آغاز شده اعلام می‌کردند چشمگیر بود، در حالیکه در شب دوم حضور خانواده‌های دانشجویان با چهره‌های کاملاً متفاوت و مردمی برجسته بود.

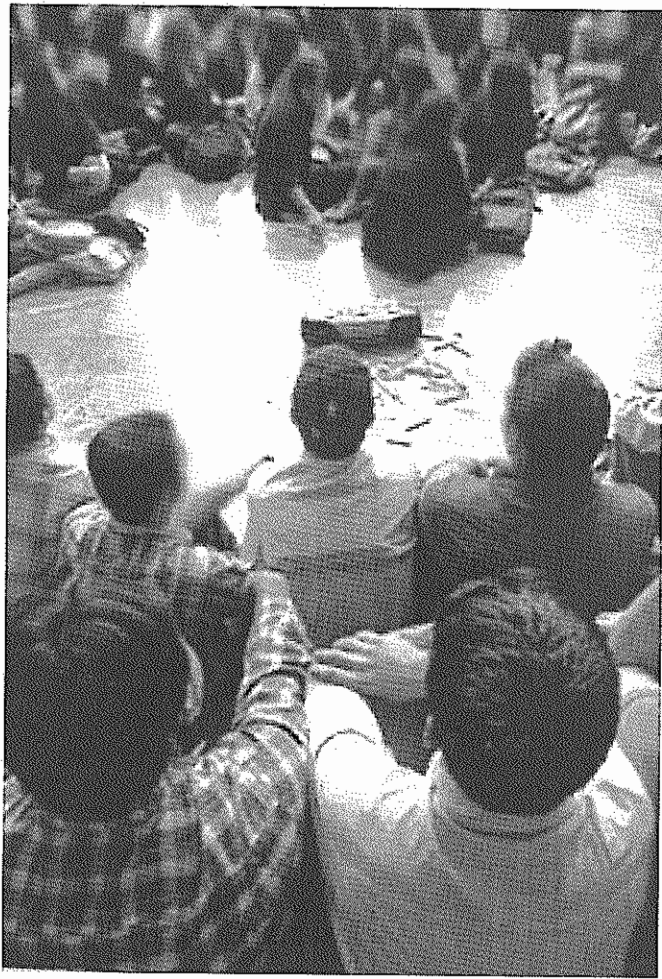
ید طولای جمهوری اسلامی در جنایت و کشتار دانشجویان و سیستم خورسسانی کانالهای ماهواره‌ای موجب نگرانی این خانواده‌ها را بوجود آورده و برخی از آنها با طی مسیراهی ۱۹ ساعته از بندرعباس و سیستان و بلوچستان خود را برای حمایت از فرزندانشان سراسیمه به تهران رسانده بودند.

خصوصی‌سازی

پس از آغاز حرکت در عصر سه شنبه رئیس دانشگاه برای آرام کردن جو ساعت ۵ و ۳۰ دقیقه بامداد به خوابگاه دانشگاه رفته ولی از آنجا که سعی در توجیه مسئله را داشته با خشم دانشجویان روبرو می‌شود. در میان جمع دانشجویان که اکنون به ۳۵۰ نفر رسیده بود یکی از دانشجویان از او در رابطه با خصوصی‌سازی سؤال می‌کند که باز با توجیه روبرو می‌شوند. دانشجویان خشمگین پس از سردادن شعار توجیه است توجیه است با هم سرود یار دبستانی را می‌خوانند.

ایران روی انبار باروت است، مردم عصبانی هستند، زیر خط فقر هستند، آثار سوء تغذیه در چهره دانشجویانی که حتی برای تهیه کتاب خود دچار مشکل هستند مشهود است، در ماه گذشته قیمت مواد غذایی به صورت ناگهانی یک سیر صعودی دیگر را طی کرد، کانالهای تلویزیونی ایران یا چهره ملایان را به نمایش می‌گذارد و یا از تمام برنامه‌های آن حزن و اندوه می‌بارد. هیچ رسانه و روزنامه آزادی هم که وجود ندارد در سایتهای اینترنتی هم فیلترگذاری شده‌اند. در نتیجه در ماهای اخیر دیشپایی که قبلاً به سوی کانالهای اروپایی تنظیم شده بودند، به سوی کانالهای آمریکایی چرخانده شدند و از آنجایی که هیچ کانال دمکرات و غیر وابسته‌ای وجود ندارد، تنها منبع خبری مردم محدود به همان کانالهای خبری می‌شود. خبر جداسازی دختران و پسران از طریق همین رسانه‌ها پخش شد.

در هر خانواده‌ای حداقل یک دانشجو هست. ۶۵٪ دانشجویان پذیرفته شده در سال گذشته دختران بوده‌اند. کسانی که از طریق این کانالها شعارهایشان را گرفته بودند سرود ملی ای ایران را سر دادند در حالیکه وقتی گروه کوچکی خواندن سرود یار دبستانی را آغاز کرد، این سرود همه گیر شد. و پس از آن شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، در همه جا جاری گشت. در روز پنج شنبه حضور دانشجویانی از دانشگاه‌های دیگر چون دانشگاه بهشتی امیرکبیر و چند دانشگاه دیگر مشهود بود. آنها سعی داشتند که جو را در کنترل بگیرند و با تلاش در جهت هدایت شعارها سعی می‌کردند که جو را از دست کسانی که در مسیر کانالهای ماهواره‌ای هدایت می‌شدند خارج کنند.



نیروهای انتظامی

حضور پلیسهای ضد شورش با هیكلهای قوی و دهانهای کف آلود در ماشینهای رویار در همه جا چشمگیر بود. چند سالی هست که مردم به حضور چهره‌های کریه آنها در خیابانها عادت کرده‌اند. در این شب نیروهای انتظامی در دو ردیف بزرگ پشت به پشت هم با سپرهای خود بین نیروهای لباس شخصی و دانشجویان و مردم دیوار حائل شدند. سنگ پرازی از دو جانب ادامه داشت به گونه‌ای که از هر ۳ گروه زخمی‌هایی راهی بیمارستانها شدند.

در بین دانشجویان شایعاتی بسیار قوی در رابطه با رفتار مثبت نیروهای انتظامی جاری بود. از جمله اینکه تعدادی از فرماندهان در اعتراض به دستور سرکوب استعفا داده و سردار طلایی نیز به علت خودسری نیروهای لباس شخصی تهدید به استعفا کرده است. منبع این شایعات و صحت آنها تایید نشد و در این ضمن سردار طلایی با بیان اینکه بهتر است حرکت را برای ۱۸ تیر بگذارید و با مجوز حرکت کنید، تلاش در کنترل فضا و به عقب‌نشاندن معترضین را داشت.

شورای امنیت تشکیل جلسه داده و لشکر ۲۱ لرستان و لشکر شیراز به حالت آماده‌باش درآمدند تا در صورت عمومی شدن شورش آماده سرکوب باشند.

روز جمعه مسابقه فوتبال

بین پرسپولیس و استقلال

در روز جمعه در حین مسابقات فوتبال پرسپولیس و استقلال تعدادی از تماشاچیان به صورت متداوم اقدام به پوشیدن لباس سفید کرده و گویا قصد داشتند که پس از مسابقات دست به تظاهرات بزنند.

نیروهای انتظامی تمام سالن را تحت کنترل داشتند، با کوچکترین حرکتی که به نظر آنها تحریک‌کننده می‌آمد فرد محترمانه به بیرون از سالن دعوت می‌شد و در پشت صحنه توسط چند نفر کتک می‌خورد. صحنه طوری کنترل شده بود که در پخش مستقیم در تلویزیون همه چیز آرام به نظر می‌رسید. پس از باخت تیم استقلال با توجه به حضور شدید گارددهای ویژه در خود استادیوم و اطراف آن درگیریها به داخل شهر و میدان تور کشیده می‌شود، و در آنجا شعارها به شعارهای سیاسی بدل شده و تعدادی از نیروهای لباس شخصی هم توسط عده‌ای غافلگیر شده و کتک می‌خورند.

در این تظاهرات بخشی از نیروهای هوادار پرسپولیس هم حضور داشتند. اهمیت جغرافیایی میدان نور در موقعیت گلوگاهی آن در مسیر تهران به استادیوم آزادی است. نهایتاً نیروهای انتظامی با تیراندازی و تیراندازی هوایی جمعیت را متفرق می‌کنند.

هماهنگی بین نیروهای انتظامی

و نیروهای لباس شخصی

نکته قابل توجه در این یورش این بود که دانشجویان بسیجی از قبل خوابگاه را ترک کرده بودند. و تا پایان عملیات یورش هیچ اثری از نیروهای انتظامی مشاهده نشد. نقش هماهنگی بین نیروهای انتظامی روشن و این نیروها مشخص شد.

اعلام همبستگی دانشجویان دبیر دانشگاهها

پس از این جنایت حمایت مردمی از دانشجویان افزایش پیدا کرد. خوابگاه دانشجویان دانشگاه بهشتی و دانشگاه اصفهان همبستگی خود را اعلام کرده و در نتیجه آنها هم مورد حمله قرار گرفتند. خوابگاه دانشگاه اصفهان به آتش کشیده شد.

حمله به خوابگاه دختران

نیروهای لباس شخصی همراه با واحد خواهران انصار حزب‌الله با چادرهای مدل عربی قصد حمله به خوابگاه دختران را داشتند. یکی از نیروهای انتظامی در خلاف دستور خیر حمله را به دانشجویان حاضر در صحنه می‌دهد. گروهی از دانشجویان و جوانان به آن سمت حرکت کرده و مانع حمله می‌شوند. دختران دانشجوی هم به هنگام از خوابگاه گریخته و به خانه‌های اطراف پناه می‌برند. لازم به ذکر است که در این روزها با شهادت و پیگیری که دختران به خرج دادند بیش از حد مورد غضب نیروهای لباس شخصی قرار گرفته و هر جا که مورد تعرض این نیروها قرار گرفته‌اند به وحشیانه‌ترین وجه ممکن کتک خورده‌اند.

شعارهایی که در این روزها در میان جوانان حامی مطرح شده: رفسنجانی کوسه برو به باغ پسته، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر ولایت و قیچ، خامنه‌ای مرگت باد روحانیت ننگت باد، اکبر شاه حیاکن سلطنت را رها کن، خاتمی استعفا، استعفا. و اما در میان دانشجویان آنها که از سخنرانی رفسنجانی بسیار خشمگین بودند پلاکاردی را تهیه کرده و بر آن چنین نوشته بودند: «ما سوسول نیستیم ما دانشجو هستیم. هر کدام از ما با فقر و فلاکت از روستاهای ایران آمده و با تلاش فراوان در دانشگاه قبول شده‌ایم...» در

ترکیب امروز جمعیت

دانشجویان، جوانان، ۵۰ ساله‌های دل‌سوخته، خانواده‌های اعدایان سالهای ۶۷ و جمعیت بسیار گونه‌گون و هر آنکس که احساس مسئولیت کرده بود. از یک سو قشری مرفه و از سوی دیگر مردمی کاملاً عادی و رانندگان ماشینهای مدل بالایی که با بوق زدن حمایت خود را اعلام می‌کردند.

عده‌ای طرح می‌کردند که این حرکت به تنهایی به جایی نمی‌رسد. و فقط کارگران شرکت نفت هستند که می‌توانند با بستن لوله‌های نفت اینها را به زمین بزنند. امروز شعار خاتمی استعفا استعفا مجدداً مطرح شد و دانشجویان به مدت ۲۰ دقیقه این شعار را تکرار کردند.

دوشنبه

چهره‌ها تغییر کرده آرایش کمتری بر چهره آنها دیده می‌شود و کفشها اسپرت شده‌اند. پسران کمتر به موهای خود ژل می‌زنند و جوانان به صورت گروهی حرکت می‌کنند. پس از گذشت یک هفته و گسترش درگیریها به بیشتر شهرهای کشور و افزایش دستگیریها برای اولین بار شعار اتحاد مبارزه پیروزی مطرح شد. و دانشجویان و جوانان با بالا بردن دستها و کوبیدن دستها به هم این شعار را تکرار کردند. حضور زنان و دختران جوان چشمگیر است، الان دیگر صحبتی از رضای ۲ نیست. شعار دیگری که امروز مطرح شد:

سیا موساد پهلوی - ایران عراق نمیشه و بر پلاکاردی نوشته شد که «بیچاره ملتی که گرفتار شیخ شد و بدبخت‌تر از آن ملتی که باز گرفتار شاه شود».

بخشی از سخنرانی یکی از دانشجویان: «عزیزان هوشیار باشید در پشت صحنه جناح رفسنجانی با آمریکا در حال مذاکرات است. آمریکا دوست ما نیست. ما گام به گام جلو می‌رویم. ما تاریخ را پشت سر داریم و با تجربه گذشته باید بدانیم که بهای آزادی را هم باید بپردازیم، به عنوان و اشکال مختلف. پس عزیزان بدانید که ما تنها هستیم و جز خود کسی را نداریم خواسته‌های ما بر حق است و مطمئن باشید که پیروز خواهیم شد». در پی این سخنرانی جمعیت یک صدا برای سخنران دست زدند.

نیروهای لباس شخصی

در میان لباس شخصی‌ها ۳ گروه مشخص انصار، بخشی و سعید و عسگر وجود دارند که در عملیات سرکوب این بار باند سعید عسکر با بیش از ۲ هزار موتورسوار قصبه‌بدست بیشترین سهم را به عهده داشت. علاوه بر نیروهای تهران نیروهای نرسروهای شهرستانی آنها هم به کمک فرا خوانده شده بودند. دامنه حرکات به نقاط کارگری شهر نیز کشیده شد بگونه‌ای که برخی از جوانان موتورسوارهای لباس شخصی را که عازم کوی بودند و جوانان نازی‌آباد قاصد فرستاده بودند و اعلام کرده بودند که در حمایت به سوی کوی حرکت خواهند کرد.

محدودیت خبر رسانی و تهدید خبرنگاران

خبرنگارانی که برای تهیه خبر دارای کارت قرمز بودند در میان جمع دیده می‌شدند. آثار ترس و هراس در صورت آنها نمایان بود چرا که هم نباید خبر را تهیه می‌کردند و هم دستورالعملهای صادر شده را مد نظر می‌داشتند. این خبرنگاران متعلق به ایستاد، ایران ورزشی، ایرنا، همشهری و روزنامه ایران بودند. اینان از یک طرف از سوی نهادهای رسمی دستور داشتند که به هیچ وجه اخبار واقعی را منعکس نکنند و از سوی دیگر از طرف نیروهای لباس شخصی تهدید شده بودند که در صورت پخش گزارش خوابگاهها و عکسهای مربوط به آن، خود باید با تاون آن حساب کنند.

زیر این بیانیه امضای دانشجویان دانشگاههای مختلف به چشم می‌خورد. تعدادی از این دانشجویان از اظهارات اخیر مقامات آمریکایی در حمایت مالی از راهبیسایین‌کنندگان بسیار خشمگین بودند. چرا که آن را لوژکننده حرکت و جنبش خود می‌دانستند. در میان دانشجویان پیام منتظری به خامنه‌ای را مبنی بر اینکه چرا مسلمانها را می‌کشید خوانده شد. این پیام و پیام آیت‌الله طاهری نیروهای معترض ملی مذهبی را امیدوار کرد. بگونه‌ای که مطرح می‌کردند اگر اینها فتوا دهند ما آماده پیشروی هستیم.

اعلام همبستگی جنبش دانشجویی و جنبش کارگری

کارگران کارخانه‌های نساجی و نخ و صنایع وابسته به آن به علت وضع نابسامان این کارخانه‌ها در انتظار اخراج دسته جمعی به سر می‌برند، و در همین رابطه اطلاعیه‌های مربوط به کارگران کارخانه برک در کنار اطلاعیه‌های کارگران کارخانه‌های تراکتورسازی اراک و کارگران اعتصابی سنگ و معدن به دیوار زده شده بود.

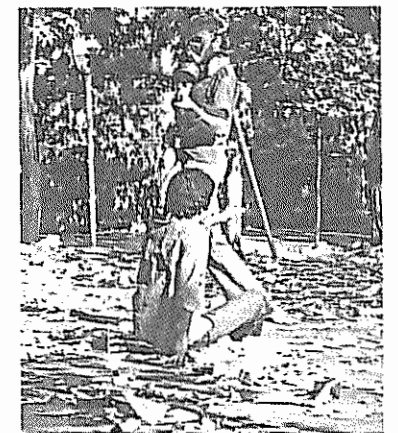


از آن روزهای حماسه و شور

تقدیم به دانشجویان قهرمانی که اینک فریادگر صحنه اند

فریدون احمدی

در این اوج جدید جنبش دانشجویی، به جاست یادی شود از اوج و فرازی بسیار نیرمند در تاریخ کشور ما و در تاریخ جنبش دانشجویی: از مقاومت سراسری دانشجویان در برابر یورش همه‌جانبه عوامل حاکمیتی مذهبی که می‌رفت تا با برداشتن موانع دانشجویان و دانشگاه، حاکمیت و سلطه سپاه بیست و چندساله‌اش را بر کشور ما تثبیت کند. یاد کردن آن روزها و رویدادها از آن رو نیز اهمیت دارد که نسل‌های کنونی و جوان تر، ببینند مبارزه وسیع و میلیونی جاری برای آزادی و رهایی از چنگال حکومت اسلامی، بر پایه چه قهرمانی‌ها و فداکاری‌هایی استوار شده، قوام یافته و به مراحل تعیین‌کننده کنونی‌اش رسیده است.



پس از ۲۳ سال خاطرات آن روزها را مه و غباری غلیظ فرا گرفته است. آن روزها در اردیبهشت ۱۳۵۹ روشن بود که رهبران نظام در حال تثبیت، برای تصرف انحصاری قدرت، به زودی یورش به نیروهای سیاسی و تشکلی‌ها و جنبش‌های اجتماعی و همه دگراندیشان و دگرپاشان را آغاز خواهند کرد و روشن بود دانشگاه، سنگر مقدم و خاکریز اول است. دانشجویان نیز به خوبی به این امر واقف بودند و به همین سبب تصمیم به مقاومت سراسری گرفته شد. فضای جامعه، یک سال و نیم پس از انقلاب، اجازه یورش مستقیم از طریق ارکان‌های رسمی سرکوب را نمی‌داد. پس اوباشان مسلح به قمه و زنجیر سازمان داده شدند و در کنار امت تحریک‌شده و با مشارکت غیر رسمی پاسداران، دستور حمله صادر گردید.

تولیات گسترده‌ای به راه افتاده بود که در دانشگاه و دفاتر دانشجویی اسلحه نگهداری می‌شود و دانشگاه، پشت جبهه کردستان شده است. وسیعاً تبلیغ می‌شد در جامعه اسلامی چه معنا دارد که دانشگاه در تصرف کمونیست‌ها باشد و آن‌ها در آن دفتر داشته باشند. تعطیلی دفاتر تشکلی‌های دانشجویی و جلوگیری از فعالیت تشکلی‌های مختلف غیرحکومتی در دانشگاه، و در ادامه اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها و انجام انقلاب فرهنگی به عنوان خواسته مردم مسلمان معترض مطرح می‌شد.

در دانشگاه و مراکز آموزش عالی، سازمان‌های مختلف دانشجویی از جمله سازمان دانشجویان پیشگام (هواداران جنبش فدایی)، انجمن دانشجویان مسلمان (هواداران مجاهدین خلق)، انجمن اسلامی دانشجویان (هواداران خمینی و وابسته به حکومت)، سازمان دانشجویان مبارز (هواداران سازمان پیکار و دیگر نیروهای موسوم به خط)، سازمان دانشجویان دموکرات (هواداران حزب توده ایران) و... فعالیت داشتند. اعضای انجمن اسلامی دانشجویان و چادر وحدت و بعدتر دفتر تحکیم وحدت (وحدت حوزه و دانشگاه) که آن زمان دفتر تحکیم و حشمت خوانده می‌شد، خود از عاملین سرکوب جنبش دانشجویی بودند و بعدها کادرهای اصلی وزارت اطلاعات و تیم‌های بازجویی و شکنجه را تشکیل دادند. انجمن دانشجویان مسلمان ضمن محکوم کردن حمله به دانشگاه‌ها پای خود را کنار کشید. دانشجویان دموکرات نیز به هنگام حمله حزب‌اللهی‌ها به دفتر حزب توده در خیابان ۱۶ آذر به آن‌ها می‌گفتند: دفتر آن‌ها (پیشگام) پایین تر است.

اکثریت دانشجویان چه تصمیم به ایستادن و

مقاومت گرفتند. مقاومت و سازمان‌دهی اصلی بر عهده پرشمارترین سازمان دانشجویی چپ، سازمان دانشجویان پیشگام قرار داشت. پیشگام در آخرین انتخابات شوراهای دانشجویی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی بطور متوسط بیش از ۳۰ درصد آرای دانشجویان را کسب کرده و در برخی از مراکز آموزش عالی حتی نیروی اول و قوی‌تر از هواداران خمینی و نظام اسلامی بود.

به هر حال، مراکز اصلی حمله و مقاومت در تهران، دانشگاه تهران و دفتر مرکزی پیشگام در خیابان ۱۶ آذر، دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه ملی، دانشگاه پلی‌تکنیک، دانشگاه صنعتی و تا آن جایی که به خاطر می‌آید دانشگاه‌های اهواز، گیلان، تبریز، شیراز و اصفهان بود.

حملات با زنجیر و قمه، پرتاب سنگ و گاه تیراندازی صورت می‌گرفت و مقاومت در مراکز بر سرده قریب یک هفته تمام و شبانه روز ادامه داشت. طی این مدت تعداد زیادی از دانشجویان مجروح شدند. در تهران، برای کاهش خطر جانی برای دانشجویان، به تدریج مقاومت در دانشگاه تهران و حول دفتر مرکزی پیشگام در خیابان ۱۶ آذر متمرکز شد. بیش از ۱۰ هزار نفر در درون دانشگاه تهران، جلوی دانشگاه و ۱۶ آذر تجمع کرده و صفوف به هم فشرده‌ای را در برابر مهاجمین ساخته بودند. هر سنگی که پرتاب می‌شد سر و صورتی را می‌شکافت اما زنجیردای که مدافعین، مردان و زنان جوان، بازو در بازو، برای جلوگیری از ورود مهاجمین به دانشگاه، ساخته بودند و اراده آنان هیچ‌گاه شکسته نشد. مدافعینی می‌افتادند اما جای آن‌ها را دانشجویان و جوانان دیگر پر می‌کردند. دو روز آخر مدافعین نیز با پرتاب سنگ به مهاجمین پاسخ می‌دادند. فیصله شلیک گلوله‌های هوایی و زمینی مرتباً کمتر می‌شد. خبرنگاران خارجی برای تهیه گزارشی و انجام مصاحبه دانشا به دفتر پیشگام رفت و آمد می‌کردند.

درون دفتر مرکزی پیشگام در روز ۵شنبه که فردای آن در زمین دانشگاه، نماز جمعه برگزار می‌شد مانند سال‌های بیمارستان‌های صحراپی مملو از مجروحین بود. قابل پیش‌بینی بود که اگر کار به جمعه بکشد با بسیج امت تحریک‌شده حزب‌الله، حمام خون با تلفات بی‌شمار به راه خواهد افتاد. عصر ۵شنبه تصمیم گرفته شد که به مقاومت خاتمه داده شود. برخی سازمان‌های سیاسی چپ کماکان مخالف پایان دادن به مقاومت بودند. دیگر مقاومت به دفتر مرکزی پیشگام و خیابان‌های اطراف آن، و محوطه دانشگاه فتی در اصلی دانشگاه محدود شده بود.

برای پایان دادن به حملات و ترک منظم و بدون تلفات محل و تضمین این امر از سوی سپاه پاسداران، در دو سطح با مقامات دانشگاه و مسئولین اجرایی (رئیس جمهور بنی‌صدر) مذاکراتی در جریان بود. این مذاکرات تا پاسی از شب ادامه یافت.

در ساعات اولیه شب، شدت تیراندازی‌ها و حملات به حدی بود که آرش آذرخه‌ها، خبرنگار تلویزیون که از سوی رادیو تلویزیون برای مصاحبه به دفتر پیشگام آمد، مجبور شده بود گروه خوبی خودش را روی دوش بنویسد. این مصاحبه با من انجام گرفت و روز بعد در بخش خبری ساعت ۸ شب پخش شد. چند روز پس از آن نیز مناظره‌ای تلویزیونی تهیه و پخش شد که در آن حسن حبیبی، معاون رئیس جمهور وقت، ف. تابان نماینده پیشگام و نمایندگان انجمن اسلامی دانشجویان و انجمن دانشجویان مسلمان حضور داشتند. در این مناظره، نماینده پیشگام توضیح داد که این اقدامات در راستای تثبیت استبداد مذهبی و استقرار نظام مبنی بر شعار حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله است و سرکوب و اختناق همه‌جانبه و در همه عرصه‌ها در پیش است.

سراسر انجام، خروج دانشجویان و مقاومت‌کنندگان از دفتر پیشگام و خیابان ۱۶ آذر آغاز شد و تا حدود ۳ بامداد ادامه یافت. جمعیت از میان راهرویی که از صف پاسداران در دوسوی آن تشکیل شده بود، به سمت خیابان کارگر حرکت کرده و آن جا پراکنده شدند. تنها رفیق زنده‌یاد علی‌رضا اسکندری (شاپور) از اعضای رهبری پیشگام و از سازمان‌دهندگان مقاومت دانشجویان، در محل باقی ماند که روز بعد وسائل و کلیدهای ساختمان را رسماً تحویل دهد. وی بعداً دستگیر و پس از سال‌ها زندان اعدام شد.

گردهم‌آبی دانشجویان در کوی دانشگاه تهران که به منظور طرح برخی مطالبات صنفی و از جمله اعتراض به برنامه خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها انجام گرفت، به سرعت جنبه سیاسی یافت و از درون کوی دانشگاه به سطح شهر تهران و سپس برخی دانشگاه‌ها و شهرهای دیگر کشانده شد. مداخله تحریک‌آمیز گروه‌های فشار و حمله لباس‌شخصی‌ها به خوابگاه دانشگاه علامه طباطبائی و ضرب و شتم دانشجویان و گروه‌هایی از مردم که به حمایت از دانشجویان برخاسته بودند، بسیاری را مجروح و روانه بیمارستان‌ها ساخته است. در جریان این رویدادها صدها تن در تهران و شهرستان‌ها و از جمله ده‌ها تن از دانشجویان و مسئولان انجمن‌های دانشجویی و نیز تعدادی از فعالان سیاسی کشور بازداشت شده‌اند. گزارش‌های دیگر حاکی از برود شدن تعدادی از دانشجویان در تهران و شهرستان‌هاست.

تبدیل اعتراضات مسالمت‌آمیز صنفی و سیاسی دانشجویان توسط گروه‌های فشار به فضای تخریب و تشنج، که بویژه اکنون در آستانه چهارمین سالگرد فاجعه ۱۸ تیر می‌تواند تکرار شود، بسیار هشداردهنده است. تداوم این رویدادها در عین حال که نشانگر اوج بحران سیاسی و نارضایتی اجتماعی و بن‌بست کامل نظام در اداره کشور و پاسخ به خواست عمومی مردم مبنی بر تغییرات سیاسی بنیادی است، امکان زمینه‌سازی برای بهره‌برداری خودکامگان حاکم در جهت تشدید اختناق و سرکوب را نیز فراهم می‌آورد.

موضع‌گیری نابخردانه و تهدیدآمیز آقای خامنه‌ای در متسبب‌کردن اعتراضات به‌حق دانشجویان به عوامل خارجی و توصیه سرکوب بی‌رحمانه، زمینه‌ساز گستاخی و مداخله آزادانه گروه‌های فشار در یورش به دانشجویان طی روزهای اخیر بوده است. این موضع‌گیری، خود آشکارکننده منشا اصلی قدرت و هدایت این اوباشان سیاسی در درون ساختار حاکم است. شک نیست که بدون نارضایتی‌های عمیق

بیانیه جمهوری خواهان ایران

محاکمه علنی و مجازات جنایتکاران لباس‌شخصی را خواستاریم

از مطالبات عادلانه و آزادی‌خواهانه دانشجویان پشتیبانی می‌کنیم

هشیاری دانشجویان در برابر اقدامات تحریک‌آمیز و سیاست‌های سرکوب‌گرانه را می‌ستائیم

مراجعه به آرای عمومی در همه زمینه‌ها گشوده شود. این شایسته‌ترین راه حفظ جان و کرامت انسانی ایرانیان و تأمین سلامت سیاسی جامعه و منافع ملی میهن ما در مقطع کنونی است. گروه‌های فشار و سرکوب موسوم به لباس‌شخصی‌ها و انصار حزب‌الله که ابزار آشکار اعمال خشونت و مورد تنفر عمومی هستند، باید تحت پی‌گرد قرار گیرند و افراد دستگیر شده این گروه‌ها و سرکردگان آنها این بار با معرفی نام و چهره آنان به محاکمه جدی و علنی کشیده شوند و حامیان‌شان در ارگان‌های حکومتی شناسایی و به مردم معرفی گردند. ما از نیروهای انتظامی می‌خواهیم که نه تنها در همه موارد قاطعانه و بدون ملاحظات حساب خود را از گروه‌های فشار و سرکوب لباس‌شخصی جدا کنند بلکه از هرگونه دخالت آنان در گردهم‌آیی‌ها و اجتماعات و تعرض آنها به دگراندیشان مناعت ورزند، از جان و امنیت مردم دفاع کنند، و جای خود را در کنار مردم بیایند.

ما از سپاه پاسداران و دیگر نیروهای مسلح کشور می‌خواهیم که با هشیاری و درک شرایط سیاسی حساس کشور، از تقابل با مردم پرهیزند، از تسلیم به فرامین سرکوب از بالا و دست‌زدن به هرگونه اعمال خشونت در قبال اعتراضات دانشجویی و تظاهرات مردمی اجتناب کنند، و به عواقب چنین اشتباه فاجعه‌باری بیایند.

دفاع یکپارچه شخصیت‌های سیاسی آزادی‌خواه کشور و نیز محافل و نهادهای مدافع حقوق بشر و مجامع دموکراتیک چه در ایران و چه در خارج، از مطالبات دانشجویان، مستحکم‌کردن حمله چاقوکشان و اوباش حکومتی به آنها و سایر گروه‌های مردم، نشانه امیدبخش وجود عزم و اراده‌ای آگاه، متحد، و نیرمند برای دستیابی به آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی، و برخورداری همه ایرانیان از یک زندگی آزاد و شایسته است. این بیانیه را قریب به ۷۰ تن امضا کرده‌اند

اجتماعی و ناتوانی سیاسی داخلی، نگاه‌به‌خارج نمی‌تواند مطرح باشد، بلکه این فقدان فضای باز و آزادی بیان و مطبوعات و احزاب سیاسی، و نیز انبوه معضلات اقتصادی و صنفی و معیشتی دانشجویان و سایر اقشار مردم، و حاکم‌بودن اختناق و بی‌کفایتی و فساد است که می‌تواند زمینه‌ساز چنین نگاهی گردد. ما ضمن پشتیبانی از مطالبات عادلانه و آزادی‌خواهانه دانشجویان و اظهار همدردی با مجروحان و آسیب‌دیدگان این رویدادها که مورد هجوم لباس‌شخصی‌ها و عوامل سرکوب قرار گرفته‌اند، خواهان آزادی همه دانشجویان و فعالان بازداشت‌شده طی روزهای اخیر، و دیگر زندانیان سیاسی هستیم.

جنبش دانشجویی ایران طی سال‌های گذشته تجربه سیاسی فراوان آموخته و بویژه از فاجعه ۱۸ تیر درس‌های بسیار آموخته است. پایداری و پختگی این جنبش از ارکان اصلی جنبش دموکراتیک مردم ایران برای عقب‌نشاندن تمامیت‌گرایان حاکم و دستیابی به آزادی و دموکراسی است.

ما اکنون شاهد این هستیم که دانشجویان و رهبران حرکت اخیر دانشجویی علی‌رغم تحریکات و فشار از هر سو، با هشیاری بیشتری نسبت به سیاست‌های سرکوب‌گرانه عمل کرده و از خصلت مسالمت‌آمیز و مدنی جنبش دانشجویی با قدرت و مناعت بیشتری پاسداری کرده‌اند. همبستگی و خرد سیاسی دانشجویان در پیوند با جنبش دموکراتیک مردم ایران می‌تواند طرح‌های خودکامگان حاکم در اجرای سیاست سرکوب در داخل و مانور سیاسی در خارج را نقش بر آب سازد.

برای نجات هرچه سریع‌تر کشور از گرداب خشونت و خونریزی و از پرتگاه آشوب و رخدادهای غیر قابل کنترل، باید اقتدارگرایان و در راس آنها رهبر نظام، به سیاست سرکوب پایان دهند و به مطالبات آزادی‌خواهانه مردم تمکین کنند. تا راه برای تغییرات دموکراتیک بنیادی در کشور از طریق انتخابات آزاد و

جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران در چند ماه اخیر گام‌های تازه‌ای را به جلو برداشته است. نامه‌های سرگشاده‌ای که از سوی گروه‌ها و اقشار مختلف خطاب به کاربده‌ستان جمهوری اسلامی انتشار می‌یابند و افکار عمومی ایران و خارج از کشور از آنها مطلع‌اند، نشان می‌دهند که مقابله قاطعانه و پیگیرانه‌ای میان توده‌های مردم و حاکمیت جمهوری اسلامی در کلیت آن در راه است. همه قرائن نیز نشان می‌دهند که حرکت‌های این‌بار مردم برگشت‌ناپذیر بوده و پیروزی نهایی و تغییر حاکمیت فرمانروا به پیش می‌روند.

در این میان جنبش دانشجویی در ایران که از پیشینه افتخارآمیزی در روند مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران برخوردار است، نقش فعال و موثرتری را بر عهده گرفته است. یاد خیزش ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ و سرکوب بیرحمانه این خیزش از سوی حاکمیت و پاسگرا، اسامیل‌بنوعنوان سر فصلی تلقی گردیده که روند سریع‌تری را به جنبش آزادی‌خواهانه دانشجویان و همه اقشار مردم ایران بخشیده است. از چند ماه قبل دانشجویان و بسیاری از اقشار جامعه تصمیم گرفته‌اند که ۱۸ تیرماه اسامیل را نسبت به سالهای گذشته به شیوه باشکوه‌تری برگزار نمایند و به آغاز مقطع تازه‌ای از مبارزه تبدیل نمایند. از سوی دیگر مسئولان رژیم که از هر حرکت آزادی‌خواهانه‌ای در وحشت‌اند، نگران آیند و سرنوشت خود می‌باشند و به شیوه‌های مختلف خود را جهت مقابله با حرکت‌های اعتراضی

دانشجویان آماده ساخته‌اند، در این رابطه تصمیم گرفته‌اند تا امتحانات پایان سال تحصیلی را به جلو اندازند تا یک هفته قبل از ۱۸ تیرماه دانشگاه‌ها تعطیل و دانشجویان متفرق گردند. در این رابطه دانشجویان بیدار و هوشیار ایران نیز برآنند تا حرکت اعتراضی خود را به جلو اندازند و این توطئه رژیم را با ناکامی مواجه سازند. در این راستا بود که تصمیم خصوصی‌کردن دانشگاه‌ها را سروده‌ای جهت ابراز خواست‌های خود و فراتر از آن خواست آزادی‌خواهانه مردم ایران قرار دادند. اینک یک هفته است که خیزش شکوهمند دانشجویان آغاز گردیده و علیرغم همه تلاش‌های رژیم و سرکوب‌های بیرحمانه راه رو به فرار خود را می‌سپماید. خیزش اسامیل دانشجویان از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که در سالهای قبل یا وجود نداشتند یا کم‌رنگ بودند. از جمله: خواست‌های دانشجویان تنها به خواست‌های صنفی محدود نمی‌شوند، بلکه خواست‌های همه مردم ایران را در بر می‌گیرند. این جنبش اعتراضی برخلاف گذشته علیه تنها یکی از جناح‌های درون حاکمیت نبوده، بلکه رژیم را در کلیت آن مورد تهاجم قرار داده است. از این هم مهمتر این خواست‌ها بطور مبهم بیان نمی‌گردند، بلکه صریح و بی‌پروا از میان برداشتن جمهوری اسلامی و روی کار آمدن یک حکومت مردمی را ندا می‌دهند. این نیز مایه خوشحالی و امید است که خیزش این بار به دانشگاه تهران محدود نگردیده، بلکه هر روز شمار بیشتری از دانشگاه‌های کشور به عرصه مقابله و مبارزه با رژیم تبدیل می‌شوند و چنین می‌نماید که پیش از سالروز ۱۸ تیرماه همه دانشگاه‌های ایران را در برگیرد.

از سوی دیگر توده‌های مردم ایران بویژه در تهران تصمیم گرفته‌اند که فرزندان دانشجوی خود اعم از دختر و پسر را در عرصه مبارزه آزادی‌خواهانه تنها نگذارند و قاطعانه از آنها حمایت نمایند. در یک هفته گذشته اگر نیروهای سرکوب‌گر رژیم تلاش نکرده‌اند همه خیابان‌های منتهی به دانشگاه تهران را مسدود

تا آن جا که من ششیده بودم و خبر داشتم در دانشگاه گیلان با این تصور که در تهران قرار بر ماندن است روز بعد نیز دانشجویان در دانشگاه ماندند که در حمله حزب‌اللهی‌ها چند دانشجو کشته و تعداد زیادی مشروب و بازداشت گردیدند.

ادامه در صفحه ۴

بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران مناسبت خیزش‌های دانشجویی

نمایند و مانع از آن گردند که اقشار مختلف مردم به سیل دانشجویان ناراضی بپیوندند، مردم تهران همه خیابان‌های شهر را به عرصه مقابله یا به گفت‌وای دیگر تمام شهر را به دانشگاهی بزرگ تبدیل نموده‌اند.

انعکاس خیزش اخیر دانشجویان نیز به هیچ وجه با سالهای گذشته قابل مقایسه نیست. در خلال این مدت خبر مربوط به خیزش دانشجویان ایران در راس اخبار خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون و نشریات جهان بوده است. همین هم همبستگی کم‌سابقه‌ای را در میان افکار عمومی جهان نسبت به جنبش دانشجویی و کل جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران موجب شده است. نخستین باری است که برخی از دولت‌ها و حتی ابرقدرتی همچون ایالات متحده آمریکا حمایت خود را از خواست‌های تظاهرکنندگان و جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران ابراز می‌دارند. حزب دمکرات کردستان ایران ضمن تقدیر از خیزش شکوهمند دانشجویان دانشگاه تهران و همه دانشگاه‌های کشور و نیز ضمن ابراز حمایت بیچون و چسرا و بیحد و مرز خود از خواست‌های برحق این حرکت که در واقع خواست همه خلق‌های ایران‌اند، از اعضاء و هواداران خود در کردستان و سراسر ایران می‌خواهد از هر طریق ممکن از این خیزش حمایت نمایند و آنرا یاری رسانند.

از دانشجویان کرد در دانشگاه‌های کردستان و سراسر ایران می‌خواهد فعالانه و با هوشیاری در این حرکت مشارکت جویند و سعی نمایند خواست‌های ملی خلق کرد و دیگر خلق‌های محروم ایران را در این جنبش منعکس سازند. بویژه بجاست که یاد ۲۲ تیرماه، سالگرد ترور دکتر قاسملوی زنده‌یاد، رهبر تاریخی خلق کرد را با یاد ۱۸ تیرماه سالروز سرکوب بیرحمانه خیزش دانشجویان دانشگاه تهران گره بزنند. فراتر از اینها از توده‌های مردم کردستان با همه اقشار موجود در آن می‌خواهد که به حمایت از فرزندان دانشجوی خود برخیزند و با همه توان خود در این خیزش عمومی که در ادامه در صفحه ۲

وضعیت جنبش جاری و چشم اندازها

ای تحلیل جنبه‌های مختلف جنبش دانشجویی کنونی و سیر آتی حرکت‌های اعتراضی جاری در شهرهای مختلف کشور می‌کوشیم به بازتاب نظرات و ارزیابی‌های گوناگون در این زمینه بپردازیم. وضعیت جنبش جاری چشم‌انداز تحولات آتی پرسشی بوده است که از سوی نشریه کار طرح شده است و در زیر برخی پاسخ‌ها به این بحث را می‌خوانید. در شماره آینده دیگر پاسخ‌های دریافتی را درج می‌کنیم.

جنبش دانشجویی اخیر؛ کدامین پی آمدها؟

بهزاد کریمی

رویدادهای سیاسی بسته به تأثیری که بر فضای سیاسی و سیر روندهای سیاسی می‌گذرانند، معمولاً دوگونه‌اند. گونه نخست راکتی هستند که در جاری بودنشان منشاء اثر می‌شوند و گاه حتی اثرگذاری تعیین‌کننده و بانه دوم حرکاتی که تأثیرات آن‌ها پس از روکش کردن‌شان رخ می‌نماید. روشن است که به از اینجا سخن از رخ‌دادهای سیاسی بی‌تأثیر است که صورت می‌پذیرند و پایان می‌یابند تا و گوشه‌ای از پستوی تاریخ بایگانی شوند.

به باور من، جنبش دانشجویی اخیر در مجموع از گونه دوم است. این جنبش با آن که به حافظ استمرار زمانی و گسترش جغرافیایی از یک سو و رادیکالیسم ضد حکام قدرت‌مدار جمهوری اسلامی از دیگر سو در بیست و چهار سال گذشته مانند نداشته و به همین اعتبار یک از کاملاً نوین در مبارزات دموکراتیک مردم ایران به شمار می‌آید، اما جنبشی است هنوز حدتاً دانشجویی و به لحاظ اجتماعی متاسفانه همچنان منفرد. در شرایط نبود جنبش‌های

نسترده افشار و گروه‌های اجتماعی دیگر در میدان عمل سیاسی، و در فقدان یک آلترناتیو سیاسی نیرومند و معتبر، انتظار دگرگونی سیاسی اساسی به نیروی صرف دانشجویان بازن، انتظاری نادرست و حتی ناعادلانه است. این البته واقعیت دارد که در کشوری با سمیت جوان و نزدیک به یک و نیم میلیون دانشجو، نیروی فزاینده، پراکنده و شاداب، و بی‌مخالفه کار و جسور دانشجویی یکی از مولفه‌های تعیین‌کننده است، ولی به هیچ وجه نردمندان نیست که بار همه جنبش را بر دوش جنبش دانشجویی بگذاریم و در خیال پرواز بیروزمند توسن باشیم. دانشجویان، در همین بند از حرکت خود نیز کاری کارستان کرده‌اند.

اگر در صحنه سیاسی ایران یک نیروی آلترناتیو قدرتمند و نافذ حضور می‌داشت این همال می‌رفت که به اتکالی این جنبش پویا و نسترده و با فراخوان پاسخ‌پذیر از دیگر گروه‌های اجتماعی ذی‌سنتغ در تحولات دموکراتیک به عمل و برآمد، نیروی آلترناتیو تواند معادله قدرت را به سود خود بچرخاند و کلیکی از گذار را به اجرا بگذارد. حتی اگر بریانی در حکومت وجود داشت که دغدغه حفظ نظام را نمی‌داشت و جسارت انتخاب نوین عمل نوین را دارا می‌بود، چه بسا که می‌شد روح و ویژه‌ای از گذار را شاهد باشیم که از میان حکومت می‌گذشت. اما نه چنان آلترناتیوی در ابر حکومت وجود دارد و نه آن نیرو و اراده‌ای در درون حکومت.

جنبش دانشجویی اخیر از گونه دوم است. منی جنبشی است که تأثیرات ژرف و گسترده بود در همه جهات را بعداً نشان خواهد داد. روشن است که چنین نگاهی به این جنبش، در خود این تحلیل را در بر دارد که حرکات اخیر دانشجویان تا ۱۸ تیر امسال یا اندکی زودتر یا برتر از آن، در شکل مستند یا منفصل، فروکش خواهد کرد. این تحلیل البته ذرادی هم از ستایش آمد ستیگ دانشجویان و عظمت کار آن‌ها و گذار نیست. تا همین جا هم، کار عظیمی را بن جوانان برومند، پیش برداند. سخن صرفاً، گاه واقعی به این حرکت است و احتراز از هر گونه برخورد عواطف‌رسانانه به این جنبش و ست‌افزار کردن آن!

نخستین تأثیرات این جنبش دانشجویی، بر

وضعیت کنونی، امیدها و نگرانی‌ها

ماشاءالله سلیمی

اواخر خردادماه فصل بهار را به حق باید فریاد بیزاری دانشجویان و مردم ایران علیه حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی نام گذاشت و خیزش آن‌ها را نویددهنده فرارسیدن موسم آزادی از حکومت ققها دانست.

اینک ۱۰ روز است که دانشجویان و مردم کشورمان حرکت اعتراضی خود را علیه تداوم استبداد مذهبی شروع کرده‌اند و علیرغم بگیر و بندها و ضرب و شتم آن‌ها توسط انصار سازمان‌دهی شده از سوی دستگاه ولایت ققیه، به تظاهرات خویش ادامه می‌دهند.

طی این مدت تظاهرات دانشجویی و مردمی که ابتدا از تهران شروع شد و سپس به اکثر شهرهای ایران گسترش پیدا کرد، برخلاف ادعای خاتمی که مدعی شد «در ایران هیچ خبری نیست» (البته بعد از یک هفته سکوت)، میهن ما را به یکی از خیرسازترین نقاط جهان تبدیل کرد. اگر ۹ اسفند ۸۱ را «نه» بزرگ مردم در شکل خاموش به مجموعه حاکمیت بدانیم، می‌توان تظاهرات خیابانی و دانشگاهی، دانشجویان و مردم را سرآغاز بیان آشکار بیزاری آنها از استبداد و تلاش آن‌ها برای برگردانی رژیم دانست.

در بسیاری از شهرها دانشجویان و مردم شرکت‌کننده در تظاهرات، طی شعارهایی نظیر «نه شاه، نه رهبر، نه خاتمی نه اکبر» و «آزادی، استقلال، جمهوری فدرال» عزم خود را به

مبارزه فعال برای استقرار دموکراسی در میهن مان اعلام و بدین وسیله نشان دادند که جامعه ما امروز به چنان سطحی از رشد خود رسیده است که از یک سو هیچ‌گونه ماساژات را با مجموعه حکومت برنی‌تابد و از طرف دیگر آلترناتیوهای را نیز که منجر به حاکمیت فردی شود، نخواهد پذیرفت.

از نظر زمانی نیز خیزش دانشجویان و مردم دارای اهمیت جدی است. زیرا این خیزش هم‌زمان با سناریویی بود که به سردمداری فرانسه، آلمان، انگلیس و روسیه و با همراهی ضمنی کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا تهیه شده بود که می‌بایستی توسط تیم رفسنجانی به مرحله اجرا درآید و مذاکراتی نیز در آتن و سایر جابها، مستقیم و غیرمستقیم

اپوزیسیون در کلیت خود، دریافت ک چه میزان در تأثیرگذاری بر روند جنبش و رویدادهای سیاسی جوشیده از دل جامعه علیه حکومت و برای دموکراسی، کم‌توان است. این جنبش، تکانه بزرگی در صفوف اپوزیسیون پدید آورده و خواهد آورد و آن را در بوته آزمون قطعی و نهایی قرار خواهد داد. اما مهم‌تر از آن، کاملاً قابل پیش‌بینی است که نیروها و سیاست‌های تازه‌ای، از دل همین جنبش دانشجویی جوانه بزنند و جامعه را با پدیده‌های نوینی روبرو کنند.

و بالاخره تأثیر این جنبش نقش‌آفرین را باید در عرصه بین‌المللی دید. دولتمردان اروپایی در شرایط رقابت - اتحاد با واشنگتن که اکنون می‌رود در ایران کانونی شود، نمی‌توانند پارامتر جنبش اعتراضی مردم ایران به حکومت را نادیده بگیرند. کاخ سفید نیز که درگیر اختلاف روش و تاکتیک در قبال جمهوری اسلامی است، مسلماً وجود پتانسیل اعتراضی نیرومند در مردم ایران علیه جمهوری اسلامی را در تعیین سیاست قطعی خود دخالت خواهد داد و احتمالاً آن سیاستی که به دخالت نظامی در ایران تمایل دارد فعلاً به عقب رانده خواهد شد. با تمام این‌ها، پی‌آمدهای جنبش دانشجویی اخیر در پرتو رویدادهای سیاسی آتی باز هم روشن‌تر و دقیق‌تر به نمایش درخواهد آمد.

آن این است که ناقوس پایان حکومت فقاقتی به صدا درآمده است و راه بازگشتی وجود ندارد. مردم بپاخاسته‌اند و حکومت انسجام درونی ندارد و اوضاع بین‌المللی نیز مساعد است. از این رو باید با خوش‌بینی به آینده این جنبش نگاه کرد و با تمام قوا کوشید که شعله این جنبش هر چی بیشتر فروزان‌تر گردد و چنان گسترش یابد که دستگاه سرکوب نتواند آن را برای موقت هم که شده کم‌نور گرداند.

البته این امر بدین معنا نیست که جنبش مزبور فراز و فرود نخواهد داشت، قطعاً مثل هر جنبش دیگر دارای مراحل گوناگونی خواهد بود. در این رابطه بخصوص وظیفه اپوزیسیون جمهوری خواه دموکرات و سایر آزادی‌خواهان است که نهادها و مجامع ترقی بین‌المللی را به حمایت از مبارزات آزادی‌خواهانه، عدالت‌خواهانه و ترقی‌خواهانه دانشجویان و مردم کشورمان فراخوانند و از آن‌ها بخواهند که با اعمال فشارهای سیاسی اجازه ندهند رژیم جمهوری به سرکوب و وحشیانه مردم و نقض خشن حقوق بشر ادامه دهد.

در خاتمه ضروری است به یک عنصر به شدت لازم ولی غایب تأکید شود که تأثیر بسیار منفی در کارایی و نیز گسترش جنبش مردم کشورمان دارد. و آن همانا نبود رهبری موثر و سراسری جنبش است. بر هگان روشن است که هیچ کدام از احزاب، نیروها و سازمان‌های سیاسی مترقی در وضعیتی قرار ندارند که بتوانند جنبش را نه تنها هدایت، بلکه تأثیری قابل توجه بر آن بگذارند. هیچ اتحادی وجود ندارد که مردم را سازماندهی و حرکت آن‌ها را سمت و سو دهد. علاوه بر این مردم در تشکلهای صنفی مستقل و نیز متشکل نشده‌اند. و این آن بیماری اسف‌انگیزی است که جنبش کشور ما هم‌چنان با آن روبروست. و تاکنون زبان‌های بزرگی را نیز متحمل شده است.

اینک که دانشجویان و مردم فعالانه پا به میدان گذاشته و اراده کرده‌اند که بر عسر رژیم جمهوری اسلامی خاتمه دهند. آیا زمان آن فرا نرسیده که اپوزیسیون به خود آید و برای استقرار دموکراسی در کشور و ایجاد ایرانی آزاد، آباد، و فدرال دست همدیگر را بفشارد؟ ما باید بدانیم که زمان خیلی کمی در اختیار داریم. به این دلیل بایستی مسئولانه فکر کرده و مسئولانه عمل نماییم. باید توجه داشته باشیم که گرچه کشور ما نه افغانستان است و نه عراق و به همین دلیل نه کزازی را برمی‌تابد نه چلی را. اما اگر دیر بچینیم ممکن است شرایط کزازی یا چلی و یا حتی ظاهر شاه را بر ما تحمیل کنند.

در میان جمهوری خواهان دموکرات و پیگیر دو نیرو مانع شکل‌گیری اتحادی کارا بوده و می‌باشد.

الف: نیروی راست معتقد به استحاله رژیم از طریق حمایت از جناح اصلاح‌طلب حکومتی.

ب: نیروی چپ حداکثرخواه و منزه‌طلب و اراده‌گرا.

هر دوتیرو تاکنون ضربات جبران‌ناپذیری بر تحقق امر اتحاد جمهوری خواهان دموکرات طرفدار فدرالیسم زده‌اند که متاسفانه در چشم‌انداز نزدیک نیز دست شستن آن‌ها از سیاست سکنازیستان دیده نمی‌شود. به همین دلیل باید با تمام قوا کوشید، تا این دو نیرو نتوانند بیش از این در امر اتحادها خرابکاری کنند. این امر متحقق نمی‌شود مگر این که نیروهای مسئول، آینده‌نگر و واقع‌بین تمامی احزاب، سازمان‌ها و جریانات سیاسی بی‌توجه به منافع تشکیلاتی - سیاسی قبیلهدی، تفرقه‌اندازان راست و چپ را زیر فشار سیاسی قرار دهند و بدین ترتیب عرصه را به آن‌هایی که امر اتحاد را فقط در حیاط خلوت خویش می‌جویند تنگ سازند تا در صورت عدم تمکین به ضرورت روز به کنج خلوت خویش پناه برند.

در این راستا آرزو این است که سازمان ما بتواند، حساسیت اوضاع را دریابد و خانه‌تکانی جدی در سیاست‌های اتحادها، انجام دهد. امید است که چنین شود!

صورت گرفته بود. بر اساس این سناریو می‌بایستی جمهوری اسلامی رفتار خصومت‌آمیز کنونی را در مقابل آمریکا تغییر می‌داد تا در مقابل، جواز سرکوب در داخل و تداوم حکومت فقاقتی را کسب نماید.

این تظاهرات سناریو مزبور را هرچند نه با شکست، بلکه با علامت سؤال بزرگ روبرو ساخت و به قدرت‌های بزرگ جهان نشان داد که اولاً رژیم اسلامی پوسیده‌تر از آن است که بخواهند به وسیله آن‌ها به ادامه غارت کشورمان بپردازند و ثانیاً عزم جزم دارند که سرنوشت خویش را به دست خود تعیین کنند.

لازم است به ویژگی مهم دیگری نیز تأکید شود و آن عبارت از سراسری‌بودن و یا به عبارت دقیق‌تر سراسری‌شدن تظاهرات دانشجویان و مردم می‌باشد. تا قبل از این گرچه بارها مردم این شهر و یا آن شهر، علیه بی‌عدالتی‌ها و استبدادگری‌های رژیم دست به تظاهرات زده بودند ولی ابعاد سراسری پیدا نکرده بود. در صورتی که امروز ما شاهد پیوستگی و ارتباط بین شهرهای مختلف بوده و شاهد یکسان‌بودن بسیاری از شعارهای مطرح شده در تظاهرات مختلف هستیم. در این دوره تهران شروع کرد، تبریز، اصفهان، رشت، شیراز، قم، مشهد، کرمانشاه، یزد و... ادامه داد.

اگر در گذشته فقط در تهران مردم از دانشجویان حمایت می‌کردند، اینک در اکثر شهرهای بزرگ، مردم فرزندان خویش را تنها نگذاشتند. در بسیاری از شهرها یکی از شعارها در بزرگداشت آن جوان شیرازی بود که با چاقوی ارادل و اوپاش از هستی ساقط گشت. «دانشجوی شیرازی راحت ادامه دارد» و این آن شعاری بود که لژ به بر اندام خودکامگان انداخت و آن‌ها سراسیمه نتوان از کتمان مبارزه مثل شاد عوامل خارجی را محرک تظاهرات قلمداد کردند و این بار خاتمی نیز بعد از یک هفته سکوت مثل خامندای و رفسنجانی انگشت اتهام را به سوی آمریکا دراز کرد. شکی نیست که حکام مستبد هم‌چنان که پیام ۹ اسفند مردم ایران را جدی نگرفتند، پیام اخیر را نیز درک نخواهند کرد و از این رو به جای تسلیم به اراده مردم روش سرکوبگرانه و آزادی‌ستیزانه خویش را شدت و ادامه خواهند داد، به طوری که هم اینک وزارت اطلاعات در همراهی کامل با قوه قضاییه به دستگیری گسترده دانشجویان پرداخته‌اند. تاکنون صدها نفر دستگیر و روانه زندان‌ها گشته و ده‌ها نفر ناپدید شده‌اند. اینکه تمامی دیکتاتورهای جهان با شیوه‌های جز سرکوب، آشنا نیستند امر بدیهی و ثابت شده‌ای است و از این رو جای تعجبی نیست. اما آیا آن‌هایی که سال‌ها در پی استحاله رژیم بودند، این بار پیام مردم را دریافت خواهند کرد؟ آیا آن‌ها به ناگجا با بدبودن راهی که تاکنون رفته‌اند، پی خواهند برد؟ یا هر چند نه با صراحت خامنه‌ای، رفسنجانی، خاتمی، بلکه در لفاظیه دانشجویان و مردم را الهام گرفته از خارج خواهند نامید. پرسش‌هایی هستند که هنوز پاسخ‌های درخور به آن‌ها از طرف نیروهای یادشده، داده نشده است.

سؤال بزرگ و در عین حال دشواری که اینک جلو رویمان است، همانا تداوم و همه‌گیر شدن این جنبش و یا اثربخشی موقتی سرکوب و در نتیجه عقب‌نشینی موقتی آن می‌باشد. گرچه نمی‌توان به این سؤال دشوار پاسخ روشن و قطعی داد و اصولاً چنین پاسخی نمی‌تواند علمی نیز باشد. زیرا پیش‌گویی آینده که صدها پارامتر غیرقابل رویت می‌تواند، در آن تأثیرگذار باشد، فقط کار کسانی است که به پیغمبری و الهام از علم غیب باور دارند، اما، با این همه یک نکته را می‌توان با قطعیت گفت و

وضعیت جنبش جاری و چشم اندازها

آلترناتیو دمکراتیک، نیاز جامعه

منوچهر مقصدنیا

دمکرات کشورمان استقبال می‌کند. ۳- واقعیت این است که فشار به جمهوری اسلامی از بیرون لازم بوده و این فشار در خدمت دستیابی مردم کشورمان به یک نظام مردم سالار می‌باشد. ما همواره از کشورها و سازمانهای بین‌المللی می‌خواهیم تا این فشار را به رژیم برای رعایت حقوق بشر بیشتر نمایند. ولی ما با صراحت و روشنی باید اعلام کنیم، که تعیین سرنوشت یک حق شناخته شده بین‌المللی بوده و ما با هرگونه مداخله بیگانگان که به این حق مان خدشه وارد کند مخالف بوده و با آن مقابله خواهیم کرد. و در همین رابطه با حمله نظامی به ایران و سیاست آلترناتیو سازی‌ای که از سوی جناحی از دولت آمریکا مطرح می‌شد مخالفت کرده و آن را در خدمت رابطه برابر حقوق بین ایران و آمریکا در آینده نخواهیم دانست.

۴- سال‌هاست که در جامعه خلا یک آلترناتیو جمهوری خواهی دمکرات در ایران حس می‌شود. سال‌هاست که از سوی بخشی از اپوزیسیون دمکرات پر ضرورت اتحاد جمهوری خواهان دمکرات و تشکیل یک جبهه وسیع از این نیرو پافشاری می‌شود، ولی متأسفانه هنوز به این نیاز تاریخی، که روز به روز برای تعداد بیشتری از این نیرو آشکار می‌شود، پاسخ داده نشده است. دو سیاست نادرست در دو سر این طیف؛ تاکنون مانع تشکیل چنین جبهه‌ای بوده است. سیاست جناح راست آن، که تا حد پذیرش التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش رفته بود و می‌گفت که جبهه وجود دارد و نام آن هم جبهه اصلاح طلبان می‌باشد. این جناح نقش خود را تا حد تنها پشتیبان و حمایت‌کننده از این جبهه تقلیل داده بود.

جناح چپ آن با سیاست فرقه گرایانه و تمامیت خواهی خود و نشناختن نیاز لحظه به تشکیل یک جبهه دموکراسی و خواست تشکیل جبهه طبقاتی مانع دوم در شکل‌گیری چنین سازمان‌ها و احزاب جمهوری خواه دمکرات بخصوص، و افراد مستقل جمهوری خواه باید در اولین فرصت ممکن در کنار یکدیگر نسته و با تدوین یک پلانترم جبهه‌ای به وظیفه خود عمل نمایند. هیچ حرکت دیگری از وظیفه و نقشی که سازمان‌ها و احزاب دارند، نکاسته و تاخیر و پاسخ ندادن به این نیاز از سوی مردم و تاریخ کشورمان پذیرفته نیست. برای دستیابی به سیستم دمکراتیک جامعه احتیاج به یک آلترناتیو دمکراتیک که در سطح بین‌المللی شناخته شده باشد، نیاز دارد. جبهه جمهوری خواهان دمکرات می‌تواند چنین نقشی را ایفا نماید.

سخنی با فعالین جنبش دانشجویی

دانش باقرپور

در پاسخ به سؤال وضعیت کنونی جنبش دانشجویی و چشم‌انداز روندهای آتی، در آغاز به تشریح برخی زمینه‌های موجود در جامعه می‌پردازم. خصلت ایدئولوژیک حکومت دینی و فضای بسته حاکم بر کشور، تعرض آشکار با اراده و خواست‌های مردم بویژه طبقه متوسط شهری پیدا کرده است. در تمام دوران ۲۵ ساله، حکام روحانی با اتکا به شریعت اسلامی و با تفسیر فقهی از حکومت به خواست‌های مردم بی‌اعتنایی کرده‌اند، اکنون نیز این نظام، آزادی و حقوق طبیعی شهروندان را به شدیدترین شکل ممکن نقض می‌کند، از همین رو دوری گزیدن کامل دستگاه روحانیت از قدرت سیاسی، جدایی دین از حکومت و تعیین نظام عرفی و دمکراتیک، خواست غیرقابل انکار و امروزین مردم ایران است.

تاریخ صد ساله معاصر، گویای این امر است که هیچ‌گاه مردم ایران چون امروز به طور مشترک علیه استبداد قدم به میدان مبارزه نگذاشته است. در شرایط فعلی کشور ما، برای غلبه بر استبداد مذهبی و دست‌یافتن به آزادی‌های فردی و اجتماعی، هیچ اراده و نیروی استحکام یافته‌تر از جنبش دانشجویی در ایران وجود ندارد. در تحولات دو ساله اخیر جنبش دانشجویی، در حوزه فکری و عملکرد سیاسی و اجتماعی، اثبات ساخت که دانشگاه یکی از پایگاه‌های اصلی مبارزه علیه استبداد و برای استقرار دمکراسی در ایران بوده است. در این دو سال، جنبش دانشجویی به سطح مفسر و مستند اجتماعی ارتقا یافت. این قشر با پرسشگری و چون و چرا گذاشتن در مقابل قدرت، بارقه‌ای از امید در دل آزادی خواهان وجود آورده است.

مسائلتیگون، مخالفت و رفتار سیاسی دانشجویان و روشنفکران با حکومت را در کتاب سازمان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، چنین توضیح می‌دهد. «این الگوی مخالفت طبقه متوسط، روشنفکری و دانشجویی نشان می‌دهد که اصلاحات نمی‌تواند این گونه مخالفت‌ها را تعدیل کند. طبقه متوسط شهری حدت و هویت ملی، پیشرفت و فرصت مشارکت در بازسازی سراسر جامعه را خواستار است». سامان سیاسی ص ۵۲۶ از همین روست که برای نیل به این هدف، جنبش دانشجویی در کشور ما بهایی سنگین پرداخت کرده است. تا جایی که به یقین می‌توان گفت، همه تجمعات و مراسم‌های برگزار شده، با یسورش وحشیانه اوباش لباس شخصی و نیروهای امنیتی و انتظامی همراه بوده است. حوادث خوزین ۱۸ تیر ۷۸ و حوادث اخیر

ویژگیهای وضعیت فعلی ایران را می‌توان در چهار محور عمده زیر دسته‌بندی کرد. ۱- مردم کلیت نظام جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. ۲- جمهوری اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی در ضعیف‌ترین موقعیت تاریخ خود قرار دارد. ۳- خطر مداخله بیگانگان در امور داخلی ایران و در تعیین حق سرنوشت کشورمان وجود دارد. ۴- پراکندگی جمهوری خواهان دمکرات.

۱- جامعه مرحله‌ای را که مردم با حضور میلیونی خود در صندوق‌های رای و با کمترین هزینه ممکن می‌خواستند جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی واداشته و تغییرات بنیادی لازم سیاسی را بوجود بیاورند پشت سر گذرانده است. و این بیش از همه بدین دلیل است که اکثریت اصلاح طلبان حکومتی، که از یک طرف نظام جمهوری اسلامی را می‌خواستند حفظ کنند و از طرف دیگر از به میدان آمدن مردم ترسناک بودند. این جنبش تنها تغییرات و اصلاحات محدودی را مورد نظر داشته و این با خواست مردم که فراتر از جمهوری اسلامی می‌باشد نمی‌خوانده است. در نتیجه جنبش اصلاح طلبی حکومتی به پایان رسیده و سرانجامی غیر از این هم برایش متصور نبوده است.

اکنون ما وارد فازی شدیم که بعد از این بیشتر شاهد به خیابان آمدن مردم با شعارهای خودشان خواهیم بود. اگر این حرکت در ادامه خود با اعتصابات صنفی سیاسی اقرار و طبقات مردم، بخصوص طبقه کارگر همراه شود، می‌توان گفت پایان جمهوری اسلامی شروع شده است.

۲- جمهوری اسلامی به دلیل نقض خشن حقوق بشر در داخل، حمایت از تروریسم بین‌المللی، مخالفت با روند صلح در منطقه و برنامه‌های مشکوک برای دستیابی به سلاح هسته‌ای روز به روز در جهان منزوی تر می‌شود.

با موضع‌گیری‌های اخیر اتحادیه اروپا، به نظر می‌رسد که اروپا از سیاست گذشته خود، یعنی سیاست دیالوگ انتقادی فاصله گرفته و به سیاست آمریکا نزدیکتر شده است. این سیاست در مجموع به نفع ایران نبوده و جمهوری اسلامی همواره با این برگ در مقابل سیاست آمریکا بازی کرده و به نقض حقوق بشر در داخل ادامه داده است.

با نزدیکی این دو سیاست به یکدیگر، جمهوری اسلامی بیش از پیش در جهان منزوی و از قدرت و امکان کمتری برای سرکوب در داخل برخوردار خواهد شد. ما از فشار بیشتر بین‌المللی به نظام جمهوری اسلامی برای رعایت حقوق بشر و پشتیبانی از اپوزیسیون

شهرهای بزرگ کشور، نمونه‌هایی از این دست هستند. قضاوت غیرعادلانه و ضدانسانی محاکم قضایی در قبال حوادث و فجایع وارده بر جنبش دانشجویی و عدم انطباق سیاست‌های برنامه‌ای دولت با خواست‌ها و نیازهای عمیق اجتماعی، یکی از دلایل اصلی فعلیت یافتن این جنبش در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. این دو مؤلفه، شرایط را به مرور برای بازسازی فضای فکری و اخذ مواضع مستقل و نقد قدرت، درون جنبش دانشجویی فراهم کرد، و تشکلهای مستقل دانشجویی را به حقیقت عدم استراتژی روشن در دولت خاتمی و جبهه دوم خرداد آشنا ساخت.

سرپیچی این جنبش از جناح‌های درون حکومتی، و افشاری علیه کانون‌های اصلی قدرت، با برافراشتن پرچم مقاومت مدنی، بار دیگر رویکرد طبیعی و ماهیت واقعی آن را پس از سال‌ها رکود به این جنبش اعتراضی بازگرداند. تا جایی که اکنون در صحنه اجتماعی، شاهد حمایت‌های بی‌دریغ مردم از آن هستیم، ایمن دست حمایت‌ها از آن رو صورت می‌گیرد، که جنبش دانشجویی از خواست‌ها و ارزش‌هایی دفاع به عمل می‌آورد که امروزه، مطالبات و خواست‌های عمومی مردم ایران محسوب می‌شوند. در دور جدید این اعتراضات گروه‌های اجتماعی مردم که در حمایت از دانشجویان و ازاد صحنه مبارزاتی شده بودند، عملاً موقعیت نظام و مسئولین آن را در وضعیت دیگر قرار دادند. سطح عمومی این اعتراضات بیانگر ناراضی‌های گسترده از سیاست‌های ضد مردمی و ایدئولوژیک حکومت اسلامی است، از این رو مسئولین نظام برای مرعوب ساختن توده‌ها و از میدان بدر بردن آنان، فشار خود را از طریق نیروهای امنیتی، انتظامی و نیز از طریق گسیل مغول‌وار نیروهای لباس شخصی آغاز کردند. در این ارتباط دادستانی تهران «سعید مرتضوی» نیز

تشکیلات به اصطلاح دادرسی خود را به اداره اطلاعات زندان اوین منتقل کرده است. تا فرامین و تهدیدات علی‌خامنه‌ای را علیه دستگیرشدگان حوادث اخیر، به مرحله اجرا در آورد.

در این میان روزنامه‌ها و جریانات سیاسی همسو با دولت که ناظر اوضاع بودند، چشم خویش را بر تمامی حوادث ده روزه بستند و مشت خویش را پیش مردم هوشیار باز نداشتند. از این رو هر روز که جنبش تحول طلبی از مواضع و قید و بندهای اصلاح طلبان دولتی فاصله می‌گیرد، سیمای واقعی و شفاف و انسانی خویش را بیشتر بازمی‌یابد. از سوی دیگر جنبش اعتراضی در کشور ما، به علت فقدان سازمان‌یابی عمومی فاقد هماهنگی و ابتکار عمل علیه استبداد است، از آنجایی که احزاب سیاسی مستقل و مطبوعات مستند از گردونه

برخی مغازه‌ها و اتومبیل‌های مردم خسارت وارد کرده‌اند. وی که با خبرنگار ایسنا گفتگو می‌کرد، ادامه داد: تاکنون هیچ‌گونه گزارش تلفات جانی نداشته‌ایم و صرفاً برخی مصدومیت‌های جزئی را داشته‌ایم و از عوامل اغتشاش نیز حدوداً ۵۰ نفر در شب گذشته دستگیر شده‌اند که مراحل بعدی پرونده آنان در حال پی‌گیری است. همچنین محمدحسین غضنفری فرماندار برخوار و میمه نیز در گفتگویی با خبرنگار ایسنا گفت: در حوادث شب گذشته حدوداً ۱۰۰ نفر بازداشت شدند که اکثریت بازداشت‌شدگان را جوانان و نوجوانان کم سن و سال تشکیل می‌دهند که به نحوی مورد اغفال واقع شده‌اند و پرونده بازداشت‌شدگان در حال رسیدگی است و بازجویی از عده‌ای از آنان ادامه دارد و قطعا با افرادی که به عنوان هسته‌های تشکیل آشوب فعال بوده‌اند برخورد قانونی و افرادی نیز که مشکل خاصی از نظر مسئولان امنیتی نداشته باشند آزاد خواهند شد.

وی هم چنین از زخمی شدن مسئول حراست فرمانداری برخوار و میمه در حوادث شب گذشته خبر داد و افزود: از نظر امنیتی شهر حالت عادی دارد و تنها در برخی راه‌های ورودی، تورهای بازرسی جهت کنترل برقرار است.

دانشگاه تبریز
در ادامه اعتراضات دانشجویی در تبریز پنج تن از دانشجویان توسط نیروی انتظامی دستگیر شدند، یک تن مفقود گشته و یک تن دیگر نیز از ناحیه صورت به شدت مجروح گردید. پس از دو روز تلاش از سوی دانشجویان و مسئولین دانشگاه مشخص شد دانشجوی مفقود شده در بازداشت به سر می‌برد. هم اکنون دو تن از دانشجویان بازداشت شده بدون وثیقه آزاد شدند. در پی تهدید گروه‌های فشار مبنی بر حمله به خوابگاه‌های این دانشگاه، مسئولین دانشگاه بدلیل عدم توانایی در تامین امنیت خوابگاه دختران از دانشجویان ساکن خوابگاه درخواست نمودند تا هرچه سریعتر خوابگاه را تخلیه کنند.

تظاهرات و اعتراضات...

ادامه از صفحه ۳

فعالان ملی - مذهبی در باره دستگیری سه تن از فعالان این گروه اظهار تعجب کرد و گفت: فعالان ملی - مذهبی و طیف اپوزیسیون داخل کشور به طور عموم همیشه بر آرامش تاکید داشته‌اند و همواره با تلاش مسالمت‌آمیز علیه هر نوع آشوب و اغتشاش موضع گرفته‌اند.

دکتر پیمان در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، گفت: در ماجراهای اخیر کوی دانشگاه هیچ یک از افراد ملی - مذهبی نه رفتند و نه تائیدی کردند و تا آنجا که اطلاع دارم تاکنون از خط و مشی نیروی‌های ملی - مذهبی عدول نکرده‌اند. پیمان افزود: به نظر می‌رسد عواملی در جریان این اغتشاشات هم از جناح افراط‌گرای خارج از کشور که وابسته به سلطنت طلبها هستند و پیوسته از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای تحریکاتی انجام می‌دهند و هم عوامل دیگری با لباس شخصی که هویت رسمی ندارند و اخبار نیز حاکی از شرکت فعال آنها در این ماجراست، دست دارند

کرد که آمریکا از آرمان‌های مردم ایران برای کسب آزادی کاملاً حمایت می‌کند. باوچر گفت: «امید ما این است که صدای مردم ایران و خواسته آنها برای کسب دمکراسی و حکومت قانون شنیده شود و ایران را به نیرویی برای برقراری امنیت در منطقه تبدیل کند». باوچر ایران را متهم کرد که با حمایت از تروریسم، تلاش برای ساخت سلاح کشتار جمعی و نقض حقوق بشر، باعث جلوگیری از سرمایه‌گذاری در ایران می‌شود که برای تعداد زیاد بیکاران ایجاد شغل می‌کند.

دستگیری ملی مذهبی‌ها
سه تن از فعالین ملی مذهبی در پی تظاهرات دانشجویان دستگیر شدند. حبیب‌الله پیمان از

زمان تغییر و تدبیر

احمد فرهادی

کشورمان در وضعیتی فوق‌العاده حساس و بحرانی قرار دارد. دامنه بحران هم رابطه بین مردم و حکومت، هم رابطه بین جناح‌های حکومتی و هم رابطه بین حکومت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای خارجی را در بر گرفته است. این بحران و تلاطم در درون و بیرون کشور و در درون و بیرون حکومت خبر از فرارسیدن زمان تغییر و تدبیر می‌دهد.

شکاف بین مردم و حکومت

امیدی که در دوم خرداد ۱۳۷۶ در بین مردم ایجاد شده بود تقریباً به صورت کامل از بین رفته است. شش سال پیش، با به میدان آمدن آقای محمد خاتمی با شعار و وعده استقرار مردم‌سالاری، مردم در سطحی وسیع و غیرقابل پیش‌بینی به میدان آمدند و با قاطعیت ولی فقیه و کاندیدای «دوب‌شده در ولایت فقیه» و مورد تأیید ولی فقیه را رد کردند و به آقای خاتمی رأی دادند و از آن پس تا نهم اسفند ۱۳۸۱ با امید به پیشرفت اصلاحات حدود شش سال از جمله در انتخابات مجلس، انتخابات شورای عالی انتخابات دور آخر ریاست جمهوری از آقای خاتمی و آن بخش از نیروهای حکومتی گرد آمده در پیرامون او و معروف به «اصلاح‌طلبان دولتی» حمایت کردند. این دوره از تاریخ ایران که عمدتاً با چالش بین نیروهای دو جناح داخل حکومت نشان خورده است گرسنه دست‌آوردهای بسیار بارز و مثبتی داشت اما موفق به برآورده کردن بخش زیادی از خواست‌های مردم نشد. البته مقاومت سرسختانه اردوگاه ولایت فقیه عامل اصلی نصف‌ماندن راه است اما تنها عامل نیست. عدم اتخاذ سیاست‌های مناسب هر مرحله از پیشرفت مبارزه و احتراز از تکیه بر حمایت بی‌دریغ مردم در عقب‌نشاندن حریف از جانب اصلاح‌طلبان دولتی و به ویژه شخص آقای خاتمی ضربه‌های کارسازي بر

شده. مردم تا زمانی که معتقد بودند در چارچوب نظام جانی برای حرکت اصلاح‌طلبانه هست در میدان انتخابات برآمد کردند اما امروز دیگر این اعتقاد و این عمل‌کرد را ندارند. آنان اکنون که می‌بینند از طرفی ظرفیت اقتدارگرایان برای تن دادن به اصلاحات در ساختار موجود حکومتی به پایان رسیده و در نتیجه بدون تغییر ساختار پیش‌رفت ممکن نیست و از طرف دیگر اصلاح‌طلبان حکومتی نیز توان و خواست تغییر ساختار را از خود نشان نمی‌دهند طبعاً در برابر تمام سیستم قرار می‌گیرند. از هنگامی که خواست قدرتمند و فراگیر تغییرات دموکراتیک به سد ساختار حکومت جمهوری اسلامی برخورد در خدمت ژرفش هرچه بیشتر شکاف بین مردم و حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت. شکاف بین مردم و حکومت جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه به این ژرفی نبوده است.

بحران در درون حکومت

چالش بین جناح‌های حکومتی در پایان این دوره نه تنها کاهش نیافته بلکه گسترش نیز یافته است. گسترش اختلاف بین اصلاح‌طلبان حکومتی به کاهش اختلاف بین بخشی از آنان با جبهه ولایت منجر نشده است. اگرچه تلاش بخشی از جبهه ولایت برای گود گذاشتن بین اصلاح‌طلبان به نوعی حمایت از آقای خاتمی معنی می‌شود ولی در واقع چنین نیست. عدم

از هنگامی که خواست قدرتمند و فراگیر تغییرات دموکراتیک به سد ساختار حکومت جمهوری اسلامی برخورد، در خدمت ژرفش هرچه بیشتر شکاف بین مردم و حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت

آمدگی آقای خاتمی به برداشتن گام‌های شجاعانه در راستای تعهدی که با مردم کرده بود پشتوانه مردمی را از او سلب کرده اما اعتمادی را در درون جبهه ولایت برای او به ارمغان نیاورده است و نخواهد هم آورد و این امر را پیش از همه خود او می‌داند. بخش قابل توجهی از اصلاح‌طلبان حکومتی با آگاهی از پایان یافتن دوره‌ای از مبارزه سیاسی که برپایه بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های به‌کار گرفته‌نشده قانون اساسی بنیان گذاشته شده بود و آغاز دوره‌ای که پایه‌اش در تغییر ساختار سیاسی قرار دارد، صریحاً مسئولیت «ولی فقیه» را تشدید و خاتمی را تمام اقدامات مستبدانه را یادآور شدند و در حقیقت به استقبال تغییر ساختار رفتند. آقای خاتمی اما نیروی اصلی خود را روی تصویب دو لایحه پیش‌نهادی خود گذاشته است، بدون این‌که خود او اعتقاد داشته باشد که این دو تصویب خواهند شد و حتی در صورت تصویب دست و پا شکسته آن‌ها تغییر قابل توجهی در صحنه

بیکر جنبش اصلاحات زده‌اند. امروز دیگر مردم نه تنها از هر دو جناح حکومتی روی گردانده‌اند بلکه به نیروهای خارج از حکومت که کاندیدای انتخابات در چارچوب جمهوری اسلامی می‌شوند نیز روی خوش نشان نمی‌دهند. در دوم خرداد ۱۳۷۶ مردم به نفی استبداد از طریق حمایت از جنبش اصلاح‌طلبی معتقد شدند و حرکت مردمی جنبش و سازمان خود را یافت و در نتیجه قاطع و با اعتماد به نفس عمل کرد. این عمل در راستای کاهش فاصله بین حکومت و مردم بود. دوره نزدیک به شش‌ساله پس از دوم خرداد امکان ارزش‌های بود برای این‌که جامعه حول خواست‌های عمومی به وحدت نظر و خودآگاهی نزدیک شود. در این دوره جنبش اصلاحات از طرفی خواست تغییرات دموکراتیک در ساختار سیاسی جامعه را بسیار قدرتمند و فراگیر کرد و از طرف دیگر پس از تسلط اصلاح‌طلبان بر تمامی ارگان‌های انتخابی به سد ساختار سیاسی برخورد و متوقف

سیاست ایران ایجاد خواهد شد. بخشی از اصلاح‌طلبان حکومتی او را در این راه حمایت می‌کنند. این مجموعه در حقیقت هنوز هم در پی بهره‌گیری از ظرفیت قانون اساسی موجود هست. در نتیجه نیروی اصلاح‌طلبان حکومتی دچار تفرقه در شناخت مرحله مبارزه و اتخاذ سیاست گشته‌اند. البته بر خلاف جبهه‌ی اصلاح‌طلبان حکومتی، جبهه فقاقت از یک‌پارچه‌گی نسبی برخوردار است و تقریباً یک‌پارچه به سرسختی و اعمال خشونت پیش‌تر روی آورده‌است. خود «ولی فقیه» در پاسخ به تظاهرات چند روز اخیر دانشجویان، آنان را عاملان خارجی نامیده و تهدید کرد که مردم (بخوان چاقویشان حزب‌الله) ۲۳ تیر سال ۱۳۷۸ را تکرار خواهند کرد. این سرسختی در مقابل اصلاح‌طلبان حکومتی نیز اعمال می‌شود، از تهدیدات قوه قضاییه تا تهدیدات خود ولی فقیه. نبرد سخت‌تر شده و شکاف بین جناح‌های حکومتی هم به لحاظ چالش بین آنان و هم به لحاظ روش‌های برخورد متفاوت با اوضاع سیاسی کشور ژرف‌تر گشته است.

بحران در روابط بین‌المللی

وضعیت کشور در خارج از مرزها نیز پرآشوب و پرتنش است. هیچ‌گاه کشور ما این چنین در حلقه محاصره یک نیروی یکدمت نظامی قرار نداشت. آمریکا، در راستای پیش‌برد سیاست تحت امر در آوردن جهان و استقرار نظم نوین مورد نظرش، یعنی جهانی یک‌پارچه ولی تحت امر آمریکا، پس از دو زورآزمایی در افغانستان و عراق و پیروزی سریع در آن‌ها پشت دروازه‌های ایران ایستاده است. جامعه بین‌المللی با وجود تلاش فراوان برای جلوگیری از حمله آمریکا به عراق امروزه در پی آشتی با اوست، گسستی چیزی اتساق نیفتاده است. دولت بوش با استفاده از این واقعیت و جری‌تر از زمان حمله به عراق فشار به ایران را افزایش داده است. امروزه دیگر سیاست آشکار هم می‌داند و اعلام می‌دارند. گرچه برخلاف گذشته تقریباً تمام سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران حکومت بوش مبتنی بر عدم وجود برنامه حمله به ایران چنین واریاتی به هیچ وجه منتفی شده نیست، اما آمریکا که امروزه علاوه بر فشار از خارج به مثابه یک آکتور داخلی در صحنه سیاست ایران نیز نقش ایفا می‌کند، بیش‌ترین نیرو برای تغییر حکومت جمهوری اسلامی ایران را روی این واریانت قرار داده است. در سایه وخیم‌تر شدن وضع حقوق بشر در ایران، مشکلاتی که ارگان‌های موازی سیاست‌گذاری خارجی می‌آفرینند و مساجراجویی‌های خدمه ولایت در روابط بین‌المللی، روابط بین ایران و اتحادیه اروپا و روسیه نیز از وضعیت نسبتاً خوب یکی دو سال گذشته فاصله گرفته است.

برخورد جناح‌های حاکمیت با بحران
علاوه بر بحران‌های حاد سیاسی نامبرده بحران‌های حاد اجتماعی و اقتصادی فراوانی سرتاپای کشورمان را فرا گرفته‌اند. بیکاری، فقر، اعتیاد، رشودخواری، دزدی و جنایت، فحشا، پاس و ناامیدی در مقیاس وحشتناکی گسترش یافته‌اند. بنظر می‌رسد شیرازه جامعه دارد از هم می‌پاشد و برای حکومت جمهوری اسلامی ایران کنترل اوضاع و اداره کشور روز به روز سخت‌تر می‌شود. این ناتوانی خود بر عدم مشروعیت حکومت می‌افزاید و فاصله حکومت و مردم را بیش‌تر می‌کند.

«ولی فقیه» و نیروهای جبهه ولایت، با سوءاستفاده از این اوضاع در آستانه انفجار برای خواباندن مچ جناح مقابل خود در حاکمیت در راستای تثبیت قدرت مطلقه خود، تقریباً یک‌پارچه و سرسختانه زورگیری و اعمال خشونت را گسترش می‌دهند و در جهت محدود کردن هرچه بیشتر مردم می‌تازند. آقای خاتمی به‌عنوان کسی که رسماً اولین شخص انتخابی کشور است و ریاست قوه مجریه را دارد مستأفانه بدون توجه به حساسیت و وخامت اوضاع، که خود بارها به آن اشاره کرده، کماکان سیاست صبر و انتظار در پیش گرفته و بسیار بعید می‌نماید به اتخاذ سیاستی قاطع و شجاعانه در کنار گذاشتن «دغدغه‌های رهبر» و توجه به دغدغه‌های مردم دست یازد. اگرچه مردم ایران دو بار، و هر بار با بیش از بیست میلیون رأی، اعتقاد خود را بر او ارزانی داشته‌اند، تاکنون در انجام تعهداتی که در مقابل مردم پذیرفته‌اند قصور فراوان داشته است، ولی بی‌عملی امروزین او در برابر آنچه بر کشورمان می‌گذرد و در حال گذشتن است بزرگ‌ترین قصور و خطای اوست. در مقابل خاندهای که آتش گرفته بی‌طرفی معنی ندارد، حرکت به خاموش کردن آتش نبردازه به گسترش آتش یاری رسانده است. عدم عمل قاطع آقای خاتمی در راستای تعهدات و وظایفش، یعنی قرار گرفتن خواسته یا ناخواسته، و بنظر من کاملاً ناخواسته، در کنار جبهه استبداد و ضد مردم است. حداقل کاری که آقای خاتمی می‌تواند بکند استعفا با بیان دقیق دلایل آن است. من امید اقدامات شجاعانه‌تری را ندارم اما حداقل آرزوی شخصی من برای آقای خاتمی، که توانست اعتماد و احترام مردم ایران و بسیاری از مخالفان خود را بدست آورد و در چند سال اخیر منشاء خدمات با ارزشی برای کشورم بوده، این است که در کنار جبهه استبداد

دانشجویان همدان و هم‌منظور وقایع اتفاق افتاده در خوابگاه علامه طباطبائی آغاز می‌شود. در این تجمع که در داخل محوطه دانشگاه برگزار شد جمعیتی حدود ۳۰۰ دانشجوی حضور داشتند. بعضی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان به قصد ایجاد آرامش در دانشگاه به ایراد سخنرانی می‌پردازند که مواضع معتدل آنها مورد پذیرش معترضین قرار نمی‌گیرد. لذا تجمع را ترک می‌کنند در این شب مردم شهر نیز در خارج از محوطه خوابگاه تجمع کرده‌اند و تعداد آنها حدود ۴۰۰ نفر گزارش شده است. در این شب درگیری‌های پراکنده‌ای هم صورت گرفته است.

چ: وقایع سه شنبه

تجمع در این شب از ساعت ۲۳ آغاز می‌شود. جمعیتی حدود ۶۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان در داخل محوطه دانشگاه از درب خوابگاهها تا

بخشی از اعلامیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان

گزارشی هر چند اجمالی از وقایع شهر همدان را به اطلاع عموم می‌رساند.
الف: وقایع یکشنبه
ساعت ۴/۳۲ در سر در مجتمع خوابگاهی بوعلی سینا علوم پزشکی حدود ۱۰۰ نفر از دانشجویان تجمع کردند این تجمع در اعتراض به وقایع خوابگاه دانشگاه‌های تهران بود. دانشجویان با شعارهای نظیر مرگ بر استبداد و دانشجوی سیاسی آزاد باید گردد اعتراضات و مطالبات خود را بیان می‌کنند. کم‌کم جمعیتی حدود ۱۵۰ - ۱۲۰ نفر از مردم نیز در خارج از سر در دانشگاه (ابتدای خیابان جوادیه) تجمع می‌کنند. تجمعات با درایت نیروی انتظامی حدود ساعت ۳ باامداد روز دوشنبه خاتمه می‌یابد. در اواخر تجمع مدیر کل اطلاعات

ملت شریف ایران سه‌شنبه شب مورخ ۲۷/۳/۸۲ خوابگاه همدان مورد تعرض و تاخت و تاز گروه‌های فشار قرار گرفت در این حمله دهن‌شانه نیروهای انصار حزب‌الله با صدمه به خوابگاه و مصدوم کردن حدود ۳۰ دانشجوی، حدود ۴۰ نفر را نیز بازداشت کردند.

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان ضمن مردود دانستن کلیه اتهاماتی که وقایع چند شب اخیر این شهر را به این تشکل نسبت می‌دهد در راستای حمایت از دانشجویان که در تاخت و تاز و وحشیانه گروه‌های فشار آسیب دیده‌اند و همین‌طور بعضی از اعضای این تشکل که با اتهاماتی واهی در بازداشت به سر می‌برند

و ضد مردم قرار نگیرد. دیگر وقتی برای تلفکردن نمانده است. بخشی از اصلاح‌طلبان حکومتی، با ابراز توجه به اوضاع حاد جامعه به برخی اقدامات در خور توجه، مانند نوشتن نامه به «ولی فقیه» و بیان صریح این‌که مسئولیت اصلی استبداد و سیاست‌های ایران برپاده متوجه شخص اوست و هم‌چنین طرح همه‌پرسی و تهدید به خروج از حاکمیت، دست زده‌اند. اما این اقدامات متأسفانه فقط بیان درد است، که بیان‌کننده گانش یا خیلی دیر به شناخت آن رسیده‌اند و یا خیلی دیر آن را بیان می‌کنند. درست است که شناخت و بیان درد نخستین گام مهم در راه درمان درد است اما کافی نیست. آن بخش از این نیروها که واقعا به منافع مردم و مردم‌سالاری واقعی اعتقاد دارند باید بدون فوت وقت با شکستن پیله خودی و غیرخودی در جهت نزدیکی با همه نیروهای خواهان «حکومت کاملاً انتخابی» حرکت و در این راستا اتخاذ سیاست کند. هر نوع امیدبستن به نیروهای جبهه ولایت جز زیان بیش‌تر وارد آوردن بر منافع مردم ثمری نخواهد داشت.

اشتراکات فراوانی وجود دارد که اتحاد عمل حول آن‌ها و تبلیغ و ترویج آن‌ها به ایجاد چشم‌انداز و امید به آینده بهتر در بین مردم کمک می‌کند و در نتیجه شجاعت عمل می‌آفریند. ما نیز وقتی برای از کف دادن نداریم

مردم و ابوزیوس

در چنین اوضاع بحرانی و آستانه حوادث مردم ایران و نیروهای سیاسی معتقد به مردم‌سالاری و دموکراسی از پراکندگی و سازمان‌نیافتگی رنج می‌برند و همین امر مانع اصلی یورش به سنگر استبداد فقاقتی است و حتی می‌تواند در شرایطی به عنوان عامل تقویت‌کننده جایگزینی شکل دیگری از استبداد به‌جای استبداد موجود عمل کند. امروزه اگر مردم اقدام به خیزش همگانی نمی‌کنند بدلیل همین سازمان‌نیافتگی و عدم وجود چشم‌انداز مناسب است. و باز به همین دلیل است که بخش قابل توجهی از مردم ایران چشم به خارج دوخته و امید به آمریکا بسته‌اند. در این شرایط حرکت در راستای اتحاد عمل سازمان‌یافته و طبق برنامه نیروهای سیاسی مردمی کمک موثری است به وحدت عمل مردم و در خدمت گذر کم‌دردتر و سریع‌تر از استبداد به دموکراسی قرار دارد. اتحاد عمل برای نیل به هدف اعتماد به نفس می‌آفریند و استفاده از تمام امکانات داخلی و خارجی را ممکن می‌سازد. حرکت بسیار امیدبخشی در این راستا با انتشار بیانیه اتحاد جمهوریخواهان آغاز شده که بیش از ۷۰۰ نفر از فعالین سیاسی مقیم خارج کشور آن را امضا کرده‌اند. ضمن تلاش برای تقویت آن و در راستای تقویت آن ایجاد جبهه وسیعی از احزاب و سازمان‌های سیاسی معتقد به مردم‌سالاری و جمهوریت، حول عام‌ترین و اساسی‌ترین خواست‌ها، مبرم‌ترین و فوری‌ترین وظیفه امروز است. اشتراکات فراوانی وجود دارد که اتحاد عمل حول آن‌ها و تبلیغ و ترویج آن‌ها به ایجاد چشم‌انداز و امید به آینده بهتر در بین مردم کمک می‌کند و در نتیجه شجاعت عمل می‌آفریند. ما نیز وقتی برای از کف دادن نداریم.

سر در اصلی دانشگاه راهپیمایی می‌کنند مردم همدان نیز (حدود ۵۰۰ نفر) در فاصله مهدیه میدان منتهی به دانشگاه تجمع می‌کنند. تحرک گروه‌های فشار به وضوح دیده می‌شود. حدود ساعت ۲ صبح نیروی انتظامی با حرکت به سمت جمعیت خارج دانشگاه سعی در متفرق کردن آنها می‌کند. موتورسواران انصار حزب‌الله نیز وارد محوطه دانشگاه می‌شوند و به دانشجویان حمله می‌برند. این نیروها که مجهز به زنجیر، چاقو و چوب بودند به شدت دانشجویان را مضروب می‌کنند. تا ساعت ۲/۴۵ صدای فریادهای دانشجویان در خوابگاه شنیده می‌شود. در این هنگام نیروی انتظامی وارد خوابگاه می‌شوند و بین گروه فشار و دانشجویان حائل می‌شوند. اما تا ۳۰ دقیقه بعد گروه فشار مانع ورود آمبولانس برای انتقال مجروحین می‌شدند.

گفتگوی رادیو فرانسه با صادق زیباکلام، داریوش همایون و فریدون احمدی

جنبش دانشجویان در ایران

*** صادق زیباکلام: من تصور نمی‌کنم که هیچ نکته خاصی در این حرکت وجود داشته باشد. خیلی مانده**

تا حکومت اسلامی تغییر کند

*** فریدون احمدی: این مساله که یک حرکت کوچک صنفی به فاصله چند ساعت تبدیل می‌شود به یک**

تظاهرات سیاسی با خواست‌های بسیار رادیکال، این یک وضعیت جدید است

*** داریوش همایون: جنبش دانشجویی یک بعد بسیار مهم خارجی دارد و آن این است که هم‌زمان**

شده است با افزایش فشارهای شدید آمریکایی‌ها بر جمهوری اسلامی

اشاره اخیرا رادیو بین‌المللی فرانسه گفتگویی با آقایان صادق زیباکلام، داریوش همایون و فریدون احمدی پیرامون وقایع اخیر دانشجویی انجام داد. متن این گفتگو را در زیر می‌خوانید. گفتگو توسط خانم فرنکیس حبیبی صورت گرفته است.

کستر از یک هفته است که محیط‌های دانشجویی در تهران و چند شهر دیگر، کانون یک حرکت اعتراضی شبانه هستند. اعتراضی که از خوابگاه دانشگاه تهران و با مطالباتی صرفا دانشجویی شروع شد ولی خیلی زود به طرح شعارهای سیاسی در جهت رد وضعیت موجود و استقرار دموکراسی کشیده شد و با واکنش خونسردی بارگارد و پیژو و ماموران امنیتی لباس شخصی روبرو شد. در زمینه‌ها و زمانه‌های این هفته در حضور آقایان صادق زیباکلام، استاد دانشگاه در علوم سیاسی در تهران، داریوش همایون، روزنامه‌نگار و رایزن حزب مشروطه‌خواهان و فریدون احمدی سردبیر نشریه کار و از مسئولین سازمان فدائیان خلق اکثریت می‌خواهیم به ویژگی‌های این حرکت اعتراضی دانشجویان و جهت آن نگاهی بیاندازیم.

*** آقای صادق زیباکلام اگر مایل باشید شما شروع بفرمایید. به نظر شما این حرکت دانشجویی که از سه‌شنبه شب آغاز شده یک حرکت عادی و شبیه حرکت‌های پیشین است، یا جنبه‌های تازه و بدیعی هم دارد؟**

*** صادق زیباکلام:** نه من تصور می‌کنم که هیچ نکته خاصی در این حرکت وجود ندارد. از قبل هم انتظار این می‌رفت که با نزدیک شدن به عیدم تیر و با توجه به حالت عمومی سیاسی که در دانشگاه‌ها ما، بالاخص دانشگاه تهران بوده دانشجویان دست به یک حرکت‌های این چنینی بزنند. مسئله گرفتن شمشیر برای دانشجویان و یا داوطلبانی که قرار است بعد از ظهر و عصرها به دانشگاه تهران بیایند، مستمسکی شده کار جلو بیاخته و فی‌الواقع در ابتدا شاید تا حدودی مسئولین غافلگیر شدند ولی ابعاد این که از بیرون بیایند و به تظاهرات بپیوندند را دست کم گرفته بودند. اما از شب‌های بعد نیروهای لباس شخصی و بسیج و این‌ها خیلی سازمان‌یافته تر سعی کردند کنند. بعلاوه شمار کسانی که از بیرون از دانشگاه می‌آمدند نه تنها کاهش نیافت بلکه رو به فزونی هم رفت. البته من در اینجا باید به نقش مثبت نیروی انتظامی اشاره بکنم که برخلاف ۱۸ تیر سال ۷۸، نیروی انتظامی حداقل تادیشپ خیلی خوب عمل کرده، یعنی سعی کرده که بی‌طرف باشد، سعی کرده که نگذارد دانشجویان و تظاهرکنندگان مورد ضرب و شتم زبانی قرار بگیرند. خودش از حمله به تظاهرات دانشجویان و دانشجویان خودداری کرده و تنها چیز مثبتی که می‌شد ذکر کرد عمل کرد پخته و معقول و سنجیده نیروی انتظامی تا به الان بوده.

*** فرنکیس حبیبی: ببخشید آقای زیباکلام خبرهای که تا به الان رسیده، البته الان شبیه شب هست. شب گذشته لباس شخصی‌ها و کسانی که اونیزم لباس‌های پلنگی داشتند به خوابگاه‌ها حمله کردند و تعداد زیادی را زخمی کردند.**

*** صادق زیباکلام:** این نه لباس شخصی‌ها و نه لباس پلنگی‌ها را به نظر من به این سادگی نمی‌شه که این‌ها رو جزو عوامل نیروی انتظامی به حساب آورد.

*** فرنکیس حبیبی: آقای فریدون احمدی اگر اشتباه نکنم، شما در فردای انقلاب ۵۷ جزو دانشجویان پیشگام بودید. اگر نه در رهبری. وابسته به سازمان چریک‌های فدایی خلق، شما چه ویژگی‌ها و چه تفاوت‌های میان حرکت‌های امروز دانشجویان و آن زمان می‌بینید؟**

*** فریدون احمدی:** بله درست است. من جزو رهبری سازمان پیشگام در آن زمان بودم و اتفاقا جزو سازمان‌دهندگان مقاومت سراسری دانشجویان در مقابل اولین یورش یک استبداد دینی در حال تثبیت. اگر اشتباه نکنم آن زمان آقای زیباکلام جزو ستاد انقلاب فرهنگی بودند. نخست در مورد ویژگی‌های وضعیت فعلی نسبت به قبل از آن. تفاوت‌ها جدی است. من فکر می‌کنم هم در جامعه هم در جنبش دانشجویی ما پارامترهای جدی جدیدی وارد عمل شده، و همین مسئله که یک حرکت کوچک صنفی به فاصله چند ساعت تبدیل می‌شود به یک تظاهرات سیاسی که خواست‌های بسیار رادیکال هم چون استقرار یک ساختار جدید سیاسی و علیه کلیت نظام را مطرح می‌شود، این یک وضعیت جدید است. جنبش دانشجویی هم نسبت به سال ۷۸ تفاوت اساسی کرده است که اکنون دیگر نگاهی به هیچ جناحی از حکومت نیست و امیدواری به هیچ یک از جناح‌های حکومت ندارد. و همچنین در جامعه، ما با وجود یک حالت التهاب مواجه هستیم. با تمام تلاشی که از طرف نیروهای انتظامی و امنیتی انجام گرفت که دامنه این حرکت را هر چه محدودتر نگه دارند، دامنه‌اش گسترش پیدا کرد و مردم

زیادی که منتظر تحولات جدی هستند به آن پیوستند. اما نکته‌ای در مقایسه با تحولات و وضعیت آن زمان جنبش دانشجویی، جنبش دانشجویی آن زمان وسیعا از دانشجویان سکولار تشکیل می‌شد. از دانشجویانی که در تشکلهای غیرمذهبی دانشجویی متشکل بودند و اکنون هم ما می‌رویم به این سمت که هرچه بیشتر جنبش دانشجویی ما، با توجه به این که جامعه ما به این سمت می‌رود که یک نظام لائیک دموکراتیک را در کشور مستقر بکند، ما شاهد رشد تشکلهای و سازمان‌یافته‌ای و گردهم آمدن عناصر و نیروهای سکولار در جنبش دانشجویی هستیم.

*** فرنکیس حبیبی: آقای داریوش همایون شما ضمن این که نظرتان را راجع به ویژگی‌های این حرکت دانشجویی می‌فرمایید، لطفا بگویید که واکنش حکومت را به این حرکت چه‌طور می‌سنجید؟ از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای و حجت‌الاسلام رفسنجانی گرفته تا سکوت آقای خاتمی و بالاخره واکنش خونسردی نیروهای امنیتی.**

*** داریوش همایون:** به نظر من جنبش دانشجویی بسیار بسیار فراتر است از یک حرکت صنفی. این حرکت خودجوش است ولی با توجه به شبکه ارتباطی وسیعی که دانشجویان هم برقرار کرده‌اند، سازمان‌دهی بسیار آسان است. البته یک نکته را باید در تایید آقای دکتر زیباکلام عرض بکنم و آن این است که نیروهای انتظامی به طور محسوسی فاصله می‌گیرند از این لباس شخصی‌ها و لباس پلنگی‌ها. و این تحول بسیار مثبتی است در جهت رسیدن به یک آینده کمتر خونبار و کمتر آلوده با هرج و مرج. اما جنبش دانشجویی علاوه بر عواملی که آقای احمدی فرمودند یک بعد بسیار مهم خارجی دارد و آن این است که هم‌زمان شده است با افزایش فشارهای شدید آمریکایی‌ها بر جمهوری اسلامی. و مسلما این حق مشروع دانشجویان است که از وضع رو به زخم و وخامت رژیم اسلامی استفاده بکنند و فشار را بر آن بیافزایند و کشورهای خارجی هم کاملا حق دارند که از این جنبش دموکراتیک و عرفی‌گرا در ایران حمایت بکنند. نه به صورت نظامی، نه به صورت مالی ولی به صورت سیاسی و اخلاقی. واکنش دستگاه حکومتی در برابر این جنبشی که از چهار سال پیش شروع شده و امسال تفاوت اساسی این هست که لایه‌های اجتماعی دیگری می‌پیوندند. کارمندان می‌پیوندند طبقه متوسط ایران می‌پیوندند و این بسیار بسیار برای رژیم خطرناک است و با یک معنای بزرگ این رژیم را روبرو کرده است که یا چنانچه که خامنه‌ای تهدید می‌کند یک میدان «تین آن من» ایرانی درست کنند و هزاران تن را به گلوله ببندند که در توان این حکومت نیست هر چند خامنه‌ای بگوید و یا مانند رفسنجانی هم تهدید بکنند و همه چراغ سبز به آمریکا نشان بدهند که ما همه چیز حاضریم به شما بدهیم، دست از سر ما بردارید. ولی این واکنش‌ها به جایی نخواهد رسید. من تصور نمی‌کنم که چه مردم ایران بویژه دانشجویان و چه نیروهایی که در بیرون با جمهوری اسلامی درگیر هستند، امیدی به بقای این حکومت داشته باشند و هیچ انگیزه‌ای برای کنار آمدن با آن.

*** فرنکیس حبیبی: آقای زیباکلام در زمینه واکنش به اصطلاح جامعه سیاسی، یعنی نیروهای سیاسی نهادینه‌شده یا محافل سیاسی یا خانواده‌های سیاسی که مثلا قبلا در جریان رویدادهایی مثل قتل‌های زنجیری‌ای یا واقعه کوی دانشگاه در ۱۸ تیر فعال بودند، سخنرانی می‌کردند. بیانیی می‌دادند در دانشگاه و رسانه‌ها حضور داشتند، امروز یک نوع بهت‌زدگی یا سکوت یا انفعال دیده می‌شود. این واقعیت دارد یا من اشتباه می‌کنم؟**

*** صادق زیباکلام:** ببینید واقع مطلب این هستش که جریان‌های سیاسی نهادینه‌شده که

را هم نادیده نیانگارند. ما در ایران یک سابقه مستند مبارزات دانشجویی داشتیم و آنچه که الان وجود آمده این هست که نسل سوم انقلاب یک سرخورگی‌ها و ناراضی‌هایی نسبت به عملکرد مسئولین، حالا چه محافظه‌کاران، چه اصلاح‌طلبان بوجود آمده. من فکر می‌کنم ما خیلی آقای همایون فاصله داریم به این که کار نظام جمهوری اسلامی را تمام‌شده بدانیم و برویم سراغ این که خوب حالا بدیش چس می‌شود، ال‌ترناتیوش چس می‌شود. نکته دومی که برخلاف آقای احمدی که به نظر می‌رسد اصلا نگران این مسئله نباشند که حالا آمریکایی‌ها در چه حد و حدودی دارند از این جنبش و از این اعتراض پشتیبانی می‌کنند. اتفاقا آقای احمدی برای دانشجویان و برای کسانی که می‌پیوندند و سعی می‌کنند که پیوندند به این جنبش، این مسئله که انگ امریکایی بهشون نخورد اتفاقا براشون خیلی مطرح است. اتفاقا این‌ها دقت دارند که این حرکت خودشون رو اصیل و غیروابسته به جریان‌های خارج از کشور بدانند.

*** فرنکیس حبیبی: ببخشید آقای زیباکلام یک دغدغه اساسی دیگر هم وجود دارد و آن این که دانشجویان یک سری خواست‌ها را از سال‌ها پیش با خودشان حمل کردند و این خواست‌ها ارضا نشده.**

*** صادق زیباکلام:** درست است اتفاقا من با تمام وجود می‌توانم اعتراض دانشجویان را، امیال و آرزوهای برهادر رفتشون رو ظرف ۶-۵ سال گذشته را که اصلاح‌طلبان بودند را ببینم. شب اول و شب دوم تظاهرات، اتفاقا این قدری که علیه آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان شعار بود علیه محافظه‌کاران شعار نبود. و شاید همین قابل فهم است برای این که می‌گویند خوب از محافظه‌کاران که ما انتظار و توقع ما بود که در جهت اصلاح‌طلبان انتظار و توقع ما بود که در جهت بازکردن فضای سیاسی، در جهت حل و فصل مسائل اقتصادی، حرکت بیشتر، حرکت گسترده‌تری را داشته باشند و نکرده‌اند.

*** فرنکیس حبیبی: آقای احمدی لطفا راجع به سمت و سویی که این حرکت به نظر شما خواهد گرفت صحبت کنید.**

*** فریدون احمدی:** ببینید، از خصلت‌های جنبش دانشجویی همیشه فراز و فرود آن بوده است و ما نباید این انتظار را داشته باشیم که یک حرکت دانشجویی آغاز می‌شود، همچنان تداوم و گسترش پیدا می‌کند، اوج می‌گیرد و به یک نقطه تعیین‌کننده در رابطه با کل جامعه می‌رسد. ما در سالگرد ۱۸ تیر با فرازهای جدیدی روبرو خواهیم شد. ولی بر اساس التهاب عمومی که در کل جامعه وجود دارد برخلاف گذشته آقای زیباکلام جامعه ما ایستند تحولات جدی هست و ربطی به خارج کشور و داخل کشور ندارد. در پرتو حاشیه هم بگویم صادق زیباکلام را دیدم، من در زندان از فعالین داخل کشور بودم و ایشان از خارج از کشور آمده بودند و آقای همایون هم وزیر بودند.

*** داریوش همایون: من ۵۳ وزیر نبودم ولی خوب به هر حال**

*** فریدون احمدی: در حکومت بودید.**

*** داریوش همایون: نه در حکومت هم نبودم.**

*** فریدون احمدی:** ده سال بعد صحنه عوض شد. من مخفی بودم. آقای زیباکلام در حکومت و آقای همایون در خارج از کشور و حالا وضعیت فعلی و بینیم چه خواهد شد. من فکر می‌کنم که موضوع این نیست از خارج نسبت به وضع ایران ذهنیت وجود داشته باشد و دور از عینیت باشد. جامعه ما ملتهب و آستان تحولات جدی است. حرکت‌های دانشجویی به مثابه جرقه‌هایی برای تداوم و گسترش این حرکت‌ها تاثیرات تعیین‌کننده و جدی خواهند داشت و ما می‌رویم به این سمت که در مجموع، شاید نه در آینده دو سه ماه آتی ولی در آینده‌ای نه چندان دور با اوج‌گیری جنبش‌های اجتماعی وسیع و جنبش‌های دانشجویی

*** فرنکیس حبیبی: آقای داریوش همایون شما لطفا بفرمایید که تحول حرکت کنونی جوانان و دانشجویان را چه طوری می‌بینید؟**

*** داریوش همایون:** مسلم است که کار جمهوری اسلامی هنوز به پایان نرسیده است ولی دست کم از چهار سال پیش این‌ها فرآیند شروع شده است. همان طور که آقای دکتر هم اشاره کردند، دانشجویان و جوانان هم از جناح اصلاح‌طلب حکومت سرخورده‌اند و هم از جناح انحصارگر. هیچ راهی جز تغییر این رژیم برای این مردم نبوده است. و این را نمی‌شود به زور نیروهای پلنگینه‌پوش، انتظامی و بسیجی حفظ کرد. ولی عامل فشار خارجی هر چند ما بخواهیم با تبلیغات انحرافی، بد جلوه بدهیم. بگویم جنبش دانشجویی، جنبش مردم ایران دست نشانده و وابسته آن فشارهاست، ابتدا خود این مردم بهتر از همه مصلحت خودشون را می‌دانند.

انکار کند، هم چنین هسگان از تاثیر تبهیچی رسانه‌های فارسی‌زبان لوس آنجلس که گفته می‌شود با کمک مالی آمریکا فعال شده سخن می‌گویند. صرف نظر از قضاوتی که هر کس می‌تواند در باره کیفیت این برنامه‌ها داشته باشد. شما به عنوان یک مرد سیاسی مشروطه‌خواه که با این رسانه‌ها سر و کار دارید، فکر نمی‌کنید که ارتباط با حرکت دانشجویی تنها از طریق این رسانه‌ها می‌تواند نتایج غیرقابل پیش‌بینی به همراه داشته باشد.

*** داریوش همایون:** بستگی به کیفیت این رسانه‌ها و پیامشان دارد. این هم که این رسانه‌ها به کمک آمریکا رانداندازی شده درست نیست. من با این رسانه‌ها آشنا هستم. با مسائل مالی‌شان آشنا هستم به هیچ وجه این طور نیست. آمریکا نمی‌تواند مخفیانه به کسی کمک کند و تازه یک سناتور آمریکایی پیشنهاد کرده است که ۵۰ میلیون دلار برای کمک به مبارزه برای دموکراسی در ایران، در بیرون ایران تخصیص داده شود که ما در دیدارهایمان با مقامات آمریکایی و با خود آن سناتور تأکید کردیم که مبادا باز صحبت پول به میان بیاید و این ۵۰ میلیون را حتما بردارند و به کسی ندهند برای اینکه ما نیازی به آن نداریم و ما فقط پشتیبانی اخلاقی و سیاسی از لحاظ ملت ایران عرض کردم می‌خواهیم. و پیام‌هایی که از خارج می‌رسد، قسمت عمده‌اش، بسیار نقش سازنده‌ای دارد در ایران و باید ما پشتیبانی بکنیم و اگر این وسیله نمی‌بود، مردم در ایران با تنگناهایی که روبرو هستند و فشارهایی که زیرش هستند، نمی‌توانستند به این صورت اراده خودشان را ابراز بکنند. آنچه که در سخنان آقای احمدی برای من جالب توجه بود، غیر از مطلبی که در باره پادشاهی گفتند که هم در تعبیر اشتباه بود، هم احتمالا در بخش خودآاران پادشاهی برای این که جایی در سیاست آینده ایران داشته باشند، نظر ایشان است که ما می‌توانیم اختلاف داشته باشیم. آن نکته این است که بیم از قوت گرفتن هواداران پادشاهی، سبب نشده است که سازمان ایشان از دانشجویان پشتیبانی نکند. این بسیار تحول درستی است، مثبتی است و ما باید این ملاقات‌ها را که کمک جریان سیاسی زمینه بهتری در ایران خواهد یافت در درجه دوم قرار بدهیم. و در درجه اول اهمیت به پیشبرد مبارزه مردم ایران پردازیم. برای این که این مبارزه مبارزه درستی است. برای آزادی است. برای دموکراسی است، برای حقوق بشر و جامعه مدنی است. برای جامعه عرفی‌گراست. اگر این مبارزه به نتیجه برسد که من مطمئن هستم که می‌رسد نشانه این است که یک نیروی عظیم اجتماعی پشت سر این شعارها این فریادها بسیج شده است و آن نیروی اجتماعی اجازه نخواهد داد که در آینده پس از جمهوری اسلامی یا پادشاهی مطلقه، سلطنت مطلقه در ایران برقرار بشود، یا جمهوری دیکتاتوری، جمهوری موروئی جمهوری مادام‌العمر که سرانجامش هم دیکتاتوری نظامی است.

*** فرنکیس حبیبی: آقای داکتر زیباکلام به نظر شما این حرکت چه سرروشی خواهد یافت، طی روزها و هفته‌های آینده؟**

*** صادق زیباکلام:** یکی از مشکلاتی که وجود دارد، حتی زمانی که ما خودمون هم علیه رژیم مبارزه می‌کردیم همیشه این نقطه ضعف برای اپوزیسیون خارج از کشور وجود دارد که یک حرکت اعتراضی را خیلی بیش از آنی که در عمل ظرفیتش بوده بزرگ بکنند و برسند به جایی که خوب دیگر کار تمام شده و تنها نکته‌ای که مانده، این است که باید الان پشتیبانی شکل آینده حکومت ایران را تعیین بکنیم. من تصور می‌کنم که باید آقایون و خانم‌هایی که در خارج از کشور هستند یک مقدراری این حرکت‌ها را واقعا آن قدر که در عمل بوده ببینند و گاه را بی‌خود برای خودشون کوه نکنند و کوه

شامل محافظه‌کاران از یک سو و اصلاح‌طلبان و لایه‌های درون اصلاح‌طلبی از سوی دیگر می‌شود. بسایستی بگویم که جریان محافظه‌کاران خوب تکلیفشون کم و بیش با این جنبش روشن است. بخش‌های تندروی آن خواهان یک جور رویارویی خیلی رادیکال و خیلی قاطع با این حرکت هستند. اما بخش‌های معتدل تر دلشان می‌خواهد که بدون این که برخورد به خونسردی کشیده شود، به تدریج مسئله فیصله پیدا بکند. اما جریان‌های اصلاح‌طلبی یک مقداری در شرایط خیلی بدی قرار گرفته‌اند. از یک سو با دانشجویان همراه هستند. هم‌در هستند. اما مشکلی که بوجود آمده که چرا رهبران برجسته دوم خرداد ظرف قریب ۵ روز گذشته ساکت بودند. یک دلیل این هست که در یک وضع بدی قرار گرفتند. به این معنا که با توجه به این که سلطنت‌طلب‌ها و آمریکایی‌ها به شدت دارند از این جنبش پشتیبانی می‌کنند، اصلاح‌طلبان نمی‌توانند راحت بیایند و بگویند که ما این حرکت را تایید می‌کنیم. برای این که آن وقت میرزاشان با سلطنت‌طلبان و دیگر کسانی که خواهان براندازی نظام هستند مخدوش می‌شه. اگر هم ساکت بشینند، آن وقت هم مورد بی‌مببری بیشتر دانشجویان و اقبشار جوان جامعه ایران می‌شوند. بنابراین طرف یکی دو روز آینده ما شاهد این خواهیم بود که اصلاح‌طلبان سعی می‌کنند مثل آن بنده‌زانی که روی طاب حرکت می‌کنند شکل خیلی حساسی را سعی می‌کنند شکل بدهند.

*** فرنکیس حبیبی: آقای فریدون احمدی این طور به نظر می‌رسد که نیروهای سیاسی سابقه‌دار خارج از حکومت که به وضع موجود معترض هستند ولی نمی‌خواهند با سیاست آمریکا در باره ایران هم‌سویی داشته باشند واهمه دارند که در صورتی که وارد این جنبش بشوند، نسبت هم‌سویی با آمریکا یا احيانا نیروهای هواخواه سلطنت به اون‌ها زده شود. این تناقض را چطور باید حل کرد، به نظر شما؟**

*** فریدون احمدی:** ببینید این پدیده، پدیده جدیدی نیست. نسبت دادن حرکت‌های اعتراضی و جنبش‌های بخش‌های مختلف مردم به بیگانگان، به آمریکایی‌ها، و همچنین باید بگویم به نظر من در زمینه نقش و خطر سلطنت اغراق‌های بسیار جدی صورت می‌گیرد. سلطنت دیگر در ایران احياشدنی نیست. فکر می‌کنم حتی قدرت‌های جهانی هم به این نتیجه رسیده باشند و یا برسند که در ایران وقتی که به نفی اراده ولی فقیه، نفی اراده یک فرد، و رای اراده آزاد و انتخابی مردم می‌رسند، هر شکل دیگر کسب امتیاز و حقانیت را، چه از جانب خدا باشد، چه حقانیت بر مبنای یک رسالت تاریخی باشد، آن گونه که در ذهن بخشی از چپ‌های سنتی بود. و چه حقانیت از طریق ارث و دودمان باشد، همچون سلطنت، جامعه به آن حد از پیشرفت فکری رسیده که هر شکل از این نوع اراده‌ها و رای اراده آزاد مردم را رد کنند. بنابراین این خطر نه جدی است، نه این اتهامات واقعی است و گروه‌های سیاسی خارج از نظام، آن‌هایی که به نظر من چسبندگی و یزدادی به حفظ بخشی از نظام ندارند، این دغدغه را ندارند که از حرکت‌های دانشجویی دفاع بکنند و واهمه‌های داشته باشند که حرکت آن‌ها و پشتیبانی آنها به هم‌سویی با آمریکا نسبت داده شود. به طور مثال در سازمان ما، بلافاصله ما از طرف رهبری سازمان اطلاعیه دادیم، از حرکت دانشجویان حمایت کردیم. به سهم خود فراخوان دادیم که تلاش شود که به نوعی بتواند این حرکت با حرکت‌های بخش‌های دیگر مردم، با حرکت‌های کارگران، جوانان، جنبش زنان و به جنبش بخش‌های دیگر اجتماعی پیوند بخورد.

*** فرنکیس حبیبی: آقای داریوش همایون، فکر نمی‌کنم که کسی تاثیر سیاست‌های آمریکا در منطقه و بویژه در عراق را در تحولات ایران**

به مناسبت بزرگداشت تولد «بابک خرم‌دین» قهرمان ملی آذربایجان و مردم ایران!

ماشاءالله سلیمی

در آستانه برگزاری جشن بزرگداشت تولد «بابک خرم‌دین» قهرمان ملی آذربایجان و مردم ایران که بیش از ۲۰ سال تمام مبارزه مردم آذربایجان را علیه استیلای خلفای عباسی (۸۱۵ تا ۸۳۷) در قلعه «بذ» واقع در نزدیکی کلبر، رهبری کرد قرار داریم. (این مراسم از ۷ تیر تا ۱۴ تیر ماه برگزار خواهد شد).

امسال نیز مثل هر سال مردم از اطراف و اکناف ایران و بویژه مجموعه آذربایجان خود را برای بزرگداشت قهرمان ملی خویش آماده می‌نمایند. تجمع صدها هزار نفری مردم و سرودها و شعارهای آن‌ها که عمدتاً دارای مضامین رفع ستم ملی و ضد حکومتی هستند، نمایندگان امروزین خلفای عباسی یعنی مامون و معتصم را که تحت نام جمهوری اسلامی بر کشور ما حکمرانی می‌کنند، مثل هر سال به واکنش برخاسته و واکنش داده است.

این روزها مطبوعات رژیم، بویژه روزنامه جمهوری اسلامی و نیز آیت‌الله‌های ریز و درشت به سم‌پاشی‌های خویش علیه این قهرمان بزرگ تاریخ کشور شدت بیشتری بخشیده‌اند.

علاوه بر این طبق اخبار واصله مقام‌های امنیتی منطقه برای جلوگیری از برگزاری هر چه باشکوه‌تر آن، به همه آژانس‌های مسافرتی دستور داده‌اند که از تاریخ ۱۳۸۲/۴/۱۰ حق برقراری سرویس‌های مسافرتی به این منطقه را ندارند.

راستی چرا رژیم جمهوری اسلامی از بزرگداشت قهرمان ملی کشورمان که نزدیک به ۱۲ قرن پیش می‌زیسته این همه واژه دارد؟ و با تمام قوا سعی دارد جلوی آن را بگیرد. (نهادهای محلی وابسته به حکومت تصادفاً از این قاعده مستثنی هستند).

سعی می‌شود به برخی از مهمترین این دلایل پرداخته شود:

۱- بابک خرم‌دین از همان جوانی در هرانی و نیز تحت رهبری جوانشیر پیمانگذار و رهبر جنبش آزادی‌خواهانه مردم آذربایجان علیه استیلای خلفای مسلمان عرب به پا خواست و بعد از کشته شدن جوانشیر جانشین وی گشت و رهبری جنبش «خرم‌دینان» یا «سرخ‌جامگان» را به دست گرفت و از این پس تا روز کشته شدنش پرچمدان مبارزه علیه استیلای خلفای عباسی در راه آزادی، استقلال و عدالت بود. علاوه بر این خرم‌دینان و یا سرخ‌جامگان با نامیدن خویش به این نام مبارزه فرهنگی‌ای را شروع کردند که نسبت به فرهنگ باستانی مردم کشورمان در بسیاری جهات عقب‌مانده بود. در فرهنگ حاکم‌شده جدید، خلیفه حاکم بر مال و جان مردم کشورمان بود و از آنجا که خلفا نمایندگان خدا در روی زمین بودند، اعتراض به خلفا و مبارزه علیه ظلم و ستم آن‌ها به مثابه «مجاربه با خدا» محسوب می‌شد.

بابک خرم‌دین در آن سکوت مرگبار، پرچم مبارزه را برافراشته نگاه داشته و مبارزه مردم علیه ظلم ارتجاعی مستقرشده را رهبری کرد. مگر غیر از این است که امروز نیز در قانون اساسی، مبارزه علیه جمهوری به معنای مجاریبه با خداست. از این رو بزرگداشت «بابک خرم‌دین» یعنی ارج‌گذاری به مبارزه‌ای است که هم اینک در کشور ما علیه حاکمیت فقها جریان دارد و این بزرگداشت اراده مردم کشور ما را جهت تعویض رژیم محکمتر می‌کند.

۲- مبارزه «بابک خرم‌دین» برای نجات آذربایجان و ایران از استیلای خلفای عباسی الهام‌دهنده مبارزه کسانی است که می‌خواهند به ستم‌های مضاعف ملی پایان داده شود. نگاهی بر برخی شعارهای مطرح شده در تجمع صدها هزار نفری در سال گذشته بهترین دلیل اثبات این امر است.

«ای بابک از دست خلفای زمانه به تو پناه آورده‌ایم» (ترجمه از نواز ویدیونی). «حقوق بشر را محترم شمارید»، «مردم برای پاسداری از حقوق ملی و انسانی به اعتراض علیه استبداد و دیکتاتوری به پا خواسته‌اند» و «ملت‌ی که قهرمانانش را فراموش کند، محکوم به سوگری

بیگانگان است» (نقل از تریبون). مگر غیر از این است که در کشور فقیه‌زده ما نه تنها تلاش می‌شود قهرمانان واقعی کشور ما از خاطرها محو گردد، بلکه تقریباً فقط تولد الفاطمه‌ها، الزهراها، الحسین‌ها، علی‌اصغر‌ها، الزینب‌ها و علی‌اکبرها و... است که به طور رسمی و با صرف هزینه‌های گزاف از سوی حکومتیان برگزار می‌شود و نیز برای شناختن زوایای شخصیتی آن‌ها، کنگره‌ها، کنفرانس و سیمینارهای رنگارنگ با شرکت شکم‌چرانان ریش و پشم‌دار از اقصی نقاط جهان نظیر بورکیوفاسو، عربستان، سوریه، لبنان و... با صرف میلیون‌ها دلار صرف می‌شود.

و امروزه گرچه از فوت این «شخصیت‌های بزرگ» بشریت بیش از ۱۳۰۰ سال می‌گذرد. اگر بخت برگشتن در آن روز شادی کند، و گزیده‌های رژیم متوجه شود، بسی شک دچار عقوبت الیم می‌شود.

بزرگداشت تولد «بابک خرم‌دین» یعنی بزرگداشت مبارزه علیه این همه بدعت‌های ارتجاعی ضد ملی.

۳- شرکت صدها هزار نفری هر ساله مردم در این قلعه، تقریباً سبب بوجود آمدن یک منطقه تقریباً آزادشده‌ای به مدت یک هفته می‌شود. طی این هفته در یک گوشه صدای دلنشین ساز و آواز عاشق‌ها و رقص جوانان ام از دختر و پسر در گوشه دیگر شعرخوانی در جای دیگر سخنرانی به گوش می‌رسد. گویی «بابک خرم‌دین» نمایندگان امروزین خلفای عباسی را وادار کرده است که یک هفته نتوانند اوامر اربابان گریه و زاری و جهالت را اجرا کنند. و به همین «شادی» و از آن مهمتر «ابراز بیرونی شادی» از ویژگی بسیار برجسته این بزرگداشت می‌باشد و این آن چیزی که حکام گریه‌پرست و عبوس اسلامی را خوش نیاید.

۴- شرکت مردم از اقصی نقاط کشور (بویژه دانشجویان با ملیت‌های مختلف) در این مراسم یک نوع هم‌بستگی و هم‌فکری بین خلق‌های مختلف ایران به وجود می‌آورد. تداوم این امر می‌تواند زمینه‌ساز اتحاد محکم‌تر خلق‌های ایران در راه آزادی از قید حکام مستبد گردد. در عین حال ضروری است از رشد به شدت منفی و زیانبار یک پدیده در این مراسم نام برد و آن این است که هر سال محافل سعی می‌کنند زیر نام بزرگداشت تولد «بابک خرم‌دین» تخم کین و نفرت را در بین ملت‌های مختلف ایران، بویژه ملت آذربایجان و ملت فارس دامن بزنند. به عنوان مثال در مراسم پارسمال حدوداً یک جمعیت ۱۰۰ نفری ضمن نشان دادن علامت «سوزقورد» یعنی سرگس خاکستری یا دست‌هایشان، آوای گرگ را سر داده بودند که گرچه آذربایجان ایران، هرگز سمبلی خاص نبوده، اما همه ما واقف هستیم که «سوزقورد» یا همان سرگس خاکستری علامت گروهی از ترسک‌های ترکیه است که چندین فرقی با فاشیست‌ها ندارند و در خود ترکیه نیز مورد تفرق و کثرت مطلق جامعه هستند. و جنایات و پلیدی‌های آن‌ها زیانبار خاص و عام است.

انتظار از برگزارکنندگان این بزرگداشت این است که با هوشیاری و احساس مسئولیت بیشتر نسبت به این گونه پدیده‌ها حساس باشند تا بتوانند حد تأثیر چنین برخوردهایی را کم‌رنگ‌تر کنند.

بگذار با بزرگداشت تولد قهرمان ملی و تاریخی‌مان، هم‌چنان مسنادی به‌زیستی، خوشبختی و آزادی همه ملیت‌های کشورمان باشیم و با هم و در کنار هم با برپایی جمهوری دموکراتیک فدرال که در آن حقوق همه ملیت‌ها به رسمیت شناخته خواهد شد، شرکت جویم.

برگزاری مراسم بزرگداشت «بابک خرم‌دین»، امسال در شرایط کاملاً خودویژه‌ای صورت می‌گیرد. دانشجویان و مردم کشور ما در بسیاری از شهرهای ایران ۱۰ روز متوالی علیه رژیم جمهوری اسلامی بپا خواستند. امروز علیرغم ایجاد آرامش نسبی در اثر زور سرنیزه و زنجیر و گلوله نیروی انتظامی و بویژه انصار حزب‌الله، جامعه ما آستان حوادث جدی است، در این

مسیر برگزاری این مراسم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو ضمن ارج‌گذاری به عظمت کار برگزارکنندگان این مراسم صدها هزار نفری هشیاری و آمادگی هر چه بیشتر آن‌ها را برای مقابله با حوادث غیرمترقبه و غیرقابل پیش‌بینی، آرزو می‌کنیم و انتظار این است که آن‌ها بتوانند مراسم را در مسیر هدایت کنند که سبب پیوستگی هر چه بیشتر این جنبش با جنبش سراسری مردم ایران برای استقرار جمهوری دموکراتیک فدرال گردد.

وزش نسیم اروپائی در ترکیه

تصویب اصلاحات تاریخی در مجلس این کشور

مجلس ملی ترکیه با در هم شکستن چند تابوی سیاسی دیگر گامی تاریخی در مسیر اتحادیه اروپا برداشت

علی بیگلر

مالکیت جماعات دینی می‌باشد ۱۸ ماه افزوده شد.

فراشمول بودن قوانین اتحادیه اروپا بر قوانین ملی ترکیه

با انجام تغییراتی در قانون اصول قضایی اداری گامی به پیش در باره احکام قطعی شده در دادگاه حقوق بشر اروپا برداشته شد. با این تغییرات راه فرجام‌خواهی و بررسی دوباره پرونده‌هایی که دادگاه حقوق بشر اروپا با حکم قطعی به ترکیه برمی‌گرداند در سیستم قضایی ترکیه باز می‌شود.

تضمین حق حیات نوزادان و نام خانوادگی کودکان محصول خارج از ازدواج

در قانون جزا مجازات قتل نوزاد توسط مادر با ساقه نجات شرافت خویش و قواعد اخلاقی از ۶ تا ۱۰ سال حبس به ۸ تا ۱۲ سال زندان افزایش یافت. همچنین بعد از این کودکان غیر مشروع نام خانوادگی مادران خود را خواهند داشت.

لغو تخفیف برای قتل‌های ناموسی

با قبول قانون جدید کاهش مجازات و تخفیفی که در مورد قتل‌های ناموسی و یا ناشی از رسومات (قتل افراد توسط شوهر برادر و یا خویشاوندان نزدیک در حین زنا و یا رابطه جنسی غیر مشروع) صورت می‌پذیرفت لغو شد. طبق قانون جدید اینگونه قتل‌ها نیز مشمول «عامل عمومی تحریک‌کننده» بوده مانند جرائم دیگر ارزیابی خواهند شد. (طبق قانون قبلی قتل‌های ناموسی و یا رسوماتی به علت وجود عامل ویژه تحریک‌کننده به یک هشتم کاهش می‌یافت. اکنون حکم اعدام به حبس ابد و حکم حبس ابد به حبس ۲۴ ساله کاهش داده خواهد شد).

ممنوعیت صدور حکم اعدام و اجرای آن

همزمان با پاکت هماهنگی، کمیسیون روابط خارجی مجلس ترکیه «پروتکل لایحه قانونی در باره ضمیمه شماره ۶ قرارداد اروپایی حفظ حقوق بشر و آزادی‌های انسانی دایر بر لغو مجازات اعدام» را قبول نمود. طبق بند اول این ضمیمه نمی‌توان کسی را به اعدام محکوم و یا اعدام نمود. (استثنای موجود در بند دوم پروتکل چنین است: هر دولت در مورد فعالیت‌هایی که در زمان جنگ و یا وجود تهدید قریب‌الوقوع جنگ، انجام شود می‌تواند مجازات اعدام را پیش‌بینی نماید. اینچنین مجازاتی منحصر در مواردی که در قانون مشخص گردیده‌اند قابل اجراء است. اینگونه دولتها می‌بایست حکم‌های قوانین مذکور را به دیر کل شورای اروپا تبلیغ نمایند). این لایحه با انجام تغییراتی در «قوانین حقوق جزایی نظامی» و «قانون اصول تاسیس و قضاء دادگاه‌های نظامی» مجازات اعدام در قوانین نظامی که در قانون اساسی پیش‌بینی نشده‌اند را نیز لغو می‌نماید.

برگرفته از سایت اینترنتی اخبار روز

اصلاحات سیاسی تقدیر شده است. در همین گردهم‌آیی در اقدامی غیرمنتظره و برای نخستین بار یکی از اسناد رسمی اتحادیه اروپا متن پیشنهادی قانون اساسی اروپا به زبان ترکی انتشار یافت (متون رسمی اتحادیه اروپا فقط به زبان‌های کشورهای عضو انتشار می‌یابد) و از ترکیه به همراه رومانی و بلغارستان برای شرکت در کنفرانس شکل‌دهی قانون اساسی اروپا دعوت به عمل آمد.

برخی از نوآوری‌های قانون جدید

آزادی تبلیغات تجزیه‌طلبانه

ماده هشتم قانون مبارزه با تروریسم که در مورد تبلیغات تجزیه‌طلبانه بود، لغو شد. پس از این، ابراز اندیشه‌های جدائی‌خواهانه در مورد مسئله قومی در ترکیه که جدی‌ترین مشکل این کشور بشمار می‌رود آزاد خواهد بود. همچنین علاوه بر قضات به دادستان‌ها نیز صلاحیت تیرنه و آزادسازی کسانی که پیشتر از ماده محدودکننده شمول ترور

و تعریفی نو از ترور تروریستی

قانون جدید تعریف نوی از ترور می‌کند. بنابه این تعریف از این پس تعاریف مبهمی مانند «فشار معنوی» عنصر اصلی در تعریف ترور نبوده و نمی‌تواند مبنای محکومیت فرد به جرم ترور قرار گیرد. فشار، ارعاب، تهدید، اجبار و ترساندن، تنها در صورتی که به شکل و همراه با کاربرد روش‌های «خشونت‌آمیز» و «قهرآمیز» باشند جرم ترور شمرده می‌شوند. همچنین عبارت «هر نوع فعالیت» در ماده پیشین جای خود را به «هر نوع فعالیتی که جرم شناخته می‌شود» داد. بر این اساس فعالیت‌های قهرآمیزی که قانوناً جرم شناخته نمی‌شوند بطور اتوماتیک نمی‌توانند ترور شناخته شوند. از «گروه» نیز تعریف جدیدی به شکل «تجمع دو نفر یا بیشتر از آن، با هدف اجرای جرم ترور که فوقاً تعریف گردید...» ارائه شده است.

تنظیمات جدید در بخش

برنامه‌های رادیو تلویزیونی به کردی

به منظور رفع تردیدها و جلوگیری از ایجاد انحصار علاوه بر رادیو تلویزیون دولتی ترکیه، بخش برنامه‌های کردی از رادیو و تلویزیون‌های خصوصی نیز آزاد و بنیاد عالی رادیو تلویزیون ترکیه، در عرض چهار ماه پس از تصویب این قانون موظف به تهیه آیین‌نامه‌های مربوط به انتشار و بازرسی این برنامه‌ها گردید.

رفع محدودیتها بر نامه‌های کردی

با انجام تغییراتی در ماده ۱۶ قانون ثبت احوال، محدودیت‌های موجود در مورد اسامی کردی لغو شد. بنابه قانون جدید تنها محدودیت باقی‌مانده در نامگذاری کودکان، «نام‌های مغایر با اصول اخلاقی و نام‌هایی که وجدان عمومی را آزرده می‌سازند» تعیین شده است.

خلع ید از شورای امنیت ملی در میزبند

با انجام تغییراتی در قانون آثار سینمایی، ویدئو و موسیقی علاوه بر خارج شدن نماینده شورای امنیت ملی از نهاد میزبند، آثار هنری مذکور از این پس تنها از زاویه سفایریت با قانون اساسی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

تاسیس پرستشگاه، کلیسا، کنیسه

مهلث اضافی به جماعات مذهبی

در استانها شهر ستانها و قصبه‌ها پس از کسب اجازه از بالاترین مقام مسلکی محل، تاسیس عبادتخانه‌ها آزاد اعلام گردید. این حکم با جایگزین کردن کلمه «پرستشگاه» به جای «مسجد» در قانون قبلی، راه تاسیس عبادتخانه‌های دیگر مانند کلیسا و کنیسه را نیز که قبلاً با محدودیت‌هایی مواجه بود گشود. با افزودن شدن ماده جدیدی به قانون آبادانی، هنگام آماده‌نمودن طرح توسعه شهری احداث پرستشگاهها نیز پیش‌بینی خواهند شد. با انجام تغییراتی در قانون اوقاف به مهلت قانونی موجود برای ثبت اوقاف غیر منقولی که در

ارکان مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دو هفته یکبار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

سردبیر

فریدون احمدی

شورای سردبیری

داراب شکیب

محمود صالحی

● استراژی سولانا

خاویر سولانا، رئیس بخش سیاست خارجی اتحادیه اروپا طرح استراتژیکی با نام «اروپای مطمئن در دنیایی بهتر» را تهیه و به نشست سران ارائه داد.

سولانو در این طرح ۴ خطری که امنیت اروپا و جهان را تهدید می کند به تصویر می کشد:

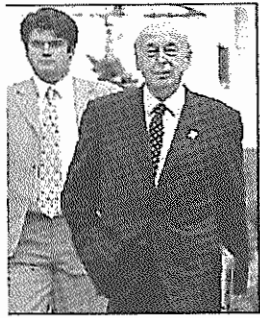
- تروریسم بین المللی؛
 - سلاح های کشتار جمعی؛
 - فروپاشی دولت ها؛

- فقر فزاینده و رواج بیماری هایی مثل ایدز و مالاریا.

سولانا معتقد است برای مقابله با خطرات آینده باید اولین «خطوط دفاعی» در خارج از مرزهای اروپا استقرار یابند و در مورد بحران ها باید سیاست «پیشگیرانه» اعمال گردد. او اهداف استراتژیکی اروپا را اینگونه ترسیم می کند:

- به نفع اروپاست که دولت های خوب و با ثبات در همجواری مرزهایش وجود داشته باشند.

- به نفع اروپاست که سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل، سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSZE)، سازمان تجارت جهانی (WTO) و تریبونال بین المللی تقویت شوند و همکاری با آسه آن (در آسیا) و مرکوزور (آمریکای لاتین) گسترش یابد.



● پیش نویس قانون اساسی

پس از ۱۶ ماه بحث و بررسی در مجمع تدوین قانون اساسی که نمایندگان ۲۸ کشور در آن حضور داشتند، پیش نویس آن تهیه و توسط رئیس مجمع «والری ژیسکار دستن» به نشست سران ارائه شد.

در صورت تصویب این سند تغییرات ساختاری عمده ای در تشکیلات اتحادیه اروپا صورت می گیرد که در آن بجای ریاست دوره ای یک رئیس تمام وقت و یک وزیر امور خارجه پیش بینی شده است.

این پیش نویس در ماه اکتبر سال جاری در کنفرانس دولت های اتحادیه بررسی خواهد شد و در بهار آینده پس از آنکه ده عضو جدید در روز اول ماه مه به اتحادیه پیوستند، مراحل نهایی خود را طی خواهد کرد و به امضا خواهد رسید.

کاستاس سیمیسیس تصویب پیش نویس توسط سران اتحادیه اروپا را مهم ارزیابی کرده و از این روز بعنوان روز یکپارچگی اتحادیه اروپا نام برد.

اجلاس سران اتحادیه اروپا برگزار شد آخرین اجلاس از این نوع!

محمود صالحی

گذرنامه های جدید برای شهروندان اروپایی بطور ضمنی موافقت کردند. در پاسپورت های جدید اروپایی تمامی مشخصات «بیومتریک» شهروندان ضبط خواهد شد.

در این نشست پیشنهاد انگلیس برای ایجاد اردوگاه پناهندگی در خارج از مرزهای اروپا مورد پذیرش قرار نگرفت. وزیر خارجه یونان



راستاهای اجلاس

● مساله مهاجرت غیر قانونی

در نشست سران اتحادیه اروپا تصمیم گرفته شد تا آخر سال جاری یکسان سازی نرم چکای پذیرش مهاجر و پناهندگی در کشورهای عضو صورت گیرد.

همچنین توافقاتی در مورد ایجاد یک مخزن اطلاعاتی مشترک (VIS) که با مخزن اطلاعاتی شننگن (SIS) نیز در ارتباط است برای صدور ویزا صورت گرفت. سالانه ۱۲ میلیون درخواست ویزا برای اروپای غربی صورت می گیرد و هزینه ایجاد مخزن اطلاعاتی اروپا بین ۱۶۰ تا ۲۴۰ میلیون یورو تخمین زده شده است.

از سوی دیگر تحت فشار ایالات متحده آمریکا مبنی بر عدم اجازه ورود شهروندان اروپایی به این کشور، رهبران اتحادیه اروپا با صدور



«پایانده رو» این پیشنهاد را ایجاد «بازداشتگاه» نامید و نخست وزیر یونان گفت از آنجایی که میزان مولاید در اروپا رو به کاهش دارد ما به پذیرش مهاجرین نیازمندیم.

و ناوچه های جنگی حفظ امنیت این اجلاس را بر عهده داشتند. همزمان با برگزاری اجلاس بنا به دعوت دهها سازمان سیاسی و اجتماعی از یونان، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و سایر کشورهای اروپایی تظاهرات وسیعی با حضور دهها هزار نفر در مرکز شهر تسالونیک برگزار شد و تظاهرکنندگان مخالفت خود را با جهانی شدن و سیاست های اقتصادی و اجتماعی این اتحادیه ابراز کردند. نشست سران اتحادیه اروپا که به ریاست دوره ای کاستاس سیمیسیس نخست وزیر یونان تشکیل شد آخرین اجلاس از این نوع است و از این به بعد نشست سران در بروکسل برگزار خواهد شد.

با ورود ۱۰ عضو جدید به اتحادیه اروپا، ریاست دوره ای که هر شش ماه یکبار به یک کشور تعلق می گیرد دیگر بی معنی می شود، زیرا هر کشور ۱۳ سال باید در نوبت بماند تا در دور بعد ریاست را به عهده بگیرد.

| کشور | درآمد سرانه (یورو) | میزان بیکاری (درصد) | جمعیت (میلیون) |
|-----------|--------------------|---------------------|----------------|
| اسلند | ۹۸۰۰ | ۱۲/۴ | ۱/۴ |
| لندن | ۷۷۰۰ | ۱۳/۱ | ۲/۴ |
| لیتوانی | ۸۷۰۰ | ۱۶/۵ | ۳/۷ |
| جمهوری چک | ۱۳۳۰۰ | ۸ | ۱۰/۳ |
| لهستان | ۹۲۰۰ | ۱۸/۴ | ۳۸/۶ |
| اسلواکی | ۱۱۱۰۰ | ۱۹/۴ | ۵/۴ |
| مجارستان | ۱۱۹۰۰ | ۵/۷ | ۱۰ |
| اسلوانی | ۱۶۰۰۰ | ۵/۷ | ۲ |
| مالتا | ۱۲۶۰۰ | ۵ | ۰/۴ |
| فیرس | ۱۸۵۰۰ | ۴ | ۰/۸ |

چک سفید برای رحمانف!

فرماندهوم نیز مثل سایر جمهوری های آسیای میانه بیش از ۹۰ درصد رای خواهد آورد و تاجیکستان نیز دارای رئیس جمهور «مادام العصر» خواهد شد. لازم به ذکر است که نمایندگی سازمان ملل و نیز همکاری امنیت و همکاری اروپا اعلام کردند که «به دلیل دعوت دیر هنگام» بر این همه پرسی نظارت نمی کنند.

تاجیکستان جزو ۲۰ کشور فقیرترین جهان است. ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند. یک میلیون نفر (یک ششم جمعیت آن) وابسته به برنامه کمک غذایی سازمان ملل هستند و ۵۰ درصد کودکان تاجیکستان از سوء تغذیه رنج می برند. بودجه دولتی آن نسبت به سال ۱۹۹۰ به یک دهم رسیده است.

تاجیکستان دارای ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان است و تقریباً ۸۵ درصد قاچاق مواد مخدر آسیای میانه از طریق این کشور صورت می پذیرد. تنها در سال گذشته بیش از ۷ تن مواد مخدر به ارزش ۱/۴ میلیارد دلار ضبط شده است.

این روزها اعلامیه ای به امضای «فرماندهان اپوزیسیون متحد» در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان پخش و در آن به نمایندگان مجلس هشدار داده شده است. در این اعلامیه آمده است: ما می دانیم که اگر این بار هم شما رحمانف را به ریاست جمهوری تعیین کنید، فرزندان ما آینده ای نخواهند داشت... آدرس محل سکونت شما در اختیار ما است.

این اعلامیه هنگام بررسی طرح تغییر قانون اساسی در مورد انتخابات ریاست جمهوری در سطح شهر دوشنبه پخش گردید. با تأیید لایحه تغییر قانون اساسی توسط مجلس تاجیکستان، روز یکشنبه گذشته طرح تغییر قانون اساسی برای انتخاب مجدد امامعلی رحمانف به ریاست جمهوری برای سال ۲۰۰۶ به فرماندهوم گذاشته شد که هنوز نتیجه این فرآیند مشخص نشده است. علاوه بر آن بر ۵۶ ماده از مواد قانون اساسی نیز اصلاحاتی وارد خواهد شد.

ناظران سیاسی معتقدند این

«عراق گیت» در فنلاند

پروتکل محرمانه دولتی در مبارزه انتخاباتی» را مورد پی گیری قرار داد. پلیس فنلاند پس از بازداشت «مارتی مانتین» که در نخست وزیری کار می کند و عضو حزب مرکز است، وی را مسئول «درز» پروتکل محرمانه دولتی به بیرون معرفی کرد.

خانم یتن مکی روز چهارشنبه گذشته با حضور در مجلس با تأکید بر بی گناهی اش از موضوع اظهار بی اطلاعی کرد. اما پس از اینکه مانتین اعلام کرد خانم یتن مکی او را مجبور به بیرون بردن پروتکل های محرمانه از نخست وزیری نموده است، دولت یتن مکی طبق قانون اساسی فنلاند پس از ۶۳ روز مجبور به استعفا شد.

بنظر می رسد پس از سقوط دولت خانم یتن مکی که به «عراق گیت» معروف شد، دولت آینده در هلستیکتی از ائتلاف حزب سوسیال دمکرات، حزب خلق سوئدی ها و حزب مرکز تشکیل شود.

در روز ۱۶ مارس حزب مرکز به رهبری خانم «آنلی یتن مکی» در انتخابات با اختلاف ۰/۲ درصد در مقابل حزب سوسیال دمکرات به رهبری «پاوو لیپونن» به پیروزی رسید و به مقام نخست وزیری فنلاند دست یافت.

افکار عمومی فنلاند در هنگام جنگ آمریکا با عراق مخالف جنگ بود و خانم یتن مکی در سخنرانی های انتخاباتی اش دولت لیپونن را متهم به همکاری با «محرور جنگ» جرج بوش و تونی بلر می کرد.

خانم یتن مکی برای اثبات ادعایش از پروتکل محرمانه مذاکره تلفنی جرج بوش و لیپونن که در آن جرج بوش از حضور دولت فنلاند در مبارزه علیه تروریسم تشکر می کرد، نقل قول می کرد. بنا به اظهار لیپونن، پروتکل مذاکره مربوط به بعد از ۱۱ سپتامبر بود. با این حال دادستان کل فنلاند موضوع «نقل قول از

در عراق چه می گذرد؟

درگیری های نظامی که قبلاً «پراکنده» توصیف می شدند، است. اکنون به نظر می رسد که حملات نظامی به نیروهای آمریکایی سازماندهی شده هستند و شکل پارتنری بخود گرفته اند. برای نخستین بار پس از پایان جنگ طی چند روز گذشته ارتش آمریکا دوباره دست به دو عملیات وسیع نظامی زد و در آن طبق گزارشات رسمی جمعاً ۹۰ نفر کشته شدند.

نیویورک تایمز در مقاله ای بنام «جنگ جدید» فهرست حملات به نیروهای آمریکایی و تلفات ناشی از آن را انتشار داده و می نویسد: این جنگ نه ماهه، بلکه سالها طول خواهد کشید.

زمزمه هایی نیز از سوی رهبران کرد شنیده می شود که دیگر نمی توانند «وفاداری» نیروهایشان به آمریکا را تأمین نمایند. «نیوزویک» به نقل از یک مقام ارتش آمریکا نوشت: کردها فقط برای دوران جنگ «اجاره» شده بودند و اکنون ارتش آمریکا در مناطق کردشین نیز تهدید می شود.



آورد و به واشنگتن فراخوانده شد.

اکنون «پاول برمر» که قبلاً مشاور در امور مبارزه با تروریسم در واشنگتن بود، جانشین وی شده است. او در نخستین اقدامش سرگزارای انتخابات شورای شهر نجف را لغو نمود.

اما آنچه برای آمریکا به مشکل اصلی تبدیل شده تظاهرات های فزاینده ضد نیروهای اشغالگر آمریکایی و

پس از پیروزی برق آسای نظامی ایالات متحده در عراق، برخلاف افغانستان که دولت انتقالی کوزای سرعت قدرت را بدست گرفت، هنوز عراق ناآرام است. شرایط زندگی مردم فاجعه بار و وضعیت سیاسی در آن مبهم است.

ژنرال سابق «جی گارنر» که قرار بود قدرت را در دوران انتقالی بدست بگیرد و ساختار جدید سیاسی عراق را سر و سامان دهد، تنها سه هفته دوام